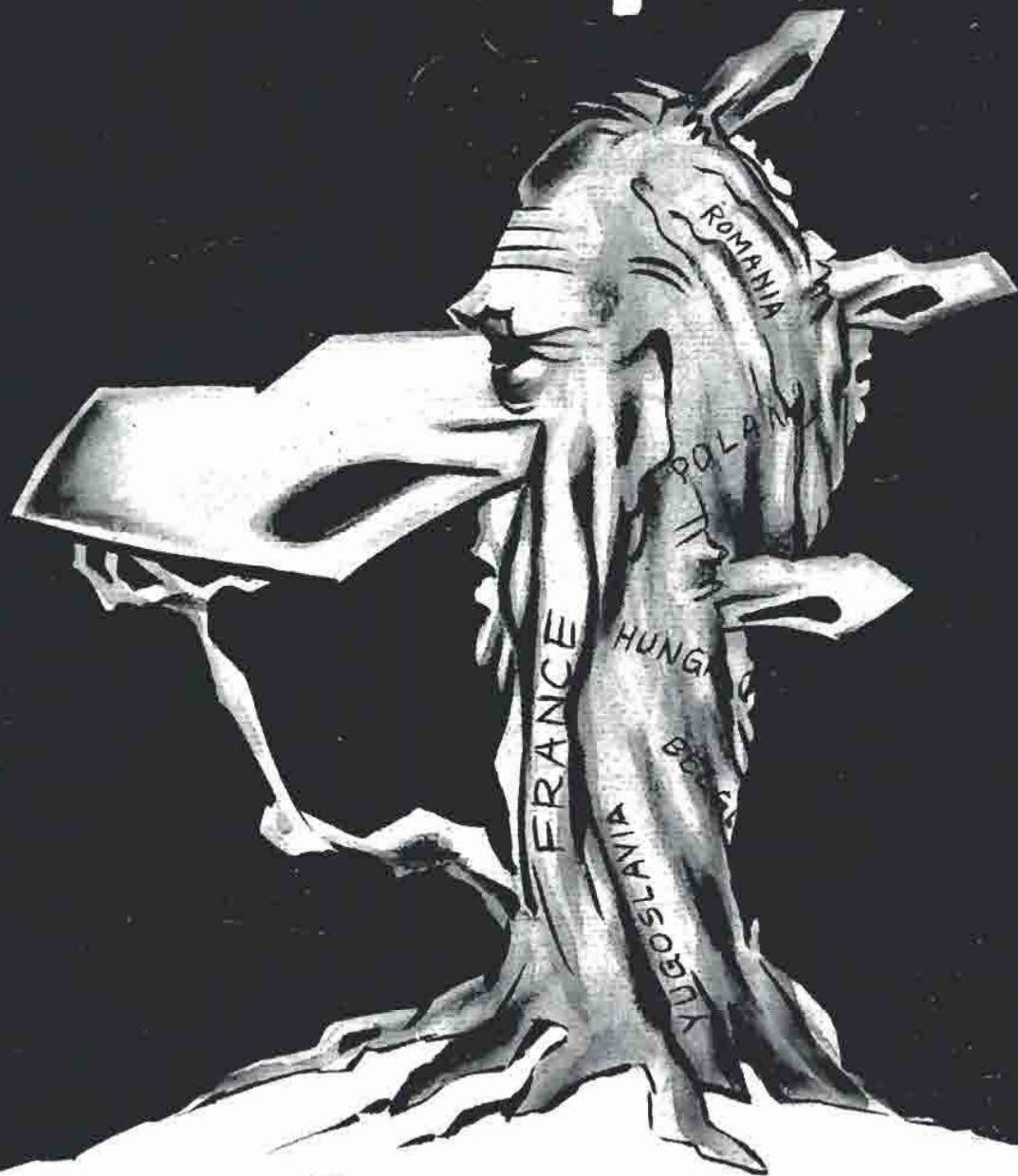


بامشاد



دولر
DAVALLOU

EUROPE

دو گلیبیم!..

بهای اشتراك سالانه ۴۰۰ ریال شش ماهه ۲۱۰ ریال باضافه هزینه پست زمینی یا هوایی	}	درخارج
--	---	--------

بهای تکفروشی ۱۰ ریال یکساله ۴۵۰ ریال شش ماهه ۲۳۰ ریال	}	بهای اشتراك در ایران
---	---	----------------------

نشریه ای که هم اکنون در حال مطالعه آن هستید، در راستای مبارزه با سانسور، گسترش کتابخانه های مجازی، تشویق به مطالعه، و بازیابی مطبوعات قدیمی توسط سایت های باشگاه ادبیات و کتاب فارسی تهیه شده است.



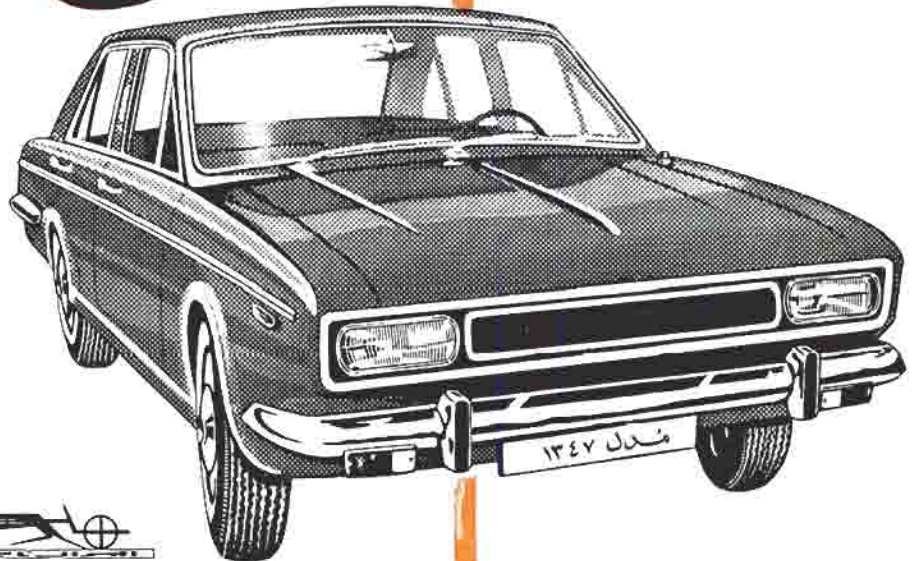
باشگاه ادبیات

<http://www.facebook.com/groups/BashgaheKetab/>

<http://bashgaheketab.blogspot.com/>

شکست
۱۹۶۸

پیروزی ۱۳۴۷



پیکان ۱۳۴۷ وقتی به بازار میآید که
اتومبیل ۱۹۶۸ سه ماه کهنه شده است

پیکان ۴۷

نمونه نوع مهندسی و دسترنج کارگران ایرانی

فروش برج در فروشگاههای فردوسی

اهالی محترم طهران و شهرستانها

فروشگاه فردوسی در مرکز و شعب بمنظور رفاه مصرف کننده

برنج اعلا را ببهای ۲۷ ریال هر کیلو

در کیسه های ۴۵ کیلوئی بمعرض فروش گذارده است

این نشانه دیگری است از اینکه فروشگاه فردوسی کالاهای
بہتر را با بهای ارزانتر در اختیار مصرف کنندگان
میگذارد

از خواربار فروشان و کسانی که برای توزیع در شهرستانها اقدام بخرید مینمایند
خواهشمند است از این بیعد حتی المقدور پیش از ظهرها مراجعه و حواله انبار
دریافت نمایند.

فروشگاه فردوسی

دانشگاه پهلوی

دانشکده مهندسی

دانشکده مهندسی دانشگاه پهلوی برای خدمت در بخش مهندسی برق و
الکترونیک بچند نفر تکنیسین و چند نفر دیپلمه ششم ریاضی احتیاج دارد و با
شرایط زیر استخدام می نماید :

الف- تکنیسین تحصیل کرده و با تجربه و اطلاعات کافی و تسلط کامل به
زبان انگلیسی که با آزمایش لازم از عهده تعمیر هر نوع وسیله الکترونیکی
برآید.

ب- دیپلمه ششم ریاضی بانمرات عالی و تسلط کامل بزبان انگلیسی برای
تعلیم گرفتن طرز تعمیر دستگاههای الکتریکی و الکترونیکی تحت نظر متخصصین
و خدمت در لابراتوارها .

۱- تابعیت ایران ۲- داشتن کتابچه پایان خدمت نظام وظیفه یا معافیت
غیر بیماری ۳- نداشتن سوء پیشینه ۴- برای دیپلمه ششم ریاضی حداکثر
سن ۲۵ سال.

داوطلبان باید تقاضای خود را حداکثر تا آخر وقت اداری روز سه شنبه
۱۴ خردادماه ۱۳۴۷ بدقت دانشکده مهندسی تسلیم نمایند.

دانشکده مهندسی نسبت بانخاب و استخدام داوطلبان مختار است
و این آگهی تعهدی برای دانشکده مهندسی ایجاد نخواهد نمود .

دانشکده مهندسی- دانشگاه پهلوی

۳-۱

تقدیر

بدینوسیله وظیفه خود دانسته از
آقای محمود مقدم دبیر محترم ریاضیات
آموزشگاه شماره ۲ خوارزمی که با
دلسوزی خاصی در راه تعلیم و آموزش
شاگردان میکوشند تشکر کنیم .
رضاء اداشاهی- ابو الحسن خره شاهی- حسین نخعی

تکامل فن دیپلماسی

اثر: هارولد نیکلسن

ترجمه: محمد صادق

میر فن در سکی

کتابیکه جای آن در میان کتب فارسی
خالی بود و تاکنون چنین کتابی بزبان
فارسی نوشته و یا ترجمه نشده است تا
مبانی برای تاریخ تکامل فن دیپلماسی
بشمار آید .

«تکامل فن دیپلماسی»

جامع ترین کتابیست که پیرامون تاریخ
تطور روشهای دیپلماتیک از قدیم الایام
تاکنون نگاشته شده است .

مطالعه این کتاب برای دانشجویان،
دیپلماتها و سیاستمداران ارزش بسزائی
در بر دارد و میتواند مورد استفاده کلیه
علاقتمندان بویژه دانشجویان قرار گیرد .

«تکامل فن دیپلماسی» وسیله

«سازمان چاپ و انتشارات مرجان»
بصورت جیبی به ارزش ۲۵ ریال منتشر شده
است .

پادزهر

از: مهر دادشکوهی

در مجموعه «پادزهر» کوشش
شده تا انسان با بیم، امید، نومی، اعتقاد و
بی اعتقادی و تمام خواسته های فردی و
اجتماعی اش، در محیطی وسیع تر از فضای
یک شهر یا یک کشور، بایک بینش جهانی
توصیف گردد ...

مطالعه «پادزهر» مجموعه ای
داستان «مهر دادشکوهی» را به تمام
علاقتمندان آثار ادبی و جالب توصیه میکنیم.

این کتاب جیبی از طرف «سازمان

چاپ و انتشارات مرجان»

تهران به ارزش ۲۵ ریال انتشار یافته است.

شنبه

بطوریکه مجله «فورتون» چاپ نیویورک اعلام داشته است در ایالات متحده آمریکا تنها دو امریکائی هستند که هر کدام یک میلیارد دلار یعنی چیزی در حدود هفت میلیارد و نیم تومان، ثروت دارند یکی از این دو «پل گتی» هفتاد و پنج ساله است که از سلاطین نفت آمریکا محسوب می شود و دیگری «هوارد هیوز» ۶۲ ساله است که اینک مالک الرقاب هتلها و کازینوهای «لاس وگاس» بشمار می آید... پس از این دو ۶۶ نفر امریکائی، ثروتی بیش از ۱۵۰ میلیون دلار یا متجاوز از یک میلیارد تومان دارند که در میان آنها میتوان از برادران راکفلر نام برد که یکی از آنها حالا کاندیدای ریاست جمهوری است و تیز زرف کندی، پدر کندیها، و فرزندانش رابرت کندی و ادوارد کندی ... و دکتر «ادوین لاند» مخترع دوربینهای عکاسی «پولاروئید»... و بالاخره کوچکترین میلیونر امریکائی جوان شانزده ساله ایست بنام «واکرایمانیر» که فعلا تا برشد قانونی نرسیده حق استفاده از ثروتش را ندارد... ولی روزی که این حق را پیدا کند با فرع ۶۵ درصدی که بر سرمایه هنگفت او تعلق می گیرد او صاحب دو میلیارد دلار خواهد بود... رویهم رفته خیر جالبی بود، ولی آنچه در آن میان، نظر مراجع جلب کرد، ثروت کلان رابرت کندی بود... مردی که اینک چشم و چراغ میلیونها فقیر امریکائی است... و همه امید رابرت میلیونر در انتخابات ریاست جمهوری نیز بآراء همین میلیونها آدمی است که اکثریت آنها بخصوص سیاهان از کم درآمد خویش ناانند و بدنیال کسی هستند که درد آنها را بفهمد، درد فقر و نداری را! در ایران می گویند که کجا سیر از حال گرفته خیر دارد... ولی گویا در آمریکا خلاف این صدق می کند، آخر آنجا آمریکاست، همه چیزش عجیب و غریب است.

های تازه می خواهند... نمی شود که بخواست های آنها بی اعتنا بود!...
خدا خودش عاقبت این «نوطلیها» و توجه «بخواست های عمومی» را بخیر کند.

شنبه

امروز در شهر دووال، در ایالت واشنگتن، سه هزار و پانصد نفر، در اطراف یک گودال عظیم حلقه زده بودند، تا یک نمایش کاملا استثنائی را تماشا کنند. برای تماشای این نمایش که از طرف یک گروه نوازنده ترتیب داده شده بود هر یک از حاضران یک دلار یعنی در حدود ۷۵ ریال پرداخته بودند... ولی خیال می کنید که نمایش چه بود؟ می دانم که سؤال بیجائی است زیرا اگر چند شبانه روز نیز بخلق خدا مهلت داده شود محال است کسی بتواند حدس بزند که این گروه نوازنده وسط بیابان چه کار تماشائی می خواستند بکنند... این نمایش یک دلاری... انداختن یک پیانو از آسمان در یک خندق بود.

در ساعت مقرر یک هلی کوپتر در حالیکه یک پیانوی بزرگ در زیر آن تلولو می خورد، بر بالای گودالی که این جمعیت عظیم بر گرد آن حلقه زده بودند قرار گرفت و بعد در میان غریب و تماشایان، هیکل عظیم پیانورا رها کرد. و لحظه ای بعد، در ته دره، از سقوط آن، ستونی از گرد و خاک به هوا رفت... می بینید که در چه دنیائی زندگی می کنیم؟!

شنبه

وقتی به پدرش سناتور ادوارد بروک نخستین سناتور سیاه پوست کنگره آمریکا خبر داد که خیال دارد بایک پرس سفید پوست ازدواج کند، پدر خندید و گفت: همین انتظار داشتیم زیرا نسل آینده آمریکا را فقط باین ترتیب می توان اصلاح کرد... در واقع در این اصلاح خود بروک، از پیشقدمان است زیرا او نیز یک زن سفید پوست ایتالیائی دارد، و این



«رنی» فرزند دورگه اوست که حالا باز سراغ یک سفید پوست رفته است... من آن روزی را می بینم که نسل های آینده جهان، وقتی ماجراهای تمیض نژادی عصر ما را می خوانند حیرت می کنند که اجدادشان با چه کوتاه نظریهائی سرو کار داشته اند.

شنبه

در شهر مونترآل امروز پلیس به کلویی در کوچه «سنت کاترین» حمله کرد و چهارده تن از رقاصه ها و خدمتکاران زن و نیز صاحب کلوب و هشت تن از مشتریان را که اغلب بچه های کم سن و سال بودند توقیف کرد. علت این اقدام پلیس وضع لباس رقاصه ها و خدمتکاران زن بود... زیرا در این کلوب خدمتکاران زن، از کمربال را برهنه کرده بودند و رقاصه های زن از کمربالین را... و وقتی که از صاحب کلوب توضیح خواستند که آخر این چه افتضاحی است؟ با قیافه ای حق بجانب جواب داد:

— آخر قبول کنید که مشتریان هر روز چیز-

شنبه

وقتی که آقای «ارنست بیندر» اهل نیس خیر دادند که اتومبیل مرسدس بنز ۲۵۰ سفید رنگش پیدا شده، در حالیکه از خوشحالی سراز یانمی شناخت باعجله خودش را با اداره پلیس رساند ولی در آنجا باو گفتند که بلی اتومبیل سرکار پیدا شده، ولی در مکزیک... بنابراین باید او هزینه برگشت آن را با کشتی بدهد تا در اولین فرصت اتومبیل را بفرانسه برگرداند و با اینکه گرمی خواهد آن را در محل بفروشد باید مالیاتش را پیشاپیش بدولت مکزیک بپردازد تا با فروش آن موافقت کنند..

اما مشکل «بیندر» پرداخت هزینه کرایه برگشت یا تادیه مبلغ هنگفت مالیات نیست، آقای «بیندر» متحیر است که اتومبیل او چطور از روی اقیانوس اطلس عبور کرده.. و اگر گرفته، چطور در مرز مکزیک، به گمرک محل مالیات نداده و یکدفعه سر از وسط کشور مکزیک در آورده است.. و از این حادثه حال آن مردی را پیدا کرده که سرعت بدور سرخود خوب دستی خود را می گرداند و چون پرسیدند چکار می کنی؟.. گفت راستش را بخواهید چنان دزد بازاری است که من می ترسم اگر یک لحظه غفلت کنم خودم را هم بزدند!

امروز مرکز سازمان کشاورزی و خواروبار جهانی درم ب مردم جهان اعلام کرد که: اگر صید ماهی در جهان بهمین ترتیب ادامه یابد بزودی نسل ماهی های خوراکی از دریا های روی زمین بر خواهد افتاد و برای اینکه چنین اتفاقی روی ندهد توصیه کرد که بجای ماهی کمی هم نهنگ بخورید... راستی که چه دنیائی شده، روزگاری نهنگ مردم را، حتی یونس پیغمبر را می بلعید... ولی حالا مردم باید نهنگ را بخورند و هم کنند و به به هم بگویند!

شنبه

دیروز داوید دوازده ساله، یکی از ده فرزندان سناتور رابرت کندی را پلیس بخاطر اینکه بسمت اتومبیلی درحوالی واشنگتن سنک برانده است توقیف کرد و وقتی از هویتش باخبر شد او را بنزد خانواده اش برد، بخاطر این پیش آمد، رابرت کندی که اینک در جریان یک جدال عظیم انتخاباتی است، اعلامیه ای صادر کرد مبنی بر اینکه: «داوید جوان از این پیش آمد بسیار متاثر است و از همه بخاطر این تخلف معذرت می خواهد» و بعد خود او بکمک فرزندش شتافته و یادآور شده بود که داوید بچه خوبی است و اسباب افتخار خانواده خود می باشد و او امیدوار است که دیگر چنین خطائی از هیچک از فرزنداناش سرزنند..

من وقتی این خبر را می خواندم از خود پرسیدم که اگر داوید فرزند یکی از خانواده های سرشناس و میلیونر خودمانی بود آیا خانواده او نیز نظیر رابرت کندی چنین عکس العملی نشان می دادند؟.



دیدنیها، شنیدنیها و خواندنیها

سینما

حدس بزنجی کسی برای شام میآید!

اثر: اسنلی کریمر - هنرپیشگان: کارترین هپبورن
اسینما قریبی سیدنی بوآئی، کارترین هپبورن - سینما سکوپ
رنگی (آمریکائی).

آخرین فیلم اسنلی کریمر، تهیه کننده کارگردان
که امسال برنده چند جایزه اسکار شد، بروی پرده
میآید. کارترین هپبورن و سیدنی بوآئی دو هنرپیشه
برجسته این فیلم درام و فکاهی هستند.

توپهای سن سباستین

اثر: هانری ورنوی
هنرپیشگان: آنتونی کوئین، آن جنت کامر، چارلز
برانسون - سینما سکوپ، رنگی (آمریکائی)،
دومین فیلم آمریکائی یک کارگردان فرانسوی
که بعنوان یک تجارتي سازشناخته شده با هنرپیشه
فیلم قبلی اش «ساعت ۲۵» این بار یک داستان
حادثه‌ای، از سرگذشت یک راهزن و یک ناچی
پرداخته است... برای علاقمندان باین هنرپیشه و
باین نوع فیلم‌ها فرصت مغتنمی است. از این
کارگردان قبلاً فیلم «موجی از اسکنا» را
دیدهایم.

یک عشق اثر: روسا نو برآسی

اثر: روسا نو برآسی، آنیس اسپاک (ایتالیائی).
براساس قضیه مورد پسند و رسم روز، عشق
بین یک دختر جوان و یک مرد مسن، این بار
روسا نو برآسی فیلمی ساخته و در آن بازی کرده
که احتمالاً علاقمندان باین قضیه را خوش خواهد
آمد.

سیاره وحشی‌ها

اثر: فرانکلین شافرنر -
هنرپیشگان: چارلتون هستون، رودی مک‌داول، کیم
هانتر - سینما سکوپ، رنگی (آمریکائی).
کارگردانی که فیلم «سردار سر نوشت» از
قرون گذشته را ساخت، با همان هنرپیشه و همان
اعضای فنی، این بار بداستانی از قرن‌های آینده
میپردازد. و بعنوان یک کارگردان ماهر بهترین
برداشت و پرداخت را در ساختمان یک فیلم
«اشانه‌ای - علمی» داراست... یک فیلم خوب و
دیدنی.

حادثه هنرپیشگان: دیکتاتور آرنولد، رابرت

فیلدز، تلماریتر - (آمریکائی).
یک کارگردان تازه کار آمریکائی، با تعدادی
هنرپیشه و چهره جوان، دو جوان و لگردد، در یک
قطار ریز زمینی، جنجال و حادثه‌ای را موجب
میشوند.

زیبای حبله گر

اثر: دینوری هنرپیشگان
نینوما نهردی، سنما برگر، ماریو آدورف - سینما
سکوپ، رنگی (ایتالیائی).
از آثار جدید یک کارگردان خوب ایتالیائی،
در ماه‌های همیشگی او: فکاهی و طنز، و با
شرکت یک هنرپیشه خوب: نینوما نهردی.

کتاب

تحقیق

«جنگل‌های ایران» اثر «دکتر حبیب‌الله

فابری) جزء رشته کتابهای جوانان، کتاب یازدهم
انتشار مییابد... این کتاب، حاوی تحقیقات جامع و
لازمی درباره جنگل در ایران است... بضمیمه
سه نقشه از تقسیمات جنگلهای ایران و تصاویر
از انتشارات: ابن سینا - قیمت: ۱۲۵
ریال.

تاریخ

«خلاصه تاریخ ایران تا انقراض قاجاریه»
تالیف محمد حجازی پس از مدتی نایابی در چاپ
جدید بطبع میرسد.
از انتشارات: ابن سینا - قیمت: ۱۰۰
ریال.

نمایشگاه

«آثار نقاشی دکتر «دینچیزوبیا کینی» در
تالار «روزن».
«نمایشگاه آثار نقاشی «غلامحسین فامی» در تالار
سیحون.

«آثار نقاشی دسته جمعی: کاتوزیان -
ایران درودی - متین دفتری - صادق بریرانی - عربشاهی
منصوره حسینی - آویسی» در تالار «نگار»

تمبر

«وزارت پست و تلگراف و تلفن بمناسبت تشکیل
کنفرانس حقوق بشر یک سری تمبر یادگاری بازنش
های ۱۴۳۸ ریال منتشر کرده است...»

نمایش

«آی با کلاه، آی بی کلاه» اثر دکتر
غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) با شرکت نصیریان -
جعفری - انتظامی - در تالار ۲۵ شهریور.
«چوب‌زیر بیل» اثر: بهمن فرسی - در انجمن
ایران و آمریکا.

صفحه

«اجرای تازه‌ای از آهنگ قدیمی «موندو -
کانه» Mondo Cane از فیلم «دنیای عجایب» در
این هفته موفقیت داشته است...»

نمایندگان بامشاد در شهرستانها

آبادان	آقای عزیز چوبدار
آمل	« آقا جان زاده
امیر کلا	« رسولی
اصهان	« اعتدالی
اهواز	« رحمن رکنی
بابل	« علمی
بانه (کردستان)	« طاهر محمدی
بجنورد	« هاشمی
بندر پهلوی	« باقری
بندر گز	« عباسعلی کردی
بندر شاپور	« کیانی
بندر بوشهر	« حسین دهمدار
بندر ماه شهر	« نوروزی
بهبهان	« بهبهانی
بوکان	« اسمعیل زاده
تبریز	« ملازاده
خرم‌آباد	« مهدی محمدی
خرمشهر	« فرج‌الله لاری
خمام	« غیائی
داراب	« نجیب‌زاده
رشت	« قانع صفت
رضائیه	« زینالیپور
رامسر	« دانش پژوه
سراب	« خوش‌خلق
ساری	« شهنازی
سبزوار	« قاری‌زاده
سمنان	« هاشمی
سندج	« ارجمند
شیراز	« آگهی
شاه‌آباد غرب	« کریم‌چیدری
شاهی	« داریوش نظری
شاهرود	« کوهستانی
سقز کردستان	« کیانی
قم	« مهدوی
قوچان	« پرویز دلوران
قهفرخ (اصفهان)	« فرخ‌نژاد
کرمان	« جهانگیری
کرمانشاه	« خاجانی
کازرون	« هوشداران
کنبد کاس	« عمیدزاده
کچساران	« علی‌اکبر چیدری
گرگان	« بانو کمالی
لاهیجان	« سعادت‌مند
لنکرود	« حسن زاده
مراغه	« شاکردیان
مسجد سلیمان	« کریمی
مشهد	« غفرانی
مهاباد	« معروف زاده
نائین	« صفوی‌پور
نیشابور	« توسلی
همدان	« طریقت‌یاب
یزد	« کریمی
خمین	« مهدی‌معماری

بامشاد



دو گلبیسیم!..

فهرست بخشها:

- ۸- ☆ سلام بردوستی
- ۹- ☆ امروز نیز دیر است
- ۱۱- همه چشم بدولت دوخته اند
- ۱۲- گلیم

خبر ۱۴ * از هر گوشه زمزمه‌های
خاورمیانه

- ۱۵- * اسرائیل و اعراب، جنگ سیاسی یا جنگ نظامی
- ۱۷- * دلار در خطر است * یک کنسرسیوم اروپائی برای بهره برداری از منابع نفتی ایران
- ۱۸- ویتنام، اسرار وین تیان
- ۲۰- ایالات متحده آمریکا : همفتری در راه کاخ سفید
- ۲۲- ☆ کانادا: در یک راه تازه
- ۲۳- ☆ چکوسلواکی: سوسیالیسم + آزادی

- هنر
- ۲۴- * گفتگویی با بهمن فرسی
- ۲۵- * (خرمن کونکی) اثری از یک سیاه زندانی * اتوبوس نمایشگر * زیبایی روز * فیلم وسترن تروفو
- ۲۶- * (تام پین) قهرمان آزادی آمریکا.
- ۲۷- * شکوه هنری گوتیک در نمایشگاه لور
- ۲۸- * درگذشت هنرمندان و نویسندگان
- ۲۹- * نکته و خبر

در این روز و روزگار

- ۳۰- * دنیا در سال ۲۰۰۰ میلادی
- ۳۲- * آیا جای داروی بیماری قلبی است؟ * ماجرای حیرت انگیز موتو سیکلت * گرما در سبیری * خطرات هواپیما و اتومبیل
- ۳۳- * جوانان کیستند و چه میخواهند؟

مطبوعات

- ۳۴- * بررسی مطبوعات هفته
- ۳۵- * کاروبار

هزار و یک مسئله

- ۳۶- * «مقوله فرار منزها»
- ۳۷- * برنامه برای صدسال دیگر

۳۸- اسرار افشاش نشده‌ای از یک حادثه تاریخی معاصر

بامشاد

هفته‌نامه اجتماعی و سیاسی و هنری
روزهای سه‌شنبه تهران

تاسیس: ۳۰ خرداد ۱۳۳۵
صاحب امتیاز و ناشر و مدیر مسئول:
اسماعیل پوروالی

محل اداره: خیابان شاهرضا انتهای
کوچه فتوحی (بین روزولت و رامسر)
شماره ۷۳

تلفن دفتر: ۶۹۴۱۶

نشانی تلگرافی: تهران بامشاد

تهیه و تنظیم تصاویر روی جلد از:

استاد محسن دولو

تلفن: ۳۳۳۲۲۸

هیئت نویسندگان و مترجمان

(بترتیب حروف الفباء)

صفا حائری، بیژن خرسند، محمد علی
سفری، محمد علی طاهبازیان، محمدرضا
عسکری، رضا عقیلی، پرویز لادین، شاءاله
ناظریان، جعفر ماهیار، ایرج نبوی
داریوش همایون،
عکاس؛
جواد صادقی
کاریکاتورست‌ها، لطیفی و خیال و زارع

امور اداری

مدیر داخلی؛
ر. قازاریان
متصدی امور شهرستانها؛
برهان
متصدی امور آگهی‌ها؛
دادفر
ناظر مسئول چاپ؛
امینی
مصحح؛
اتابکی
چاپخانه؛ یک ایران خیابان شاه آباد
کوچه سیدهاشم نمره ۳۴ تلفن: ۳۳۲۹۰۶
متصدی صفحه بندی؛
حسن عامری
متصدی ماشین چاپ؛
حسین حمایبتکار
گراورها؛ از گراورسازی جواهری

تلفن: ۳۳۲۴۱۱

بهای آگهی‌ها:

مشکی: سطری
۴۰ ریال
رنگی بابت هر رنگ سطری ۲۰ ریال
بر قیمت مشکی افزوده میشود.
آگهی‌هایی که بصورت رپرتاژ است سطری
۱۰۰ ریال خواهد بود.



ژرژ بیدو نخست‌وزیر فرانسه در حضور شاهنشاه

فرانسوی در اجرای برنامه پنجساله ایران مذاکره شود.

اما، طراحان ایرانی گله‌هایی دارند و قبل از همه آنکه سرمایه‌گذاران فرانسوی چندان رغبتی به سرمایه‌گذاری در ایران از خود نشان نداده‌اند.

رئیس دولت ایران در یک جلسه خصوصی با خبرنگاران فرانسوی بطور غیر مستقیم اخطار کرده است که بازار ایران سرعت در شرف بردن است و اگر سرمایه‌گذاران فرانسوی هر چه زودتر تصمیم نگیرند و جاهای خالی را پر نکنند یکی دو سال دیگر دیر خواهد بود.

با این وجود، انتظار میرود که فرانسه، در اجرای برنامه چهارم، نقش مهمی ایفا کند. پاره‌ای از اطرافیان آقای پومپیدو میگویند ممکن است فرانسه تا حدود یک میلیارد فرانک برای اجرای طرح‌های برنامه چهارم به ایران کمک کند. اما اگر این خبر تأیید نشده است، در عوض تردیدی نیست که ایران و فرانسه هر دو برای تجدید حیات نفوذ فرهنگی فرانسه در ایران اهمیت فراوانی قائل میباشند.

در حال حاضر، در حدود ۹۰ معلم و مربی فرانسوی سرگرم آموختن زبان و ادبیات و فرهنگ فرانسه به تقریباً ده هزار دانش‌آموز و دانشجوی ایرانی هستند، ولی نباید فراموش کرد که تا بیست سال قبل فرانسه زبان دوم اکثریت محصلین ایران بشمار میرفت.

بن‌زور مسئول پوره‌زیدان... بن‌زور... نمی‌خواهم بگویم که این دیدار روابط ما را نزدیکتر میکند، چون این روابط هم‌اکنون بسیار نزدیک و دوستانه می‌باشد ولی اطمینان دارم که مرحله جدیدی را در مناسبات ما افتتاح خواهد کرد.

قبل از آن، امیر عباس هویدا، نخست‌وزیر ایران در سرزمین شامیکه در وزارت خارجه با افتخار همکار فرانسوی خود داده بود گفته بود که سفر آقای پومپیدو به تهران یک «اهمیت فوق‌العاده و ارزشی سمبولیک» دارد، زیرا این دیدار مصادف با شروع برنامه چهارم عمرانی ایران شده است.

به خبرنگار بامشاد، آقای پومپیدو میگوید: «من دیروز افتخار شرفیابی به حضور شاهنشاه آریامهر را داشتم و مدت زیادی درباره امکانات توسعه همکاریهای اقتصادی و فرهنگی و فنی و هم‌چنین مسائل سیاسی جهان تبادل نظر کردیم و میتوانم بگویم که نتایج سودمندی از این مذاکرات بدست خواهد آمد».

ایران، برای پیروزی طرح‌های سنگین و مهم برنامه چهارم خود قبل از هر کشور دیگری روی فرانسه و شوروی حساب میکند.

در ضیافت شام وزارت خارجه، نخست‌وزیر فرانسه در جواب سخنان آقای هویدا تأکید کرد که چنانچه مقامات ایرانی «تمایل» داشته باشند دولت فرانسه «کاملاً» آماده است مشترکاً درباره تشریک‌مساعی موسسات

ایران

ایران-فرانسه

سلام بردوستی

در باغ با طراوت سفارت فرانسه، در زیر یک آفتاب مطبوع بهاری که صداهای پرند را در لابلای شاخسارها، بنغمه‌سرائی واداشته بود، جمعیتی انبوه و در هم فشرده جام‌شامپانی در دست یک زن و مرد که بیش از همه مورد توجه خبرنگاران و عکاسها بودند، در میان خود داشتند؛ نخست‌وزیر فرانسه و بانو ژرژ پومپیدو.

در میان سیل «بن‌زور- بن‌زور» هارنیس دولت فرانسه، بطور جسته‌گریخته به سئوالات خبرنگار بامشاد پاسخ میدهند: «من برای این سفرم به ایران خیلی اهمیت قائل هستم».



زرژ پمپیدو و همراهان در گفتگو با هوید و همکارانش

وله. امروز که از تهران بسوی کابل پرواز میکند، روابط باستانی ایران و فرانسه برآستی وارد مرحله تازه‌ای شده است و استقبال که در فرودگاه از او بعمل آمد بیشتر از آن بک رئیس کشور بود تا رئیس دولت.

صفا حائری

کنفرانس گچسرو

امروز نیز دیو است

جمعیتی بالغ بر ۵۰ نفر در روز از وقت خود را در هتل گچسرو صرف با مری کردند که باید سالها پیش میشد و حالا هم که شده حق این بود که صریح تر و قاطع تر از این می نمود که اعلام شده است.

دکتر مجید رهنما وزیر جوان و تازه نفس که چند ماهی است سر رشته کار تحصیل در مملکت را البته در سطح بالا تقبل کرده می خواهد وضع تحصیل را در مرز دانشگاهی اش از شکل آشفته فعلی نجات بخشد، قصد او اینست که دیگر گروه گروه جوانان این مملکت در

در نهایت استادی از پیش برده است در حالیکه در آغاز کار بسیاری از فرانسویان و خارجی ها او را یک دستیار ساده ز نرال می پنداشتند و هرگز باورشان نمی شد که دولت او بتواند مدت زیادی دوام کند و خود پمپیدو، روز بروز بهتر در این مقام جایافتد.

نخست وزیر فرانسه، که اینک بعنوان تنها جانشین دو گل شناخته می شود همه چیز حاکی از اینست که خود را جهت تقیل امر خطیر ریاست جمهوری کشور خود آماده می سازد ناچار است در چهار چوب دیپلوماسی «کولیست» آشنائی نزدیکی با اوضاع خاورمیانه داشته باشد و در شرایط کنونی تهران تنها پایتختی است که میتواند او را، از این نقطه نظر، راضی نماید و شاهنشاه ایران تنها رهبری هستند که میتوانند با نظریات دقیق خود درباره اوضاع خاورمیانه راهنمای سیاست آینده فرانسه باشند.

روز پنجشنبه، وقتی پومپیدو و همسرش با هواپیمای کاراول اختصاصی وارد تهران شد گفت: «چنانچه ممکن باشد» اوسمی خواهد کرد که از تمام امکانات و قدرت خود برای توسعه بیشتر مناسبات دو کشور استفاده کند،

در حالیکه اینک تعداد محدودی از دانش آموزان مدارس آنهم بیشتر در شهرستانها بفرانسه توجه نشان می دهند.

شالوده یک همکاری وسیع تر بین ایران و فرانسه در زمینه های اقتصادی، فنی و فرهنگی هنگام سفر ز نرال دو گل به ایران در سال ۱۹۶۳ ریخته شد.

هر چند از آن تاریخ تا کنون دوبار «موریس کودومورویل» وزیر خارجه نیرومند فرانسه به تهران آمده است ولی در حال حاضر «پومپیدو» برجسته ترین شخصیت فرانسوی است که بعد از ز نرال دو گل از ایران دیدن میکند. زرژ پمپیدو که اینک ۵۷ سال دارد، مردیست با استعداد و پرکار که علم سیاست را تنها در مکتب ز نرال دو گل آموخته است.. و با اینکه در جریان جنگ دو گل را نمی شناخت اما بعد از جنگ، در ردیف نزدیکترین و بهترین همکاران او در آمد و چند سالی ریاست دفتر او را به عهده گرفت، تا اینکه در ۱۹۶۲، هنگامی که یکی از روسای برجسته بانک روتچیلد بحساب می آمد، از جانب دو گل بمقام نخست وزیر برگزیده شد.. و اینک شش سال تمام است که این مسئولیت خطیر را

پشت درهای بسته دانشگاهها مانند ویکسال و دو سال و چندسال عادل و باطل بامیدورود بدانشگاه «خیابان گرد» و آشنا با همه مفاسد آن نشوند و این فکری است عالی بخصوص که بدنای آن تن تحصیل بخاطر احتیاجات مملکت، نه تحصیل بخاطر دریافت «تیترا» هم مورد نظر است و برنامه‌ای برای این امر مهم در حال تدوین میباشد.

برای آشنائی بیشتر

حقیقت این است که کنفرانس گچس (صرف نظر از شان نزول محل آن که بقول دکتر جهان‌شاه صالح باین دلیل که کله‌های شرکت کنندگان براز گچ است انتخاب شده بود) با ابتکار وزیر علوم قبل از هر چیز باین منظور تشکیل شد که روسای دانشگاهها را بهره‌عنوانی که باشد بزیر «بگسقف» بکشاند و در کنار هم بنشانند چون شاید برای خیلی از مردم این مملکت این حقیقت هنوز روشن نشده باشد که حتی در کار دانشگاههای ماهم چشم و هم چشمی ولج و لجبازی فراوانی وجود دارد دکتر رهنما وزیر علوم این جماعت را زیر یک سقف بردو از آنها خواست که حرفهایشان را بزنند و بعد از همه آن حرفها نتیجه‌ای روشن بگیرند. منتهی بخاطر اینکه اولین قدم در این راه پرپیچ و خم باشکست روبرو نشود عنوان نتیجه را «توصیه» گذاشتند نه «دستور العمل» ولی این خیر هست که این توصیه‌ها برای ایجاد هم آهنگی بین دانشگاهها در کنکوره‌ای که تابستان امسال در فصل تعطیل دانشگاهها تشکیل میشود بصورت دستور العمل‌های قابل اجرا درخواهد آمد.

مسائل دانشگاهی

البته این کنفرانس با چند کمیته‌ای که داشت تصمیماتی گرفت اما بطور کلی انگیزه کاره‌مانا ایجاد حسن تفاهم بود بین دانشگاهها از یک طرف و بین وزارت علوم و آنان از طرف دیگر در زمینه‌های یکنواخت کردن کار دانشگاهها - تعیین تکلیف دانشجویان از نظر کنکور و همچنین شهریه تا تحمیلی طاقت فرسا برای افسراد بی بضاعت نباشد و نیز رسیدگی به صلاحیت تدریس کسانی که در مدارس و دانشگاههای غیر دولتی اشتغال بکار دارند. و بالاخره ایجاد یک نظم عمومی در دریافت و پرداخت پول و دیگر مسائل دانشگاهی. در مورد کنکور نقل قول از وزیر علوم است که در در نحوه کنکور موجود گفته بود، یک ورقه امتحانی یک دانشجو را پلی کپی کردند و به ۱۲ یا ۱۳ استاد دادند تا بآن نمره بدهند و نمراتی که داده شد بین ۳ تا ۱۶

بوده است!

بنابر این برای کنکور بحثهای مختلفی شد و شاید در صورت وجود وسایل کار سیستمی که هم اکنون در برخی کشورهای اروپائی و امریکا و حتی ژاپن عمل میشود مورد توجه قرار گیرد و این سیستم نیز چنین است که یک دستگاه مستقل غیر دولتی طی سال بصورت «تست» سئوالات لازم را از دانشجویان بکند و پاسخها را با کمک «مغز الکترونیکی» نمره بدهد و در نتیجه همیشه یک لیست دقیق از دانشجویانی که استعداد تحصیل در رشته‌های مختلف را دارند آماده داشته باشد و دانشگاهها بر حسب نیاز تعداد لازم را از این افراد انتخاب کنند باین ترتیب نه تبعیضی بوجود می‌آید و نه اشتباهی در کار ارزش استعدادها رخ میدهد و از نظر

نظر صلاحیت تدریس استادان بیشتر خواهد شد. چون در حال حاضر هستند کسانی که تدریس می‌کنند ولی هنوز از نظر مقررات دانشگاهی صلاحیت تدریس ندارند.

تصفیه دامنه دار

اما مسئله مهمتر که معلوم نیست در چه تاریخی سرو سامان خواهد گرفت. مسئله انجام یک تحول عمیق در کادر استادان است. متأسفانه طی ۱۵ سال اخیر هر قدر دولت‌ها برای استفاده «تمام وقت» از استادان تلاش کردند از اینکار فایده‌ای نبردند و هر قانون و تصویب نامه و آئین نامه‌ای در بونه فراموشی افتاد و علت الملل این درد نیز این بود که خود مجریان راهم شامل میشد! در حال حاضر تعداد کثیری استاد وجود



رهنما، وزیر علوم در کنفرانس گچس

دارند که کار تدریس کوچکترین مشغله آنانست و آنچنان در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دیگر غوطه‌ور هستند که باید گفت استادی دانشگاه را فقط «یدک» می‌کنند. تحصیلات اکثر این دسته مربوط به نیم قرن و بلکه بیشتر است و هیچگاه فرصت مطالعه پیدا نکرده‌اند تا از آخرین متد تدریس و از ترقیات علوم باخبر شوند و در نتیجه گاهی کتبی تدریس میشود که مربوط بزمان جنگ بین المللی دوم است!

کار مهم وزارت علوم این است که این دسته از اساتید را از کادر اجرائی دانشگاهها کنار بگذارد منتهی برای اینکه مواجهه با عکس العمل شدید دسته جمعی آنان که همه هم از متنفذین هستند نشود با حفظ همه شئون و مقاماتشان جنبه مشورتی در کارها داشته باشند تا میدان برای استفاده از طبقه دیگری که از روش‌های جدید باخبرند خالی گردد.

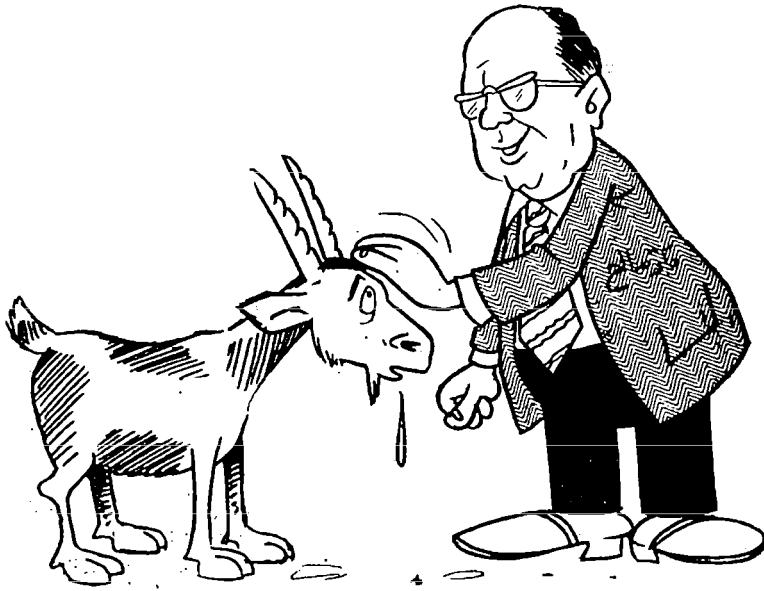
هزینه نیز این کار بمراتب از هزینه کنکورهای متعددی که در دانشگاهها صورت می‌گیرد کمتر خواهد شد.

بانک دانشگاهی

از نظر وضع مالی ممکن است یک بانک بوجود آید تا کلیه درآمد های دانشگاههای دولتی در این بانک متمرکز شود و بر حسب احتیاج وزیر نظر وزارت علوم برداشت گردد در حال حاضر متأسفانه نیمی از وقت مسئولین دانشگاه در سازمان برنامه و دیگر مراجع دولتی برای تحصیل اعتبار ساختمان و یا استخدام نیروی انسانی صرف میشود.

در نظر است از این پس این نیروها صرفاً صرف مطالعه گردد و کلیه کارهای اجرائی با مصوبه هیات امناء از طریق وزارت علوم صورت گیرد نسبت بدانشکده‌های غیر دولتی نیز کنترل چه از نظر برنامه تدریس و چه از

۱۵۰۰۰ دانشجو خواهد پذیرفت . ۴ جرایم



جها نشاد صالح - بزك نمیر بهارمیاد، كه بزه باخیار میادا!

اینها مسائلی است که وزارت علوم با آن مواجه است و به همین جهت قرار است که ... در کشوره تابستانی امسال که وسعت بیشتر برای طرح این مسائل هست، همه آنها یک بیک مطرح کرد و در راه حل‌هایی بر آن بیابند تا شاید از سال آینده برنامه های تکمیلی براساسی نو استوار گردد ...
بامید موفقیت در این کار بزرگ ...
م - س

جریانات روز

همه چشم بدولت دوخته اند
ریزش اقتصادی یک سفر

... فرانسه اظهار تمایل کرده است که در اجرای اصول برنامه عمرانی چهارم ایران نقش موثری داشته باشد ...
این اظهار تمایل را ژرژ پیدو نخست وزیر فرانسه چند روز قبل از آنکه سفر خود را با ایران آغاز کند در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس بیان داشته بود.

«... اعتبار فرانسه با ایران نامحدود است و از این اعتبار برای اجرای طرحهای آب و برق و تاسیسات الکترونیک و تربیت کادر فنی استفاده خواهد شد و احتمالاً ۱۳ مرکز فرستنده تلویزیونی در سراسر کشور تاسیس میشود ...»

این خبر را مقامات رسمی در خلال مذاکرات چند روزه نخست وزیر فرانسه با نخست وزیر ایران بمطبوعات دادند.
«... بازدید شما از ایران زمانی صورت میگردد که ما چهارمین برنامه پنجساله یکی از عظیمترین برنامه های عمرانی خود را شرح ریزی می کنیم و به عقیده من این تقارن مفهومی قابل توجهی دارد، چه فرانسه در سالهای اخیر در توسعه اقتصادی ما نقش موثری ایفا کرده است ...»

و این قسمتی از بیانات آقای هویدا نخست وزیر است در ضیافتی که با افتخار نخست وزیر فرانسه دادند.

موفقیت در مذاکرات مر بوط به نفت

همزمان با موفقیت های جالب دولت در مذاکرات خود با سران کشورهای آن که در سال نو از ایران دیدن کرده اند پیروزی ایران در مذاکره با کنسرسیوم نفت نیز چه در داخل و چه در خارج از ایران بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

بطوریکه در محافل نفتی جهان پیش بینی می شود، با دوشش های همه جانبه ایران در این زمینه باید انتظار داشت که در سال جاری

در آمد نفت به ۸۶۵ میلیون دلار برسد یعنی رقمی بیش از آنچه در برنامه چهارم از این محل پیش بینی شده بود.
بدین ترتیب برنامه چهارم اینک با سر آغاز خوشی در حال پیاده شدن است.

افزایش تولید

سال گذشته در مصاحبه های رسمی مقامات دولتی صحبت از تشکیل شرکت های سهامی زراعی زیاد می شد و اینک بنظر میرسد که این طرح در حال پیاده شدن است و قرار است، نخست وزیر در هفته آینده اولین شرکت سهامی زراعی را که در فارس تشکیل میشود افتتاح نمایند.

برنامه این است که در طول اجرای برنامه چهارم در حدود یکصد شرکت سهامی زراعی در فارس - آذربایجان - گیلان و مازندران بوجود آید.

هدف دولت از این کار بدینال اتمام کار قانون اصلاحات ارضی این است که از تقسیم شدن اراضی به قطعات کوچک جلوگیری شود در این شرکت های سهامی زارعین ملک خود را بشرکت واگذار نموده و در مقابل آن سهام دریافت می کنند و چون کار بطور دسته جمعی و بطرز شرکت صورت میگیرد دو بدیعی است در شرکتهای حتی المنذور از وسایل مکانیزه جدید استفاده می شود، طبعاً تعدادی از کشاورزان که با امور فلاحتی اشتغال داشتند در این رهگذر، بیکار خواهند ماند.

دولت ضمن اینکه حق این زارعین را متناسب با سهمی که در شرکت دارند خواهد

داد. سعی می کنند که از وجودشان در واحدهای دیگر کشاورزی استفاده کنند.

مسرت دولت در سال جاری از نظر کشاورزی بیشتر از این جهت است که علیرغم همه کارشکنی های بقایای فئودالیسم در جلوی گیری از کارزار عین نه تنها محصول کشاورزی نسبت بسالهای قبل بیشتر شده بلکه دولت امسال در حدود ۵۰۰ هزار تن گندم اضافی دارد که فعلاً دولت شوروی خواستار ۲۰۰ هزار تن آن میباشد و دولت مشغول بازاریابی برای فروش گندم و دیگر محصولات کشاورزی در کشورهای خاور دور از جمله مالزی و چین است.

احزاب و پارلمان

از نظر «پارلمان» و «احزاب» هم می توان گفت آرامش کامل وجود دارد و حق هم همین است چون در شرایطی که انتظار متوجه دولت است طبعاً پارلمان و احزاب هم از جمله «نظاره کنندگان» باید باشند.

در حزب ایران نوین، در گفتگوی کوتاه با خسروانی دبیر کل حزب معلوم شد که این حزب آرام، آرام مشغول اشغال کرسی های انجمن شهر در تهران و شهرستانهاست و این اشغال «بالقوه» که بزودی به «بالفعل» مبدل میشود از راه تهیه زمین در شهرستانها صورت می گیرد. در مقابل حزب مردم هم با تشکیل یکی دو جلسه همگانی با حضور سران و جلسات دیگری که در پیش دارد بقول خودشان قصد ارائه یک «تو» را دارند که باز بقول خودشان با زمین زدن آن حزب رقیب رامات خواهند کرد - سفری

گلپیچم ...



شارل دوگل در فرانسه به «مرد ۱۸ ژوئن» معروف است برای اینکه نه نسل کنونی و نه نسل آینده فرانسه هرگز روزگار پریشان و مصیبت زده کشور خود را در روزهای ژوئن ۱۹۴۰ در اثناء سقوط سریع فرانسه در برابر حملات برق آسای ارتش هیتلر از یاد نخواهند برد، روزهایی که استقلال وهستی و موجودیت یکی از درخشانترین وارزندهترین فرهنگها و تمدنهایی که تا کنون بشریت بخود دیده در آستانه نیستی واضمحلال قرار گرفته بود.

در چنین شرایطی بود که روز بعد هم ژوئن ژنرال دوگل با هوایما راه لندن را در پیش گرفت و در روز هیجدهم ژوئن ۱۹۴۰ پیامی از رادیو لندن «بی.بی.سی» پخش کرد که به «پیام ۱۸ ژوئن» معروفست: «فرانسه در یک نبرد مغلوب شده ولی جنگ را نباخته است»

از آن پس چهار سال تمام ژنرال دوگل صدای فرانسه را بگوش جهانیان رسانید و نهضت مقاومت ملی را در داخل خاک فرانسه علیه نیروهای اشغالگر دشمن امیدو الهام بخشید

تا اینکه در روز ۱۴ ژوئن ۱۹۴۴ بعنوان یک سرباز فاتح و پیروز بخاک فرانسه قدم نهاد و ملت فرانسه از او مانند یک سردار ملی باشور و هیجان بسیار استقبال کرد.

حوادث سیاسی پس از جنگ ژنرال دوگل را یکبار خانه نشین ساخت. اما اضطراب و آشفتگی سیاسی و اقتصادی فرانسه در سال ۱۹۵۸ ملت فرانسه را باز متوجه «مرد ۱۸ ژوئن» ساخت.

کسانی که فرانسه را در ۱۹۵۸ و در سالهای پیش از آن دیده اند و در سالهای اخیر هم بآن کشور رفته اند، می توانند اهمیت و ارزش خدماتی را که ژنرال دوگل در دوران زمامداری اخیر خود بفرانسه کرده دریابند.

در آن روزها فرانسه در زیر بار سنگین جنگ الجزایر کمرخم کرده بود. یکی از سفرای خارجی در پاریس در همانوقت بمن میگفت: از سال ۱۹۴۰ تا کنون برای فرانسه جنگ تمام نشده است. در سال ۱۹۴۰ فرانسه باشغال ارتش هیتلر در آمد و همه مصائب جنگ را کشوری که بتصرف دشمن در آمده بود، تحمل کرد. هنوز اندکی از پایان جنگ نگذشته بود که فرانسه در برابر یک ارتش سرسخت و دلیر در رهند و چین قرار گرفت، فرانسه هنوز کاملا خود را از صحنه جنگ هندوچین کنار نکشیده بود که جنگ الجزایر آغاز شد و در این جنگ، تنها رشادت و دلوری جنگجویان الجزایری نبود بلکه بسیاری از ملت های دیگر و بخصوص ملل عربی در پشت سر جبهه ملی نجات بخش الجزایر ایستاده بودند. بنابراین در حقیقت هیجده سالست که فرانسه می جنگد.

دوگل تصمیم گرفت که باین وضع پایان دهد. جنگ فرانسه را با ستانه سقوط اقتصادی و ورشکستگی سیاسی آکشانیده بود. در آن روزها فرانک فرانسه آنقدر اهمیت و ارزش خود را از دست داده بود که قیمت هر لیتر انگلیس در بازار سیاه با نرخ رسمی در حدود دو بیست فرانک قدیم تفاوت داشت. از مشخصات کلیم، موفقیت و پیروزی در اجرای نقشه های است که با اجرای آن تصمیم گرفته میشود. دوگل قبل از هر چیز تصمیم گرفت که به جنگ الجزایر پایان دهد. این کار آسانی نبود. بسیاری از جناحهای سیاسی و نظامی عقب نشینی فرانسه را در برابر جنگجویان الجزایری یک نوع شکست و حتی یک نوع خیانت تلقی میکردند، ژنرال دوگل در برابر همه ژنرالها و سیاستمداران و حتی آن عده از مردم که صمیمانه مومن و معتقد به «الجزایر فرانسوی» بودند ایستاد و سرانجام توانست اکثریت افکار عمومی فرانسه را با خود همراه سازد. موافقتنامه های اوپان که در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۶۲ با امضاء رسید، الجزایر را بعنوان یک کشور مستقل شناخت و از آن پس مرحله نوینی در توسعه اقتصادی و صنعتی فرانسه آغاز شد.

برای فرانسه دوران سیاست مستعمراتی بپایان رسیده بود. اینک فرانسه میخواست مانند همه کشورهای مقتدر عالم اقتصاد و صنایع خود را رونق بخشد و در سراسر گیتی بازارهایی برای محصولات و کالاهای خود بیابد.

دوگل از آن پس مظهر سیاستی شناخته شد که در دنیا بنام «کلیم» شهرت یافت از خصوصیات کلیم، حس کنیه توزی و انتقام جویی در برابر رقیب است. دوگل رقبای سیاسی خود را فراموش نمی کند. ممکن است برای گرفتن انتقام اقدام بتلافی سالها بانتظار فرصت مناسب به نشیند. اما اساس مطلب را از یاد نمی برد.

بازی دوگل در برابر انگلستان نمونه ای از این رفتار را نشان میدهد. روزیکه نخستین قراردادهای مربوط بتاسیس

بازار مشترك در سال ۱۹۵۷ دررم با مضاعف رسيد انگلستان حاضر نشد بعضويت بازار مشترك در آيد. انگلستان گمان می برد عضويت در بازار مشترك برفع او تمام نخواهد شد و روابط اقتصادی او را با کشورهای خاصه مشترك المنافع در مرض مخاطره قرار خواهد داد. دو گل که از انگلستان جواب منفی شنیده بود آنقدر صبر کرد تا توانست در برابر اصرار و استقامت وحتى التماس انگلستان برای ورود ببازار مشترك همان رویه را اتخاذ کند و انتقام خود را از لندن، با جوابهای منفی پی در پی بگیرد.

گلیسم به بزرگی و عظمت و جلال و شکوه معتقد و مومن است. زرنال دو گل در این زمینه آنقدر اصرار و تمصب بخرج میدهد که گاهی اوقات فرانسویها رفتار و شخصیت او را با لونی چهاردهم (سلطان خورشید) مقایسه می کنند.

زرنال دو گل برای تأمین و تحکیم بزرگی فرانسه، با اروپای متحد فکر می کند و بدون تردید تاسیس بازار مشترك و شورای اروپا و دیگر سازمانهایی که در اروپای غربی طسی پانزده سال اخیر در راه تدارک مقدمات پیدایش يك اروپای متحد یا بعرضه وجود نهاده گاههایی در جهت نزدیک شدن باین هدف بوده است.

اما زرنال دو گل بانیت اصلی خود بسیار فاصله دارد. او میخواست اروپای اقتصادی متحد بتواند در برابر اقتصاد آمریکا قدامت کند و با نیروی اقتصادی آمریکا بمقابله و رقابت پردازد. بازار مشترك اروپا هنوز از هدف زرنال دو گل خیلی دور است.

يك استاد حقوقدان ایتالیایی ماه پیش ضمن کنفرانسی در اثناء تشریح روابط حقوقی ایتالیا و بازار مشترك میگفت: این مطلب را از من بطور خصوصی قبول کنید. اقتصاد ایتالیا و همه بورسها و بازارهای آن در برابر قدرت اقتصادی آمریکا چه قدرتی می تواند داشته باشد. اگر یکی از کمپانیهای بزرگ آمریکائی بخواهد يك روزه می تواند همه بورس ایتالیا را تعطیل کند!

یکی از هدفهای بازار مشترك، تاسیس شرکتیهای تجاری بزرگ از کشورهای اروپائی بود تا بتواند با کمپانیهای غول آسای آمریکائی بر رقابت پردازد.

اما در شرکتیهای تجاری بزرگی که در اروپای سالهای اخیر بوجود آمده اند غالباً سرمایه های آمریکائی نقش مهم و اساسی را بر عهده دارند.

زرنال دو گل و همکارانش خود متوجه این حقیقت هستند و ضعف و عقب ماندگی فرانسه را در صحنه تحقیقات علمی و «تکنولوژی» در مقام مقایسه با آمریکا دریافته اند. بهمین دلیل امروز فرانسه برای ترمیم عقب ماندگی های خود در میدان تکنولوژی اعتبارات قابل ملاحظه ای اختصاص داده است و دو گل و یارانانش فهمیده اند که بجای عطر وزن و شراب، فرانسه باید از لحاظ تکنولوژی در جهان موفقیت و اشتها کسب کند. و بدست آوردن چنین موفقیتی، با در نظر گرفتن راهی طولانی که فرانسه در پیش دارد، کار آسانی نیست.

لیکن از لحاظ سیاست اروپائی و داخله اروپا، که «گلیسم» رامی توان تا با امروز يك سیاست موفق دانست. گلیسم برای بسیاری از کشورهای اروپائی مظهر استقلال رای و عقیده و ثبات اراده و ایستادگی در برابر قدرتهای بزرگ بشمار میرود آنچه طی چند ماه اخیر در ممالک اروپای شرقی نظیر چکوسلواکی و رومانی نداشت از تاثیر گلیسم نمی تواند برکنار باشد. موجی از استقلال طلبی و احساس آزاد یخواهی که در کشورهای

اروپای شرقی بلند شده، درسی است که سوسیالیست های اروپائی از دو گل و سیاست اروپائی اومی گیرند. دو گل در برابر واشنگتن از خود با موفقیت ایستادگی نشان داده و امروز هم پراگ و بوخارست همین روش را نسبت بمسکو در پیش گرفته اند. بدون تردید درس دو گل در این راه عامل موثری بوده است.

اینک که ما اثرات جهانی و اروپائی «گلیسم» را بر رسی کردیم، نمی توان از بررسی «گلیسم» هم در فرانسه گذشت. فرانسوی، يك سنت طولانی از آزادی و آزادیخواهی در پشت سر دارد. آزادی در خون و در نهاد فرانسوی عجین شده است. فرانسوی کمترین تجاوز و تخطی را با آزادیهای فرعی خود نمی تواند تحمل کند. فرانسوی ممکن است بدون رفاه و آسایش و لوئیس زندگی کند اما برای او بدون آزادی زندگی در حکم مرگ است.

معجزه «گلیسم» اینست که توانسته سیاست مطلقه زرنال دو گل را با این سنت آزادی و آزادیخواهی فرانسوی با هم آشتی دهد. و با ایداعتراف کرد که در این بازی زرنال دو گل افتخارات گذشته و حیثیت شخصی خود را در مرض مخاطره نهاده است. دو گل از سال ۱۹۵۸ تا کنون هر وقت که در برابر مخالفان خود را در بن بست دیده با مراجعه بافکار عمومی (رفراندم) توانسته از بحران رهایی یابد. اما این رفراندوم ها آیا بر همان مبانی و اصول دموکراسی استوار است که فرانسویها بدان میبایست می کنند؟

بتازگی مبارزه ای که در فرانسه بین زرنال دو گل و مطبوعات بر سر پخش آگهیهای تجاری از رادیو و تلویزیون فرانسه در گرفت، می تواند مشتی باشد نمونه خروار در واقع کار این مبارزه و کشاکش آنقدر بالا گرفت که هدف دو گل دیگر پخش آگهیهای تجاری از رادیو و تلویزیون نبود. هدف مهمتر او پیروزی و غلبه بر مطبوعات و بر کرسی نشاندن حرفی بود که از آغاز عنوان کرده بود.

بدون تردید پخش آگهی در تلویزیون فرانسه ضربت دیگری بر پیکر مطبوعات فرانسه بشمار میرود زیرا با تاثیر فون الماده برنامه های تلویزیون فرانسه در بین مردم قسمت قابل ملاحظه ای از بودجه های تبلیغاتی موسسات تجاری که تا کنون در اختیار مطبوعات بود تسلیم تلویزیون خواهد شد و بهمین دلیل هم مطبوعات فرانسه یکصدا و هم آهنگ با هم برضد این تصمیم زرنال دو گل پرچم مخالفت برافراشتند. اما دو گل نه تنها موفق شد مطبوعات فرانسه را در این مبارزه شکست دهد، بلکه موفق شد بار دیگر بفهماند که گرفتن تصمیم در اموری از این قبیل در صلاحیت خاص دولت اوست و نیازی هم بتصویب قوه مقننه نیست.

«گلیسم» مظهر گویا و برجسته سیاست ناسیونالیستی و در عین حال مطلقه ایست که احتیاج بیک «سر» دارد. قبل از هر چیز برای «گلیسم» وجود يك «سر» لایق و شایسته و کاردار لازمست. طبعا چنین سری همکارانی هم بر خواهد گزید که عظمت و جلال و شکوه او را تضمین کنند، و این همکاران، همیشه بدون «قید و شرط» از «سر» فرمان خواهند برد.

تنها مسئله ای که باقی می ماند، حل مشکل جانشینی در چنین نظامی است. امروز دو گل ۷۸ سال دارد، تا چهار دیگر هم دست کم او رئیس جمهوری خواهد بود. اما آنروز که رئیس جمهوری دعوت حق را لبیک گفت، آیا گلیسم میتواند سر دیگری برای خود پیدا کند و یا اینکه «گلیسم» در سینه تاریخ با بانی و پایه گذار آن دفن خواهد شد و فرانسه روز کار دیگری را آغاز خواهد نمود! هر نوع جوابی باین سؤال از حدود يك پیش بینی ساده نمی تواند تجاوز کند.

رقابت میک و میراژ

در فرانسه اعلام شد که معامله ۵۲ هواپیمای میراژ با کشور عراق، هیچ ارتباطی به معامله ۵۰ هواپیمای میراژ با کشور اسرائیل که اینک متوقف شده است ندارد. زیرا هواپیماهایی که برای عراق ساخته می‌شود دارای مشخصات و خصوصیات دیگری غیر از آنست که برای اسرائیل ساخته شده است. از هواپیماهای اسرائیل هم اکنون ۱۵ عدد آن حاضر است اما بخاطر تصمیم دولت فرانسه حق پرواز بسوی کشور اسرائیل را ندارند و هنوز معلوم نیست که این تحریم تا کی ادامه خواهد داشت. با اینکه بهای هر میراژ چهار برابر بهای میک ساخت شوروی است، در کشورهای عربی میراژ نامی است که زبانزد دنیای عرب است و همه آنرا از هواپیماهای میک ساخت شوروی بهتر می‌دانند و به همین جهت فرانسه انتظار دارد که بعد از عراق با کشورهای دیگر منطقه عربی خاورمیانه معاملاتی برای فروش این نوع هواپیماها انجام بدهد و احیاناً تارفع تحریم تحویل میراژهای اسرائیل مسکول ببعده از این معاملات شده است.

هفته پیش مقامات دولت شوروی بدور ساختمان روزنامه انگلیسی زبان «تایمز» در مسکو یک نرده سیمی با ارتفاع سه متر کشیدند و این عمارت را که در واقع مقر دیپلماتها و خبرنگاران خارجی است از دیگر ساختمانها جدا کردند. علتی که برای این کار ذکر شده این است که این اقدام برای حفاظت مستاجرین و اتومبیل‌های آنها، ضروری است. روزنامه تایمز لندن بدین مناسبت مقاله‌ای انتشار داده می‌نویسد: «اگر در واقع پلیس احساس می‌کند که برای حفاظت خارجیانی از اوپاش محلی نیاز به ایجاد چنین برده آهنینی است باید بوضع عمومی کشور پس از پنجاه سال قدرت شوروی تاسف خورد» □

يك دانشگاه فرانسوی در ایران

آقای هویدا در مصاحبه خود با خبرنگاران مطبوعات فرانسه، یاد آور شده است که ما از تاسیس يك دانشگاه فرانسوی در ایران استقبال خواهیم کرد زیرا در عرض پنج سال آینده تعداد دانشجویان ما دو برابر خواهند شد. در دبیرستان فرانسوی رازی اکنون هزار دانش‌آموز مشغول تحصیلند که بعلمت استقبال عمومی، در سال آینده، این رقم بدو برابر ترقی خواهد کرد. □

ناوگان شوروی در خلیج فارس

بقرار يك گزارش رسمی روز شنبه ۲۱ اردیبهشت ناوگان شوروی برای اولین بار وارد خلیج فارس خواهد شد و در بندر بصره لنگر خواهد انداخت. وزیر دفاع شوروی مارشال گرچکو نیز در بازدید اخیر خود از عراق، از بندر بصره در شط العرب دیدن کرد. بطوریکه روزنامه تایمز چاپ لندن می‌نویسد: «ورو داین ناوگان بخلیج عسرت اندازه هم که خطرناک باشد باید بیدار آن خو گرفت. زیرا، پس از کمکهای نظامی مداوم شورویها به اعراب حضور ناوگان آنها در مدیترانه و بحر احمر و خلیج فارس غیر طبیعی بنظر نمی‌رسد...»

صف بندی شیخ نشینها

از مسقط خبر میرسد که شیخ نشینهای فدراسیون بلور کلی بدو بلوک مخالف تقسیم شده‌اند. يك بلوک عبارتند از ابوظبی و شارجه و فوجیره و عجمان و ام القوین و بلوک دیگر عبارتست از دوبی و رأس الخیمه و قطر. با اینکه سلطان مسقط و عمان در فدراسیون شرکت ندارند ولی از بلوک اول در برابر بلوک دوم پشتیبانی می‌کند.

يك کنسرسیوم جدید برای نفت ایران

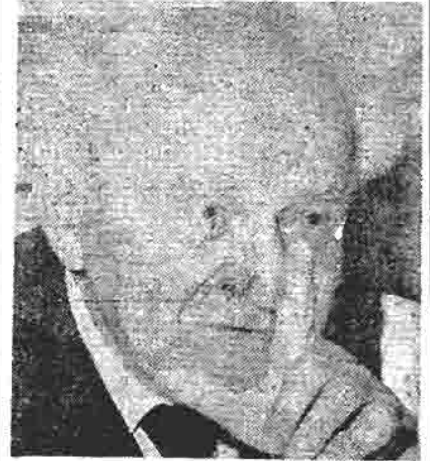
بطوریکه روزنامه فاینانشیال تایمز می‌نویسد شرکت دولتی نفت فرانسه دست به تشکیل يك کنسرسیوم جدید با عضویت برخی از شرکت‌های نفتی مستقل زده است. اعضای این کنسرسیوم که شرکت دولتی فرانسه رهبری آن را بعهده دارد عبارتند از شرکت نفت ایتالیا و شرکت بلژیکی بلژین پتر و فینا و شرکت اطریشی آسترین و شرکت هاسپن اوپل اسپانیا که با شرکت نفت دولتی فرانسه يك اتحاد پنجگانه بوجود آورده‌اند. هدف از تشکیل این کنسرسیوم اخذ يك امتیاز تازه نفتی از دولت ایران است و منطقه مورد نظر، در اطراف کوه‌های زاگرس و در منطقه‌ای قرار دارد که قبل از آن در دست کنسرسیوم نفت جنوب بود، و بتازگی پس گرفته شده است. سهام پنج شرکت این کنسرسیوم جدید در این سرمایه‌گذاری مشترك هنوز تعیین نگردیده است.

اوتانت رویاروی اسرائیل

در اسرائیل اوتانت دبیر کل سازمان ملل را يك داور بیطرف برای حل اختلافات خود با اعراب نمی‌شناسند بلکه برعکس معتقدند که او کالت حقوق اعراب را بعهده گرفته است. بنا با ظاهر جراید اسرائیلی، جنگ سال پیش را، اوتانت با خروج نیروهای سازمان ملل از خاک مصر دامن زد و از آن پس، در عرجریانی در سمت اعراب، در برابر اسرائیل قرار داشته است... همین روزنامه‌ها می‌نویسند قطعنامه اخیر شورای امنیت علیه رژه نظامی اسرائیل در اورشلیم را اوتانت قبل از تصویب اعضای شورا، قرائت کرد و با این کار خود، شورای امنیت رادد برابر يك کار انجام شده قرار داد.

اسرائیل و اعراب

جنگ سیاسی یا جنگ نظامی!



بن‌گورون: یازدهم یهودیان را برگردم جمع کرد



موشه‌دایان: ما بدنبال مرزهای مطمئن هستیم

مدت شش ساعت تمام چندین هزار سرباز یسرو دختر اسرائیلی، از رسته‌های مختلف، در پیشاپیش انواع سلاح‌های جنگی و از جمله بیش از شصت نوع اسلحه مدرن ساخت شوروی که تقریباً یکسال قبل در جنگ‌های شش‌روزه از مصر و سوریه به غنیمت گرفته شده بود از برابر پیش از ۶۰۰ هزار تماشاچی حیرت‌زده و هیجان‌آلود که از سراسر خاک اسرائیل، حتی گوشه و کنار جهان در اورشلیم اجتماع کرده بودند رژه رفتند و وطنین فریاد‌های شادمانه این توده عظیم را، رادیو و نیز تلویزیون اسرائیل که این یکی بتازگی تأسیس شده و برای اولین بار در این مراسم فعالیت رسمی خود را آغاز می‌کرد، به قلب دمشق و قاهره و امان می‌برد.

این رژه روز دوم ماه مه برابر دوازدهم اردیبهشت در شهر اورشلیم برگزار شد و واحدهای نمونه ارتش‌های اسرائیل، یکی پس از دیگری، از پای دیواره‌های ویران معبد مقدس و قلعه اورشلیم عبور کردند.

قبل از آن، عده زیادی از کشورهای جهان، سران دول و شورای امنیت سازمان ملل متحد از اسرائیل خواسته بودند که از برگزاری این رژه نظامی که بیستین سالگرد پیروزی شکست آور اسرائیل را بر اعراب جشن می‌گرفت خودداری کند. زیرا از آن بیم داشتند که با این عمل اعراب به اسرائیل حمله ور شوند و آتش جنگ تازه‌ای خاورمیانه را در برگیرد.

در جواب تمام این اعتراضات، لوی اشکول نخست‌وزیر و ابابابان وزیر خارجه اسرائیل یاد آوری کردند که قوم یهود مدت دو هزار سال را بانتظار چنین روزی گذرانده است و آنها هرگز از تصمیم خود منصرف نخواهند شد.

ژنرال آرون یاریو، یکی از مقامات عالی‌رتبه سرویس‌های امنیتی اسرائیل در مصاحبه‌ای گفته بود وقتی بعنوان یک نظامی به نقشه دولت اسرائیل ۱۹۴۸ نگاه می‌کنند «عرق سردی» در مهره‌های پشت خود احساس می‌کند، زیرا خط‌میزی که در آن موقع پدید آمده بود عملاً غیر قابل دفاع بود، «ولی ما همین مرزهای شکست‌پذیر را با حسن نیت قبول کردیم زیرا میخواستیم با همسایگان خود در صلح و صفا زندگی کنیم و به ساختمان کشور بپردازیم»

ولی این آرزو هرگز عملی نشد و طولی نکشید که به مرزهای اعراب و اسرائیل نام «مرزهای باروتی» داده شد، زیرا در مدت بیست سال گذشته، علاوه بر سه جنگ بزرگ، هفته‌ای نبوده است که آرامش این مرزها

بنحوی به هم نخورده باشد. و حالاً، اگر بنا به گفته لوی اشکول، اسرائیل بعد از جنگ‌های زوئن مرزهای قابل دفاعی بدست آورده است، در عوض، رژه نیروهای اسرائیلی در اورشلیم ماهیت بحران اعراب و یهود را کاملاً دگرگون کرده است.

در حقیقت، اگر تا قبل از این رژه بحران بر سر موافقت با مذاکرات مستقیم میان اعراب و اسرائیل و استقرار صلح و شناسایی رسمی اسرائیل از طرف اعراب و بازگرداندن سرزمین‌های اشغالی از طرف اسرائیل با اعراب بود، اینک چنین نظر می‌آید که اسرائیل دست کم قصد را دارد که نیمه‌عربی اورشلیم را ندارد و با تمام قدرت از آن بعنوان پایتخت مسلم خود دفاع خواهد کرد.

از این مانور تازه، فریاد ناصر بار دیگر بلند می‌شود و اعلام می‌کند که جنگ اعراب و اسرائیل اجتناب ناپذیر است ولی درست مقارن با این اوضاع و احوال پادشاه اردن و کمی بعد وزیر خارجه اسرائیل هر دو با هم عازم لندن می‌شوند و «بر حسب تصادف» هر دو در شهر پرهتل لندن، در هتل «دورچستر» منزل می‌کنند!

جنگ یا صلح کدامیک در انتظار منطقه بحران زده خاورمیانه است؟

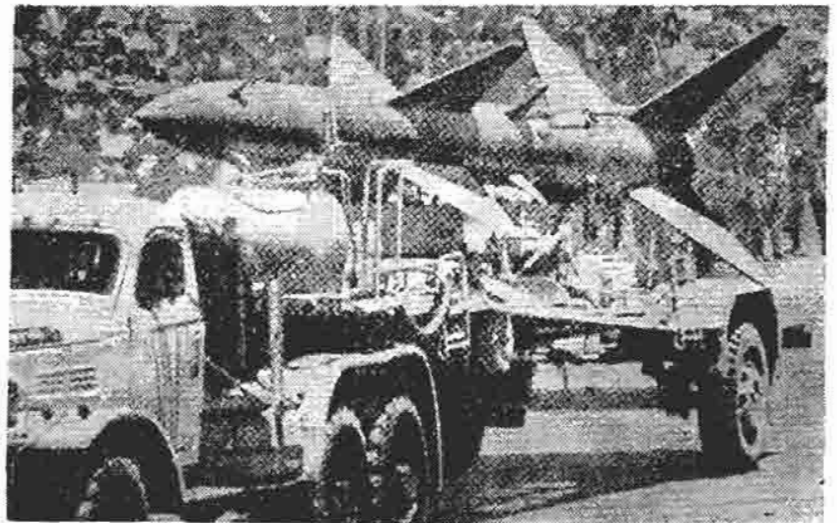
در واقع با وجود فعالیت مداوم و لاینقطع خرابکاران عرب در سرزمین‌های اشغالی، با وجود اظهارات تند و شدید رهبران کشورهای عربی علیه اسرائیل، با وجود رفت و آمدهای پیاپی سران نظامی و سیاسی اعراب پایتخت‌های یکدیگر چنین بنظر می‌رسد که حتی مصر نیز آنقدر که حالا بدنبال جنگ سیاسی است در فکر جنگ نظامی نیست.

با این‌همه در قاهره می‌گویند حوادث کوچک و بزرگ همیشه ممکن است اثرات غیر قابل کنترل داشته باشند. امروزه در اسرائیل افسرانی هستند که اعتقاد دارند که مرحله آینده عملیات باید امان پایتخت اردن باشد آنها می‌گویند امان اینک تنها دوا در پیش دارد یا باید تحت کنترل جنگجویان غیر نظامی «الفتح» باشد یا زیر کنترل ماوراه سومی وجود ندارد. آنها می‌گویند ملک حسین نومیدانه درصدی یافتن یک راه حل مسالمت آمیز با ما است، اما او نمی‌تواند بطور قاطع علیه جنگجویان غیر نظامی عرب یا کماندوها مبارزه کند زیرا اینکار موفقیت رژیم او را در معرض خطر قرار می‌دهد... بنابراین اگر ما بایک اقدام سریع و فوری امان را اشغال کنیم بعد از امان چیزی جز دشت و بیابان وجود ندارد و دیگر پایگاهی برای حمله ما در خاک اردن وجود نخواهد

داشت و آنوقت با احتمال قریب بیقین، بجای رژیم فعلی اردن، يك دولت فلسطینی در این سرزمین تشکیل خواهد شد و ما بر احوال می توانیم با این دولت يك قرارداد واقعی صلح و همکاری منعقد کنیم. بهر حال چه جنگ دیگری قریب الوقوع باشد و چه يك صلح پایدار آنچه مسلم است اسرائیل باید از این پس بر روی افزایش سریع جمعیت کشور خود حساب کند، بیست سال قبل این کشور ۷۹۰۰۰۰ نفر جمعیت داشت ولی امروز این عده به ۲۳۷۱۰۰۰ نفر رسیده است. داوید بن گوریون نخست وزیر پیشین اسرائیل اخیراً اظهار داشته است که مسئله عمده برای ما جلب یهودیان اروپای غربی، امریکا، آفریقای جنوبی است، هشت میلیون یهودی در جهان آزاد زندگی میکنند در باره سه میلیون یهودی مقیم شوروی خدا میدانند که آنها چه وقت موفق به خارج شدن از این کشور خواهند شد اما قبل از پایان قرن ما باید ۵ میلیون یهودی را در کشور خود بپذیریم.

از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۸ جمماً ۴۵۲۰۰۰ نفر به این منطقه مهاجرت کردند که اکثر آنها ساکنان آفریقا و آسیا بوده اند اما از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۲ موج مهاجرت به اسرائیل بطور محسوسى بالا گرفت و بن گوریون کار دعوت از روشنفکران اسرائیلی را بجائی رساند که در نطقی خطاب به دانشجویان یهودی امریکا گفت که امیدوار است سالیانه ۵۰۰ الی ۶۰۰ دانشجو به اسرائیل بازگردند. بموجب آماری که روبرتو باچی مدیر انستیتوی آمار اورشلیم میدهد در سال ۱۹۸۵ تعداد اسرائیلی ها به ۳۹۰۰۰۰ نفر خواهد رسید که ۲۵۰۰۰۰ نفر آنها یهودی خواهند بود. اسرائیلی ها روی «ساراه» یعنی یهودیانی که در اسرائیل متولد شده باشند خیلی حساب میکنند و امیدوارند که بوسیله آنها يك اجتماع هماهنگ و متجانس بوجود آورند. تعداد ساراه ها که در سال ۱۹۴۸

تنها ۲۰۰۰۰۰ نفر بود اینك به ۱۰۰۰۰۰۰ نفر رسیده و نسبت آنها از ۳۵ درصد جمعیت است. اسرائیل همچنین به سرمایه گذاری های داخلی و خارجی اهمیت فراوانی میدهد. چندی قبل معاون وزیر دارائی اسرائیل گفت میزان تولیدات اسرائیل نسبت به سال ۱۹۴۸ هفت برابر شده است و میزان صادرات ۲۳ برابر، در سالهای اول استقلال سود اسرائیل از هر دلار سرمایه گذاری معادل ۱۴ تا ۱۵ سنت بود و این مقدار اینك به ۷۰ سنت رسیده است. گذشته از این اسرائیل اکنون طرحی در دست اقدام دارد که اعراب و بخصوص مصر را نگران کرده است. این طرح «سوزن خاکی» یا لوله ۴۲ اینچی است که بندر الاترا باید به بندر اشکلون مربوط کند و خاک اسرائیل را بصورت يك مرکز انتقال نفت در آورد. لوله مذکور قرار است تا يكسال دیگر تمام شود و بوسیله آن نفتی که در بندر الات بلوله داده می شود از طریق خاک اسرائیل به بندرانه میرسد و از آنجا به آمستردام منتقل خواهد شد و باین ترتیب، کشتی های نفت کش گول پیکری که نمی توانند از کانال سوئز بگذرند بجای دور زدن قاره آفریقا نفت خود را در خلیج عقبه تحویل می دهند و دوباره عازم کشورهای صادر کننده آسیا می گردند. به این ترتیب اسرائیل در جهت نظامی و تکنولوژی سدی دارد به اعراب ضربه بزند در حالیکه اعراب در قبال این وضع توسل به جنگ های چریکی و فعالیت جنگجویان فلسطینی را فعلاً بعنوان يك راه حل موقت انتخاب کرده اند بنظر ایشان اینکار فعالیت اسرائیل را کند میکند و تا آماده گی نظامی اعراب را محل مناسبی برای گرم نگاه داشتن تنور ملتیب کینه ها و دشمنی ها خواهد بود و از جانب دیگر اسرائیل را وادار خواهد کرد که در صورت لزوم با شرایط بهتری حاضر به مذاکره با اعراب گردد. ادوارد ساب خیرنگارا کسپر در بیروت گزارش میدهد که در حال حاضر ده اردو گاه برای جنگجویان چریکی در کشورهای عربی وجود دارد که از آن میان چهار اردو گاه در سوریه و دو در اردن و یکی در عراق است. تعداد جنگجویان فلسطینی هر روز زیاد میشود ولی تعداد آنها کافی و کامل نیست، روز ۲۱ مارس پس از حمله اسرائیلی ها بپایگاه کرامه که منجر به عقب نشینی اسرائیلی ها گردید معلوم شد که این جنگجویان نانو سیگار و حتی بتن نیز ندارند. با اینکه این افراد از ستایش مردم برخوردارند ولی مقامات رسمی نسبت با آنها نظر خوشی ندارند چنانکه هفته قبل دولت سوریه سه تن از رهبران این جنگجویان را بازداشت کرد. در واقع اینها فاقد سرزمین مشخصی هستند که در آن خود مختار باشند، و اوضاع و احوال در خاورمیانه هر شکل و صورتی داشته باشد، این جنگجویان یا باید در يك دولت عربی حل شوند و فعالیت خود را وقف مصالح آن کشور نمایند یا اینکه با اسرائیل بسازند. □



در رزه اورشلیم : يك موشك مصری ، غنیمت جنگی !

دلار در خطر است

آرتورا وکون مشاور اقتصادی پرزیدنت جانسون رئیس جمهوری آمریکا میگوید: «اقتصاد آمریکا مانند زنی چاق و فربه است که در استعمال مواد قندی و شیرینی افراط میکند. اگر این زن به پر خوری خود همچنان ادامه دهد بزودی هر گونه جاذبه جنسی خود را از دست خواهد داد.»

اگرچه این سخن بصورت شوخی و مسخره ادا گردیده ولی در وراء آن بیم از يك بحران بزرگ کاملاً آشکار است بحرانی بمراتب وخیم تر از بحران سال ۱۹۲۹ «ویلیام مک جنسی مارتین» رئیس بانک فدرال آمریکا در تائید این مطلب اظهار داشته است که پس از سه سال برای نخستین بار توازن بازرگانی خارجی آمریکا کسری قابل توجهی را نشان میدهد. گردش چرخ اقتصادی بسیار سریع است، آهنگ رشد برای تولیدات کلی کشور در سال از ده درصد بیشتر است آهنگ رشد تولیدات صنعتی پنج درصد در آمد سرانه هشت درصد را نشان میدهد.

سندیکاهای کارگری پس از سال ناسا مساعد ۱۹۶۶ و سال متوسط ۱۹۶۷ میخواهند از حرکت سریع چرخهای اقتصادی حداکثر استفاده را بعمل آورند ۱۶۵۰۰۰ کارگران تلفن از ۱۸ آوریل دست به اعتصاب زده اند، آنها خواستار هشت درصد اضافه دستمزد میباشد. سال گذشته کارگران کارخانه فورد و سایر صنایع اتومبیل چنین امتیازی را بدست آوردند. اوکون مشاور جانسون در این باره میگوید وضع به این منوال نمیتواند تا مدتی دوام داشته باشد. در حال حاضر هزینه زندگی سالیانه با آهنگ ۴٫۵ درصد افزایش مییابد، مکانیسم تورم همه جا بچشم میخورد. اوکون میگوید تنها اقدام فوری که میتوان برای جلوگیری از تورم بکار برد، تصویب لایحه افزایش ده درصد مالیات از جانب کنگره است. این قانون از ماه اوت در پیچ وخم کمیسیونهای کنگره گم شده است اعضای پارلمان هیچ عجله ای در تصویب این قانون نشان نمیدهند. رودلف پترسن رئیس بانک اف آمریکا میگوید:

چطور برای ریاضت کشیدن موعظه می کنید در حالیکه ملت در ضیافت شگفتگی و ترقی غوطه وراست؟ در این گیرودار «مک جنسی مارتین» بیهوده برای بهبود وضع سعی در

بالا بردن نرخ تنزیل میکند در حالیکه این اقدام غیر کافی است و برعکس دلار را تهدید میکند، در لندن و پاریس این تهدید آثار خود را ظاهر کرده و اینک طلا تمام و کمال میداندار شده است.

هنری فاولر وزیر خزانه داری آمریکا در پیامی که بتازگی به اطاق بازرگانی آمریکا فرستاده از ایشان برای افزایش مالیات ها کمک خواسته است. او همچنین به اوضاع مالی وخیمی که اینک در آمریکا وجود دارد اشاره کرده و از نمایندگان سنای آمریکا دعوت نموده است که راه حلی برای تصویب هر چه زودتر لایحه مالیات ها پیدا کنند زیرا اینکار میتواند برای کسر بودجه و کسرواکنه پرداختهای آمریکا یکنوع مسکن باشد. کسر بودجه و کسرواکنه پرداختهای آمریکا در اوضاع و احوال فعلی نه فقط قدرت و ثبات اقتصادی آمریکا بلکه جهان را تهدید میکند در واقع آینده اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان وابسته به اقتصاد آمریکا است و اگر آمریکائیها هر چه زودتر بوضع مالی خود سر و صورت ندهند اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان را نیز، بیک سقوط و خشتناک تهدید خواهند کرد. □

فرانسه و ایران

یک کنسرسیوم اروپائی برای بهره برداری از

منابع نفتی ایران

این مقاله از روزنامه «کورییر دلا سرا» چاپ ایتالیا ترجمه شده است:

شرکت دولتی فرانسه اربا امر و اعلام داشت که با همکاری چهار کمپانی نفتی اروپائی یعنی شرکت نفت ایتالیا - بلژیک - اسپانیا و اطریش جهت تشکیل یک کنسرسیوم و در نتیجه بهره برداری از نفت ۱۸ هزار کیلومتر مربع در ایران در تماس است. این کنسرسیوم که احتمالاً بدون مواجه شدن با مشکلاتی تشکیل خواهد شد قبل از شروع فعالیت نیز برای انقصاد یک پیمان نفتی با ایران اطمینان کامل یافته است و قرار است ۶۰ درصد در آمد حاصله بدولت ایران تعلق گیرد. شرکت اربا که بدنال مذاکراتی با مقامات ایرانی فعالیت خود را دنبال مینماید قسمت مهمی از سرمایه کنسرسیوم را که در حدود ۱۲ درصد باشد تقبل خواهد نمود.

اعلام خبر فوق مصادف با ورود نخست وزیر فرانسه زرز پمپیدو همراه با وزیر امور خارجه آنکشور به پایتخت ایران گردید. این تصادف البته بدون علت نیست کاملاً واضح است که پمپیدو با رهبران ایران مذاکراتی در امور اقتصادی خواهد داشت. ایران برنامه چهار ساله ای جهت آبادانی کشور تنظیم نموده که هزینه آن برابر با ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است و یک ششم این هزینه بوسیله سرمایه گذاری خارجی تامین میشود و دولت ایران تامین هزینه پنج ششم باقیمانده را از در آمد نفت پیش بینی نموده است

وضعیت امیدوار کننده ای که فرانسه در مقابل نفت ایران دارد حداقل بدان جهت میباشد که مذاکرات فرانسه در بغداد تا کنون نتایج ثمر بخشی نداشته و رابطه فرانسه نیز با الجزایر بخاطر امور اقتصادی بسیار تیره گردیده است. شرکت های نفتی فرانسه که در صحرا مشغول استخراج نفت هستند دولت الجزایر را متهم بعدم اجرای کامل قرار داد مینمایند و در مقابل الجزایر نیز مدعی است که فرانسویها چنان رفتاری در پیش گرفته اند که گوئی در الجزایر هیچ تحولی روی نداده است. پاریس به بومدین سوءظن دارد و تصور میرود که وی تصمیم بملی نمودن تمام صنایع نفتی کشور را داشته باشد. این دو کشور تقریباً در یک حالت جنگ اقتصادی بسر میبرند. فرانسه دیگر شراب الجزایری وارد نمیکند و مایل نیست که تعداد مهاجرین الجزایری بفرانسه در سال بیش از ۱۲ هزار نفر گردد. در حالیکه بومدین درخواست فرستادن حداقل ۵۰ هزار الجزایری را در سال بفرانسه دارد. بخاطر این خصومت دولت الجزایر دستور داده است که مردم جز در صورت احتیاج مطلق از خریدن کالای فرانسوی خودداری نمایند. مذاکرات آینده فرانسه و الجزایر محتلاً بدین منوال خواهد بود: فرانسه مبادرت به خریدن شراب و کارهای دستی از الجزایر خواهد نمود و در مقابل دولت بومدین باید بطور جدی در بکار انداختن صنایع نفتی و اجرای کامل قراردادهای منعقد شده بومدین از ملکی کردن صنایع نفتی خودداری نماید. ولی رئیس جمهور الجزایر بعنوان یک طرفدار جدی استقلال نفتی در دنیای عرب شناخته شده است. فرانسه بومدین را متهم میسازد که با مسافرت خود به بغداد دولت عراق را از دادن امتیازات زیاد بفرانسه باز داشته است و بعلمت همین دخالت الجزایر فرانسه پس از بستن یک قرارداد جالب برای عقد قرارداد بزرگتری با مشکلات غیر قابل حل مواجه گردیده است. □



دین راسک : مهر خاموشی براب زده...

۳۱ مارس جانسن تسلیم سفیر آمریکا شد. از سوم آوریل تا کنون تماس میان واشنگتن و هانوی به همین ترتیب دروین تیان جریان دارد. یک کارمند وزارت خارجه آمریکا گفت: «مذاکرات پیرامون مسائل عادی است. نمایندگان ما از جای ویتنامی ها که خیلی از جای های ما بهتر است تعریف میکنند و در مقابل آنها از سیگارهای آمریکائی که مطبوع تر از سیگارهای آنهاست ستایش می نمایند» ولی روزنامه نگاران معتقدند که مسائل مورد بحث محدود به اینها نیست.

گریستن سیانر مونیتور نشریه بر تیراز آمریکائی مینویسد که برزیدنت جانسن رئیس جمهوری آمریکا در نامه ای که روز دوم فوریه برای هوشی مین ارسال داشته مسکو را برای محل ملاقات پیشنهاد کرده است.

در مقابل مار کتر جیلدر در سنت لوتی پست از مقاصد جانسن برای اخذ تضمین های تازه بحث میکند و این اقدام را بمنزله نوعی مسموم کردن محیط تلقی مینماید، آیا این اقدام جانسن گولزدن مردم یا فریب خودش میباشد؟

بهر حال اگر از جنگ پایتخت ها قدم فراتر نهم متوجه خواهیم شد که اوضاع بنحو قابل توجهی بهبود یافته است، اخیراً یکی از مطلعین کاخ سفید واشنگتن مفهوم واقعی نطق ۳۱ مارس برزیدنت جانسن را برای یک خبرنگار فرانسوی فاش ساخت؛ این نطق بمعنی پایان تعهدات آمریکا در ویتنام است «آنچه اینک در ویتنام میگذرد چیزی جز مانورهای سیاسی نیست، این مانورها اجباراً باید صورت گیرد تا در مقابل اتهامات

شمالی در وین تیان از سفیر آمریکا خواهر کرد برای دریافت پیامی که از طرف هانوی رسیده است به دفتر کار او بیاید. سولیوان فوراً سام تامسون را بزن سیاسی خود را احضار کرد و اندکی بعد دو مرد در راه سفارت ویتنام شمالی بودند؛ راهی که نخستین نام در راه حل مسالمت آمیز مسئله ویتنام بشمار میرفت.



جانسون و دین راسک : حرفهای درموشی!

کاردار سفارت همراه با مشاوران خود انتظار سفیر آمریکا را میکشید، اگر چه داس جنگ همچنان درو میگرد ولی محیط برای استقرار صلح آماده میگردید. پذیرائی صمیمانه ای بعمل آمد، سیگارهای عالی مارک «دین بین فو» و چای عالی و بالاخره اندکی بعد اسناد مربوط به پاسخ هانوی به پیام تلویزیونی

ویتنام

اسرار وین تیان

یکماه فکر و مذاکره برای تعیین یک نهر برای گفتگوهای مقدماتی بسیار طولانی بنظر میرسد ولی هر قدر که ناسه صرافکار عمومی مردم جهان بیشتر لبریز میگردید گفته های یک دیپلمات برجسته آمریکائی مفهوم و معنی خاص خود را بیشتر نشان میداد که: «خواهید دید، آنها در باره خیلی از مسائل از جمله اینکه چیزی در باره آنچه میگذرد نگویند به توافق رسیده اند.»

هرگز فعالیت های سیاسی آمریکا اینقدر آمیخته با توداری و سری نبوده است. این دیپلمات آمریکائی معتقد است که مذاکرات مقدماتی اینک جریان دارد و تنها سه نفر در جریان آن هستند: دین راسک و وزیر خارجه که سناتور یوجین مک کارتی خواهان استعفای اوست و کلارک کلیفورد وزیر دفاع ولیندن جانسن رئیس جمهوری آمریکا.

روز سوم آوریل ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در وین تیان پایتخت کشور بیطرف لائوس هنگامیکه سرگرم مطالعه روزنامه های صبح بود صدای زنك تلفن مطالعه اش را قطع کرد.

این تلفن مسیر تازه ای به سیاست آمریکا بخشید، از آن طرف سیم صدائی که آمریکا و سرتاسر جهان در انتظار آن بودند بگوش رسید، نگوین جان کاردار سفارت ویتنام

کسانیکه آماده‌اند دموکرات‌ها را متهم سازند که بخاطر هیچ، کشوری را به کمونیست فروخته‌اند پاسخ داده‌شود.

درواشکنن بهر جا که بروید همه مقامات میگویند که تنها انتخاب محل ملاقات سبب گردیده بود که مذاکرات به تعویق افتد و نمایندگان طرفین نتوانند با یکدیگر ملاقات کنند و در نتیجه دستور مذاکرات را تعیین نمایند. بعبارت دیگر امریکاییها خواستار ملاقاتی که سبب ادامه جنگ بطریق دیگر و بشکل دیگر باشد نیستند. سیزده سال مذاکره با کره شمالی‌ها در بیان موعود جوم نتوانسته است جراحاتی را که به آمریکا در جنگ کره وارد شده التیام بخشد و این ملاقات‌ها همچنان به طور مرتب سیزده سال است که جریان دارد. امریکاییها هنوز زخم روحی ناشی از مذاکرات

رفته‌اند و لسی خطر موجود در اینست که مذاکرات از روزهای مرخصی آنها بیشتر طول بکشد. در واقع شهرورشو که از روز اول از طرف آمریکاییها رد شد برای واشنگتن و هانوی هر دو مناسب‌تر از هر جای دیگر بود در اینجا آمریکاییها بیمی از تظاهرات نداشتند و از طرف دیگر چینی‌ها نیز نمیتوانستند ویتنام شمالی را بمناسبت آغاز مذاکرات سرزنش کنند زیرا خود آنها در این شهر سالهاست با نماینده آمریکا در تماس هستند.

ویتنامی‌ها قبل از اینکه مذاکراتی را آغاز کنند ممکن است ابراز تمایل نمایند که بمباران ویتنام شمالی قطع شود و آمریکا اعلامیه‌ای از انتشار بدهد و آمادگی خود را برای خروج از ویتنام پس از مدتی مشخص اعلام کند، یکی از نمایندگان ویتنام شمالی اخیراً این مسئله را

رهبرانی که در سایه گون نشسته و آماده تحویل گرفتن آن هستند بسپاریم. این بدان معنی است، که مأموریت ما پایان رسیده و اینک تبهوکتی باید مأموریت‌ها و وظایف خود را بعهده گیرند.

جانسن باها نومی خیلی چانه میزند ولی با افکار عمومی مردم آمریکا نمیتواند چانه بزند. شکفتگی هواداری از صلح امسال در آمریکا بطور عجیبی گسترش یافته است، سازمانهای صلح برای ویتنام بحرکت درآمده و از هر گوشه سر بر میاورند، تعداد این سازمانها به ۱۰۰۰۰۰ عدد میرسد، روز شنبه گذشته در سرتاسر آمریکا ده‌ها هزار نفر در تظاهرات ضد جنگ شرکت کردند، بیوه لوتر کینگ در یکی از این مراسم «ده فرمان» مشهور مارتین لوتر- کینگ را خواند:



بیوه مارتین لوتر کینگ : در میتینگ پرشکوه مردمی که از جنگ و خشونت و تبعیض نژادی متنفرند.

- ۱- به نیروی نظامی ایمان نداشته باش.
 - ۲- به پیروزی سیاسی ایمان نداشته باش.
 - ۳- گمان مبر که ویتنامیها دوست دارند.
 - ۴- گمان مبر که رژیم سایه گون از پشتیبانی مردم برخوردار است.
 - ۵- گمان مبر که ویتنامی‌ها ویت کنگ را تروریست میشناسند.
 - ۶- صحت آمارهای آمریکا درباره تلفات خود و ویت کنگ را باور نکن.
 - ۷- باور نکن که ژنرالها بهتر از هر کس دیگر میفهمند.
 - ۸- ادعای « پیروزی دشمن یعنی غلبه کمونیسم » را باور نکن.
 - ۹- گمان مبر که افکار عمومی پشتیبان آمریکاست.
 - ۱۰- تو آدم نخواهی گشت.
- خواندن این فرمان موجی از ابراز احساسات را برانگیخت، تظاهر کنندگان ضد جنگ به کوچه و خیابانها ریختند، پرچمهای آمریکا را پاره کردند و سوزاندند همه جا آهنگ صلح‌طلبین انداخت، پلیس به مقابله تظاهر

فاش کرد.
یک کارشناس مسائل آسیای جنوب شرقی در وزارت خارجه آمریکا به خبرنگار فرانسوی «اکسپرس» گفته است که «معامله درباره ویتنام مشکل است زیرا در اینجا مانند کره «خط فاصلی» که بتواند مبنای مذاکره قرار گیرد وجود ندارد. وضع نظامی را نمیتوان با اصطلاحات سیاسی توجیه کرد. اگر ما بخواهیم وضع نظامی را با اصطلاحات سیاسی توجیه کنیم باید میدان را برای ویت کنگ خالی گذاشته و خود در شهر هاسنگر بگیریم. تصور می‌رود که ما باید بزودی سعی کنیم طرقی که سرانجام به تشکیل دولت ائتلافی در جنوب منجر خواهد شد را بررسی کنیم.
مسئله از این بابت دارد دسته تبهوکتی در سایه گون بر علیه ما سنگر خواهند گرفت. خیلی‌ها این مانع را غیر قابل عبور تصور میکنند و بدین‌ها در واشنگتن معتقدند: تنها امیدی که میتوانیم داشته باشیم اینست که واشنگتن و هانوی متفقاً دست از جنگ بردارند. اظهاراتی که اخیراً کلارک کلیفورد وزیر دفاع آمریکا بعمل آورد قابل بررسی و دقت است؛ ما میخواهیم قسمتی از بار جنگ را به

سال ۱۹۵۲ را فراموش نکرده‌اند، در آنسال آنها ناچار شدند زیر پرچم سفید صلح قدم بگذارند و شمالی بگذارند و رئیس هیئت نمایندگی آمریکا می‌دید که صدلی کو تا هنر از صدلی نماینده کره شمالی به او نشان داده میشد. کره شمالی برای مقاصد تبلیغاتی عکس این صحنه را انتشار داد تا همه ببینند که: «فاتح شرایط خود را به مغلوب دیکته میکنند» کارشناسان وزارت امور خارجه آمریکا در اقدامات خود برای تماس با مقامات ویتنام شمالی نظیر خلبانانی هستند که هنوز دوران آزمایشی را طی نکرده‌اند و بانگاههای هراسان پیوسته متوجه زمینند تا بتوانند هوایمای خود را در جای مناسبی فرود آورند. از ابتدای آوریل باره پاریس اشکالی برای واشنگتن و هانوی وجود نداشت ولی امریکاییها جانب احتیاط را رعایت میکردند. حزب کمونیست فرانسه با اندازه کافی نیرومند است و میتواند هر لحظه که هانوی و مسکو اراده کنند مذاکرات را با تظاهرات به کوچ و خیابان بکشاند. یک دیپلمات آمریکایی میگوید پاریس در ماه اوت برای مذاکرات مناسب است زیرا کمونیست‌ها معمولاً در مرخصی بوده و برای استفاده از تعطیلات به خارج از پاریس

کنندگان شتافت زردخوردی روی داد جمعیت متفرق شد، ولی آتش خاموش نشده است.

جانسن برای اینکه خود را موافق این موج نشان دهد ناچار شده است مردانی را که خود دیروز محکوم میکرد بخدمت فراخواند. او جرج بال معاون پیشین وزارت خارجه و مخالف حمله نظامی در ویتنام را مجدداً بخدمت دعوت کرده و بنمایندگی دائمی آمریکا در سازمان ملل منصوب ساخته است.

سرانجام پس از هفته‌ها جرج و بحث، رادیو هانوی بمداز ظهر روز پنجشنبه طی اعلامیه‌ای خبری را که مردم جهان انتظار آنرا داشتند منتشر کرد.



جرج بال : مردی از کیوتو

«ویتنام شمالی آماده است که در شهر پاریس با نمایندگان آمریکا مذاکرات مقدماتی را بعمل آورد ویتنام شمالی برای این تماسها تاریخ دهم ماه مه (۲۰ اردیبهشت) و یا بعد از آنرا تعیین میکند و خوان توی را بعنوان نماینده خود در این مذاکرات اعلام می نماید.»

پس از این خبر بورس طلای لندن تنزل کرد سهام در بورسهای نیویورک ترقی نمود، بهای اوراق فلزاتی که برای مصارف جنگی ویتنام مورد لزوم است کاهش یافت موجی از مسرت و رضایت خاطر سرتاسر مردم جهان را فرا گرفت. مردم می‌پرسیدند عکس العمل آمریکا چه خواهد بود؟

احساس عمومی این بود که بهر حال پایان کار نزدیک است و اعلامیه رادیو هانوی و ملاقات روز جمعه سفیر آمریکا در لائوس و کاردار سفارت ویتنام شمالی را بیکدیگر

مربوط میدانستند. اگرچه این ملاقات تنها هفت دقیقه طول کشید ولی چون شخص سفیر همراه بارایزن سفارت در آن شرکت میکرد نشان میداد که مسئله مهمی در میان است و مذاکرات به مراحل حساسی رسیده است.

هنوز یکساعت از برنامه رادیو هانوی نگذشته بود که پرزیدنت جانسن یک کنفرانس مطبوعاتی ترتیب داد و ضمن آن گفت پس از مشاوره بادین راسک وزیر خارجه و کلارک کلیفورد وزیر دفاع تصمیم گرفته پیشنهاد هانوی را برای تعیین شهر پاریس بپذیرد، به این ترتیب یخهای جنگ سرد برای یافتن یک شهر واجد شرایط آب شد و پاریس بعنوان محل مذاکرات تعیین گردید.

از روز ۳۱ مارس یعنی روزیکه پرزیدنت جانسن نطق معروف خود را ایراد کرد و در آن ویتنام شمالی را بمداز تیره دعوت نمود تحولات و تبدلاتی روی داده که بدنیست فهرست وار آنها را مرور کنیم:

۷ آوریل: جانسن شهر ژنو را برای محل مذاکرات پیشنهاد کرد.

۸ آوریل: هانوی شهر پنوم پن پایتخت کامبوج را پیشنهاد کرد.



کلارک کلیفورد: حابگر و واقع بین

۸ آوریل: جانسن فاش کرد که تماس میان طرفین برای تعیین محل در پایتخت لائوس صورت میگردد.

۱۰ آوریل: واشنگتن با پیشنهاد هانوی برای شهر پنوم پن مخالفت کرد.

۱۱ آوریل: هانوی شهر ورسور را پیشنهاد کرد.

۱۲ آوریل: واشنگتن، ورسور را رد کرد.

۱۸ آوریل: وزیر خارجه فرانسه گفت اگر طرفین موافقت کنند پاریس میتواند محل مذاکرات باشد.

۱۹ آوریل: دین راسک ده نقطه دیگر را به پنج نقطه قبلی اضافه کرد که مذاکرات در آنجا صورت گیرد.

۲۱ آوریل: هانوی همه این شهرها را رد کرد و روی پنوم پن و ورسور را رد کرد.

۲۱ آوریل: مسکو روی شهر ورسور اصرار دارد.

۲۳ آوریل: اوتانت، پاریس، ورسور، پنوم پن، ژنو مناسبتر از هر نقطه دیگری است.

۲۵ آوریل: اندونزی پیشنهاد کرد که مذاکرات روی یک ناواندونزی در خلیج تونکن صورت گیرد.

۲۶ آوریل: آمریکا پیشنهاد اندونزی را پذیرفت و هانوی آنرا رد کرد.

۲۷ آوریل: هانوی پاریس را پیشنهاد کرد و آمریکا آنرا پذیرفت.

علت امتناع آمریکا از قبول شهر ورسور این بود که کشورهای متحد آمریکا در آنجا نمایندگی ندارند ولی پاریس شهری است که تقریباً کلیه کشورهای ذینفع بنحوی از انحاء نماینده دارند، علاوه بر سفارت آمریکا، ویتنام شمالی یک نماینده کل دارد، ویتنام جنوبی، کره جنوبی و اخیراً کره شمالی که یک هیئت بازرگانی با نکتور فرستاده است در پاریس نمایندگانی دارند. تایلند، فیلیپین، ژلند نو و استرالیا که در جنگ ویتنام متحدین آمریکا هستند نیز در این شهر، دارای نمایندگی

سیاسی می باشند و بالاخره سفارت چین کمونیست نیز از مراکز فعال شهر پاریس بشمار می رود.

از این نظر برای ویتنام شمالی که میخواهد میان یکن و مسکو نوعی تعادل را رعایت کند حضور نمایندگان سیاسی چین کمونیست به تأیید این نظر کمک می کند.

همچنین اگر جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی بخواهد در مذاکرات شرکت کندهیج مانعی وجود ندارد زیرا تا کنون چندین بار نمایندگان این جبهه به پاریس آمده و در کنفرانسهای متعددی شرکت کرده اند. بهر حال

انتخاب پاریس در همه جای جهان این امید واری را بوجود آورده است که پایان جنگ خونین نزدیک است با این همه جانسن در کنفرانس مطبوعاتی خود گفت اگرچه گام اول برداشته شده ولی هنوز مشکلات فراوانی در پیش است. □

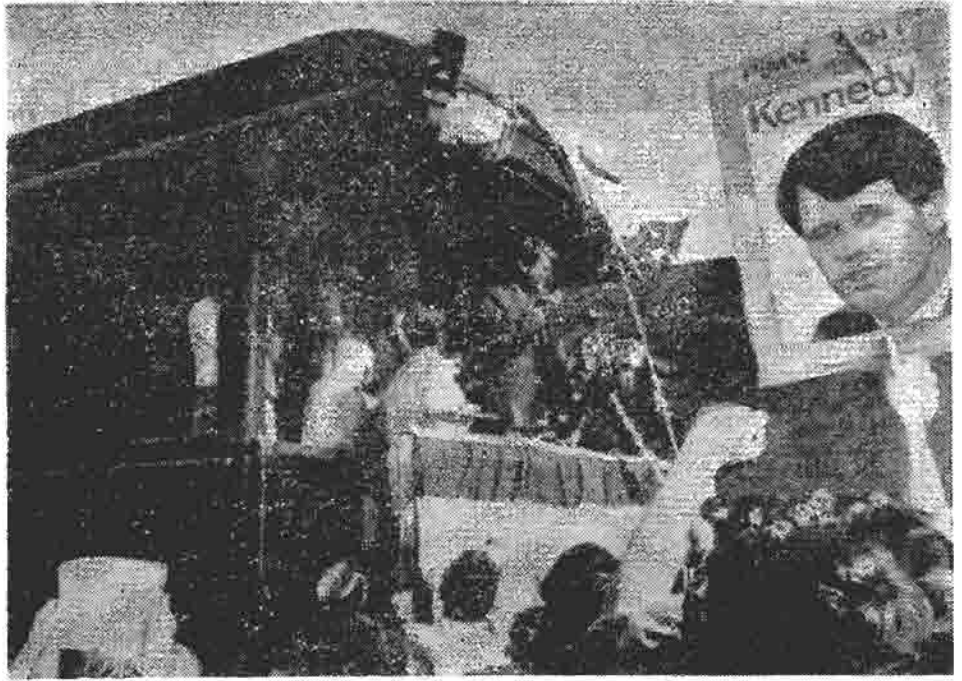
ایالات متحده آمریکا

همفرضی در راه کاخ سفید

بتدریج که تاریخ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک میشود تمنا دکاندید های مقام ریاست جمهوری نیز بیشتر میگردد پس از یوجین مک کارتی و سنا تور ابرت کندی اینک هوبرت هوراسیو همفرضی معاون رئیس جمهوری آمریکا نیز خود را کاندیدای مقام ریاست جمهوری از حزب دمکرات می کند برنارد اولمن خبرنگار خبرگزاری فرانسه



نیکون: در آرزوی پیروزی پس از یک شکست



کندی: باید جوانان و سیاهان و لیبرال‌های مخالف جنگ

است در مقابل انتخاب کنندگان اسیر یک سیاست خارجی باشد که شخصاً در تدوین آن نقش درجه دومی را داشت.

ولی در مقابل این مشکلات همفزی از امتیازاتی برخوردار است:

۱- او تا ماه نوامبر از تحولاتی که در جنگ ویتنام پدید می‌آید و از نتایجی که احتمالاً از مذاکرات بدست می‌آید بنبغ خود استفاده خواهد کرد و قبل از رقیبان دموکرات و جمهوریخواه خود از تحول اوضاع مطلع خواهد گردید.

۲- همفزی روی دستگاه رهبری حزب دموکرات بعد از جانسون بیشتر از همه رقیبان نفوذ دارد برخلاف رابرت کندی او دشمنان خوبی کمتر و دوستان سرسپرده بیشتری دارد.

در حالیکه رابرت کندی تنها توانسته است از میان اعضای دولت جانسون، لورنس او بر این وزیر پست را به پشتیبانی خود جلب کند و وزیر از هم اکنون اعلام پشتیبانی از همفزی را کرده‌اند، عده زیادی اعضای پارلمان، فرماندار، و شهرداران شهرهای بزرگ و رهبران محلی حزب موافق همفزی هستند.

۳- همفزی که در سال ۱۹۶۰ در برابر جان اف کندی بعلت نداشتن ثروت در داخل حزب شکست خورد این بار از پشتیبانی مالی محافظی که مخالف رابرت کندی هستند بر-خوردار است، عده زیادی از صاحبان صنایع که بنبغ حزب دموکرات رای میدهند ولی مخالف رابرت کندی هستند حاضر شده‌اند چهار میلیون دلار برای پیروزی همفزی خرج کنند.



همفزی: با چهار میلیون دلار پشتوانه



مک کارلی: در انتظار مردم کوچه و خیابان

در گزارشی که از واشنگتن درباره کاندیدا-توری همفزی فرستاده می‌نویسد، «مصلح بزرگ» تصویری است که همفزی می‌خواهد در مقابل انتخاب کنندگان از خود ترسیم نماید. او که در آستانه برگزاری پنجاه و هفتمین سالروز تولد خود کاندیدا توری خود را اعلام کرد بیشتر از دو کاندید دیگر مظهر سنن سیاستمداران امریکائی است، او بر خلاف رابرت کندی و یوجین مک کارتی پله‌های ترقی را یک یک پیموده است. داروساز خرده پای میدل وست میانی پیشرفت را از ایالت مینسوتا شروع کرده است او در سال ۱۹۴۵ به مقام شهرداری شهر رسید. و در این شهر با تشکیل ائتلافی از دهقانان و سندیکاهای موفق گردید به سلطه چندین ساله جمهوریخواهان پایان دهد، در مدت ۱۹ سال ستاوری بمنزله یکی از هواداران سرسخت حقوق مدنی شناخته شد.

همفزی با گذشته‌ای که همراه با فعالیت های دست جیبی همراه بوده در انتخابات سال ۱۹۶۴ هم‌رزم ایده‌آلی برای لیندن جانسون بشمار میرفت.

یکی از صحنه‌های عجیب سیاسی امریکا مقابله کندی و مک کارتی و همفزی می‌باشد. در حالیکه رابرت کندی و یوجین مک کارتی سعی دارند آراء سیاهان، جوانان و لیبرال‌های مخالف جنگ ویتنام را جلب کنند همفزی باید از سیاستی که دستگاه کنونی جانسن دنبال میکند و شخص همفزی بعنوان معاون رئیس‌جمهوری آنرا تأیید کرده است دفاع کند، او در مورد ویتنام از نظر وظیفه باید عقاب‌تر از لیندن جانسن باشد. او ناچار

بامشاد از ۱۷ تا ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۷

← ۴- مبارزه تاریخی که رابرت کندی بعنوان وزیردادگستری کابینه‌جان - آف - کندی با فساد سندیکاها نمود و حتی یکی از آنها بنام جیمز هوف را رئیس سندیکای کامیونداران را بزندان محکوم کرد سبب بدبینی محافظ سندیکائی نسبت باوشده است درحالیکه همفتری نظر مساعد این رهبران را جلب کرده است .



راکملر : با نکای میلو نهاسر ما به

همفتری باید در این چهار ماهی که به انتخابات مانده سعی کند در مقابل افکار عمومی مردم آمریکا خود را فردی خودمختار و صاحب شخصیت بشناساند نه اینکه مردم او را بچشم کسیکه باشاره جانسون حرکت می کند نگاه کنند .

نکته ای که از هم اکنون در باره همفتری میتوان گفت اینست که او پشتیبانی رهبران حزب، دولت، سندیکاها و صاحبان صنایع را جلب کرده ولی در میان مردم ساده و عادی و کسانی که حزب و دولت و سندیکا را پابرجا داشته اند با اندازه رابرت کندی و مک کارتی نفوذ ندارد . رقیبان همفتری از آنچه مردم میخواهند، از صلح و از حقوق مدنی بحث میکنند و مردم را جلب مینمایند در حالیکه مانع اساسی در راه استقرار صلح اینک دستگاه دولتی جانسن است که همفتری خود یکی از آنهاست .

حال با کاندیداتوری همفتری بد نیست بدانند که او از ۳۷ معاون رئیس جمهوری آمریکا پانزدهمین معاونی است که برای رسیدن بمقام رئیس جمهوری تلاش میکند . از ۱۵ معاون رئیس که در این راه فعالیت کردند چهار نفرشان حتی موفق به جلب اکثریت حزب خود نشدند و در نیمه راه شکست خوردند .

یازده نفر دیگر در اثر مرگ رئیس جمهور بدین مقام رسیدند و در انتخابات بعدی هشت نفر کاندیداتوری حزب خود را بدست آوردند

و تنها یکی از آنها یعنی ریچارد نیکسون کاندیدای جمهوریخواه در سال ۱۹۶۰ از رقیب دموکرات خود جان. اف. کندی شکست خورد .

از میان سی و هفت معاون رئیس جمهوری آمریکا هفت نفر قبل از آنکه دوره معاون رئیس جمهوری آنها تمام شود مردند. □

کانادا

در یک راه تازه

«اگر پیر نخست وزیر کانادا شود در این صورت باید این کشور زره پوشیده و آماده نبرد گردد.» این نظریه ای بود که یکی از اعضای کابینه کانادا درباره نخست وزیری پیرالیوت تردو داده بود ولی با وجود این، هفته قبل الیوت به نخست وزیری این کشور برگزیده شد. چند روز قبل پارلمان کانادا یکی از تاریخی ترین جلسات خود را تشکیل داد و چند دقیقه پس از رسمیت یافتن جلسه پیرالیوت تردو نخست وزیر فدرال کانادا پشت

دادو بمقام تشریفاتی وزیر مشاور و سرخنگوی دولت اکتفا کرد.

مرد نو، شیوه نو و کار نو را آغاز کرده است. تردو با انحلال پارلمان سه هدف را تعقیب میکند:

اول انتخاباتی را که حزب لیبرال کرده و او را به مقام ریاست حزب و نخست وزیری رسانده باید به تصویب یازده میلیون رای دهنده کانادائی برساند .

دوم تردو قصد دارد حزب را از وضع اقلیت که در پارلمان دارد خارج کند، حزب لیبرال از ۲۶۵ کرسی پارلمان ۱۲۸ کرسی را در اختیار دارد. نخست وزیر جدید معتقد است که این وضع دست دولت را بسته و به دولت امکان نمیدهد که با قدرت مسائل جاری را حل و فصل نماید.

و بالاخره نکته سوم اینکه به مردم منطقه کبک امکان داده خواهد شد که میان تز حزب لیبرال درباره «حفظ فدراسیون» و هواداران تز خود مختاری «ایالت کبک» یکی را انتخاب کنند و نظر خود را اعلام نمایند. آمار مقدماتی که گرفته شده نشان میدهد



تردو : مردی تازه با درستی تازه !

که تردو در این انتخابات حداقل ۵۲ درصد آراء را بدست خواهد آورد.

نخست وزیر جدید نشان داده است که بهیچ اقدامی از روی عصبانیت نمی پردازد

در اوایل فوریه، دولت کانادا مناسبات سیاسی خود را با کشور افریقائی کابون قطع کرد، دولت کانادا، کشور کابون را متهم کرده بود که از وزیر فرهنگ کبک برای شرکت در کنفرانس وزیران فرهنگ سرزمین های فرانسه

زبان دعوت کرده است و این امر توهینی بحکومت کانادا شمرده می شود ولی هفته قبل قسمت دوم این کنفرانس در پاریس تشکیل شد باز

تربون قرار گرفت و نطق کوتاهی ایراد نمود، پارلمان منحل میشود، انتخابات عمومی روز ۲۵ ژوئن صورت خواهد گرفت.»

سه روز قبل از تشکیل دولت تازه آثار تحول ظاهر گردید، بانو جویدی لامارش یکی از چهره های درخشان سیاست کانادا و دشمن سرسخت تردو بمقام وزارت خود را از دست داد .

پل مارتین وزیر خارجه که همه او را جانشین احتمالی پیرسن میدانستند راه باز نشستی افتخار آمیز را پیش گرفت و در کابینه تردو مقام وزارت خارجه را از دست

هم‌وزیر فرهنگ کبک در آنجا شرکت کرد ولی دیگر دولت کانادا تصمیمی مشابه با تصمیم قبلی اتخاذ نکرد و همین وضع خود نشان‌دهنده تغییر است که در سیاست کلی کانادا روی داده است. □

چکوسلواکی

سوسیالیسم + آزادی

در آسمان کمونیسم از دید شورویها سه ستاره خاموش نشدنی و دست‌نزدنی وجود دارد: حزب، سوسیالیسم دوستی با شوروی، رعایت این اصول از جانب هر حزب کمونیست بعقیده شورویها، نشانه آنست که حزب در مسیر درست نام بر میدارد. روزنامه پراودا ارکان حزب کمونیست شوروی چند روز قبل مجدداً روی این نکته تکیه کرد و واضح بود که هدف شورویها، چکها و رومانی‌ها و برخی از لهستانها هستند و نشان میداد که شورویها میخواهند این بره‌های سرکش را که از جمع کله متفرق شده‌اند یکجا جمع کنند.

روسها میگویند خطرات زیادی این کله را تهدید میکنند و نمیتوان آنها را بدون حمایت قرارداد. خطری که از ناحیه چپ این کله را تهدید میکند از جانب ما، توتسه تونگ است که بعقیده «فد دوسف» خواستار استقرار اجرای تئوری خشونت است. خطر راست از جانب امپریالیسم است.

در پراگ چه میگویند؟ آیا کسانیکه قدرت را بدست گرفته‌اند تجدید نظر طلب هستند؟ این اتهامات مطرح نیست آنها می‌گویند «ما هرگز به چکوسلواکی سال ۱۹۴۸ یعنی به دوران بنش و مازاریک باز نخواهیم گشت». «دوبچک دبیر اول حزب کمونیست چکوسلواکی تأیید می‌کند، «معانی سوسیالیسم در چکوسلواکی استوار است» ولی همین اطمینان‌ها مسکورا نگران کرده است بنظر آنها آیا این بره چکی که اینقدر خوب نطق میکند و دم از وفاداری میزند برای این نیست که بهتر فریب بدهد؟

نگرانی مسکوتنها از بسبب برقراری روابط بازرگانی میان چکوسلواکی و آلمان غربی و یا در اطراف روش چکها در تمبیر این باصطلاح «دموکراسی در سوسیالیسم» نیست بلکه بنظر شورویها، مسائل موجود در چکوسلواکی خیلی عمیق‌تر از این حرفهاست. «دوبچک» دبیر کل حزب کمونیست چکوسلواکی بصراحت اعلام میکند، «آنها نیکه تصور میکنند دموکراسی عبارت از اینست که امکان داشته باشند در هر

کاری مداخله کنند و آنچه میخواهند بکنند در اشتباهند زیرا اینکار بمفهوم آنا رشی بوده و با دموکراسی ارتباطی ندارد.»

دوبچک از مطالبوعات دعوت میکند که از مسئولان حزبی، سازمانهای توده‌ای و کارگهائی که در گذشته فعالیت کرده‌اند و اینک مورد حملات عوام‌فریبانه قرار گرفته‌اند دفاع کنند.

ولی دوبچک در عین حال از مردم دعوت میکند که اشتباهات را بگویند. زیرا فقط از راه دموکراسی داخلی و برخورد عقاید است که میتوان به ترقی و پیشرفت رسید. با این همه نویسنده چک لودویک کچولیک می‌نویسد کارگران چک روحیه مستقل سیاسی خود را از دست داده‌اند، و آنقدر سالها در معرض تبلیغات حزبی قرار گرفته‌اند که اینک نمیتوانند از خود صاحب نظر و عقاید روشن باشند.



دوبچک: سوسیالیسم علاوه آزادی

درواقع با اینکه تغییر «اقتصاد دستوری» به «اقتصاد بازار سوسیالیستی» افق تازه‌ای را در اقتصاد چکوسلواکی میکشاید ولی هنوز کارگران به وضع تازه عادت نکرده‌اند و نمیدانند چه باید بکنند.

دوبچک میدانند که سر نوشت اقدامات امروزی او بستگی به سر نوشت برنامه‌های اقتصادی او دارد و هر اقدام عجولانه منجر بشکست مساعی او خواهد شد به همین جهت او روز بیستم آوریل از اعضای کمیته محلی حزب دعوت کرد که عجله را کنار بگذارند بهمه کارگران امکان بدهند که در مسائل بحث کنند و «اطمینان پیدا نمایند که راه ما صحیح است» اینجاست که مجدداً نگرانی شورویها ظاهر میگردد. اینکه بحث آزاد را کمترش دهند میگرایی است که گوسفند چکی حامل آنست. روزنامه پراودا با اینکه در یک مقاله ۱۲۰۰ کلمه‌ای برنامه حزب کمونیست چکوسلواکی را منتشر کرده است ولی تماماً

بیک ماده اساسی از برنامه آن خود را آشنا نشان نداده است این ماده این است: «نمیتوان قبول کرد که یک سازمان بتواند بایک تصمیم همه مسائل را حل کند، باید امکان بحث بهمه داده شود.» روزنامه پراودا این قسمت را سانور کرده و در قسمت دیگر مرمی بوط به اعطای استقلال به دستکاهای قضائی مخصوصاً در باره مسافرت بخارجه سکوت اختیار کرده است.

بر زلف تازگی گفته است: کسانیکه تصور میکنند انضباط آهنین تنها در دوران انقلاب لازم است و در دوره تحول اقتصادی لزومی ندارد سخت در اشتباهند.

شاید، ولی آنچه اینک مردم چکوسلواکی از حزب کمونیست خود میگیرند «آزادی به علاوه سوسیالیسم است» و اگر اعطای این آزادی اشتباه است، شورویها حق دارند که مضطرب باشند، زیرا این آزادی اینک روز بروز بیشتر در این کشور جان می‌گیرد.

... همین روز شنبه، در میدان زیبای مرکزی شهر پراگ. در برابر مجسمه «ژان هوس» قهرمان ملی چک چهار هزار نفر، با شمارهایی از این قبیل: دموکراسی در خون ماست، ما تقاضا داریم که همه زندانیان سیاسی بخشوده شوند، ما به دانشجویان مبارز لهستان درود می‌فرستیم، اجتماع کرده بودند تا در یک میتینگ سه ساعته که در دل روز برگزار شده بود اعلام کنند که باید در چکوسلواکی انتخابات در نهایت آزادی، صورت بگیرد که باید کشور چکوسلواکی خود را از قید و بند فشار روسها نجات بدهد که باید نه فقط آزادی قلم و گفتار و اجتماعات محترم شمرده شود بلکه باید تشکیل احزابی مخالف حزب کمونیست نیز مجاز باشد. در تمام مدت سخنرانی که حتی یک پلیس نیز، در دوروبر تظاهر کنندگان دیده نمی‌شد، سخنرانان یکی پس از دیگری به مسائل مبتلا به چکوسلواکی امروز اشاره کردند. چرا باید در کشور ما، در روز جشن آزادیمان از جنگ نازیسم پرچم شوروی در کنار پرچم چکوسلواکی در اهتزاز در آید. چرا باید ما، به تبعیت کشور شوروی با اسرائیل قطع رابطه کنیم.

چرا باید ما، نتوانیم در هیچ امری بدون اجازه مسکو تصمیم بگیریم... و سرانجام رهبر میتینگ «ژوزف هاوولدا» یک کارگریست چهار ساله، یکایک خواسته‌های سخنرانان را برای گذشت... و گفت: «من از شما حاضران خواش می‌کنم، یکایک مواد قطعنامه، با بلند کردن دست، موافقت و یا مخالفت خود را اعلام کنید.

من می‌دانم که رای باید مخفی باشد و این طرز صحیح رای گرفتن نیست، ولی چه می‌شود کرد مادر چکوسلواکی مدتهاست که رای مخفی بخود ندیده‌ام! □

گفتگویی با (بهمن فرسی)

نویسنده و کارگردان (چوب زیر بغل)
درباره‌ی همین نمایشنامه

و پرشکوه این ملک و نشانه‌ای از گذشته ما باشد و «دختر» نماینده‌ای از نسل حاضر. سرانجام می‌بینیم که «دختر» جاننشین چوب زیر بغل «پهلوان» می‌شود و با هم از صحنه خارج می‌شوند. از این صحنه چه استنتاج خاصی داشته‌اند؟

— به گمان من «تاریخ» برای ملت‌هایی که از آن بر خوردارند وسیله بهره‌برداری‌های گوناگونی را فراهم کرده. این ملت‌ها به تاریخ خود تفاخر می‌کنند؛ در آن غرق می‌شوند؛ با آن کسی می‌کنند؛ به آن بی‌اعتنا می‌مانند و از این قبیل مسأله‌ای که من در این صحنه مطرح کرده‌ام روشن کردن تکلیف ما با تاریخ گذشته خودمان است. واقعیت این که تاریخ‌ها بهر حال چیزی است که بیخ‌ریزش ما چسبیده و از آن رهایی نداریم. اما بحث در این است که این تاریخ تا چه حد به درد ما می‌خورد؛ ما به درد تاریخ می‌خوریم و تا چه حد ما باید این تاریخ را بخوایم و به آن تکیه کنیم. یا از آن فارغ بمانیم. به این علت پهلوان و دختری که در صحنه آخر این نمایش ظاهر می‌شوند در واقع پهلوان و دختری نیستند که در ابتدا بوده‌اند. پهلوان خود را از خود دور تر و سوار بر کبی که به او وابسته شده خلاص می‌کند و درست تر آنکه ظاهر پهلوانیت را دور می‌ریزد. یعنی آنکه هر تاریخی جدا از واقعیت «خود» حقیقتی دارد که به نظر من این «حقیقت» خواستی است و حتی قابل احترام. اما با حقیقت تاریخ ما چه کسی می‌تواند تماس داشته باشد؛ آن محقق پیرافلیچی که در طومار گذشته‌ها غرق شده یا دخترک معصوم و ساده نسل امروز؛ مسأله‌ای که من خواسته‌ام در این صحنه مطرح کنم همین است. □

هفته گذشته اثر تازه‌ای از بهمن فرسی بنام چوب زیر بغل بوسیله خود او و با شرکت دانشجویان تئاتر دانشگاه تهران در تالار انجمن ایران و امریکادر تهران بروی صحنه آمد. در این شماره قسمتی از گفتگویی که میان (بهمن فرسی) و (ایرج یارسی نژاد) درباره نمایشنامه (چوب بغل) صورت گرفته درج می‌شود در شماره آینده نظر بامشاد درباره کار تازه فرسی ایران خواهد شد.

گفتگویی با (فرسی) درباره (چوب زیر بغل)

ه از تماشا می‌نمایش «چوب زیر بغل» و دیدن اشیاء روی صحنه چنین استنباط می‌شود که این نمایش اثری است تمثیلی این استنباط درستی است از کار شما؟

— تقریباً. تمثیل تا حدی جزء سنت‌های ادبی و هنری

ماست.

و در تئاتر الزاماً من زبانی تمثیلی و بیانی اشاره‌ای را اختیار

کرده‌ام.

در نمایش «چوب زیر بغل» سخن تمثیلی که ما در آن روایت یک قصه در جریان است آیا یکپارچگی واقعیت نمایش از نظر نگاه یک تماشاگر عادی حفظ شده؟

— البته تمثیل نمایشنامه «چوب زیر بغل» اساساً بر پایه یک واقعیت استوار شده. اما این تمثیل آن چنان نیامده که واقعیت خود نمایش آسیمی ببیند محتوای «چوب زیر بغل» اتفاقاً قصه ساده‌ای است. البته در این نمایش هم زبان من که زبانی است کنایه‌دار و استواری همچنان حفظ شده.

و نحوه کارگردانی آن

از نظر به کار گرفتن نور و صوت و سکوت به عنوان عناصر تکمیل کننده زبان نمایش که جزء سبک کارم است به قوت خود باقی است اما محتوای نمایشنامه و کارگردانی آن چنان است که تماشاگر عادی اگر بی‌به این راز و رمزها هم نرسد می‌تواند پایه‌های نمایش پیش برود.

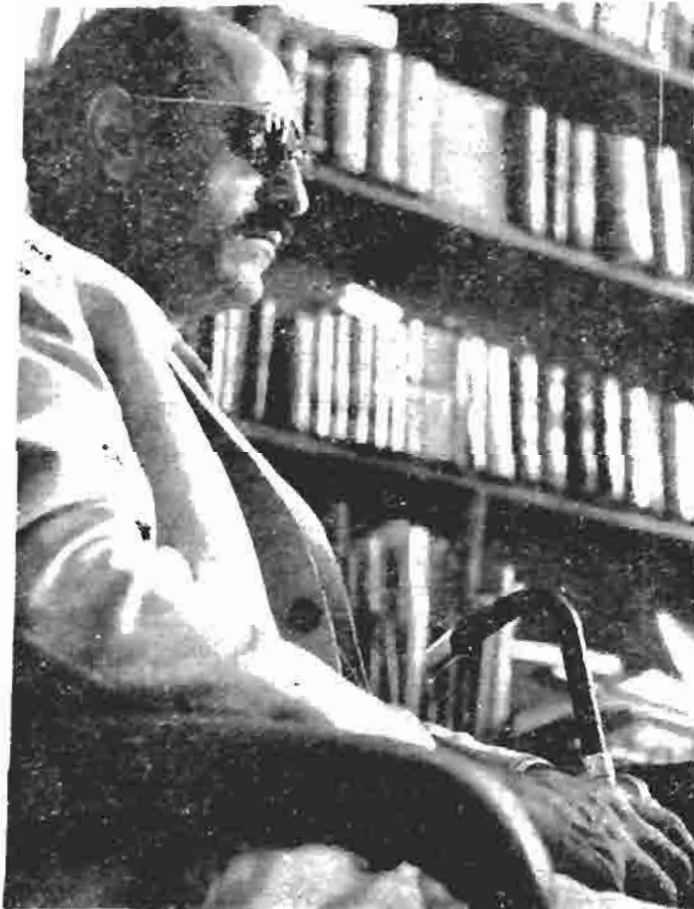
در «چوب زیر بغل» گاهی می‌بینیم آدم‌های نمایش هر کدام به تنهایی حرف خودشان را به صورت «هو نولوک» طولانی می‌زنند. به طوری که گاهی احساس می‌شود همچگونه ارتباطی منطقی بین حرف‌های این آدم‌ها وجود ندارد!

این مسأله را چگونه توجیه می‌کنید؟

— کسانی که با کارهای من آشنا هستند حتماً نوع ارتباط این حرف‌ها را می‌شناسند. ارتباط تنها این نیست که آدم‌های بازی روی صحنه رو در روی هم قرار بگیرند، توی چشم هم نگاه کنند و به گفتگو بپردازند.

در این نمایش هم مثل دیگر کارهای قبلی من بین حرف‌های آدم‌های بازی ارتباط هست. ارتباط دویاچند «زخم» است. هیچ وقت آدم زخم خورده‌ای که دردمند به گوشه‌ای پرت شده حال و مجال نگرستن به زخم خورده دیگر را ندارد. او از زخم خود می‌نالند. «زخم» آدم‌های «چوب زیر بغل» زخم مشترک سرگردانی و سرگشتگی است.

در صحنه آخر «چوب زیر بغل» ما شاهد گفتگوی دو پرسوناژ «پهلوان» و «دختر» هستیم، که «پهلوان» می‌تواند نماینده تاریخ گمراه‌ان



بهمن فرسی

خرمن کونگی) اثری از يك سياه زندانی

(خرمن کونگی) تازه ترین اثر نویسنده سياه پوست (ولهسونیکا) است که در نیویورک بروی صحنه میآید. این نویسنده اهل نیجریه از مدتی پیش بدلیل حمایت خود از خود مختاری ایالت بیافرا در موطن خود نیجریه بنندان افتاده است و با این حال در زندان نیز به اعتراض خود به مخالفان خویش ادامه میدهد و ندای خاص خویش را که ندای رهایی جوانان آفریقائی است همچنان سر میدهد.



در صحنه از (خرمن کونگی)

قبلا از این نویسنده دو نوشته کوتاه یکی بنام (نسل قوی) و دیگری (محاكمه برادر جودر) در (اف بروودی) نیویورک بروی صحنه آمده بود و اینك يك گروه از هنرمندان سياه پوست اثر برجسته اورا بنام (خرمن کونگی) در نیویورک اجرا می کنند.

(کونگی) در این نمایشنامه سمبل آفریقای مبارز و مقاوم است. میتواند نمونه ای از نگرومه بشمار آید. نویسنده سياه در (خرمن کونگی) میکوشد رسالت مردان بزرگ آفریقا را تا کید کند و محصولی را که از بذر عقاید و افکار آنها بدست میآید بروشتی نشان دهد.

در این نمایش همچنین عده ای از ستارگان سياه پوست با شرکت دارند و نمایش فلسفی و اجتماعی (سونیکا) را درخشش و لطف بیشتری میدهند.

اتوبوس نمایشگر

يك وسیله نقلیه از کار افتاده که روزگاری متعلق به شرکت اتوبوسرانی و وسائط نقلیه پاریس بوده اکنون بشکل يك تئاتر سیار درآمده است.

کارت مخصوص این وسیله نقلیه حاوی هیچگونه تاریخی نیست اما حدود ۳۰ سال میشده بخوبی از آن استفاده کرد. این تئاتر فعلا در کوچه موفتار واقع در يك محله جنوبی پاریس قرار دارد.

ایده ایجاد يك چنین تآثری در کمدهای جوانی پیدا شده که دارای علاقه مغزطبی به سفر و میل به شناساندن آهنگهای گوناگون مناطق مختلف فرانسه هستند.

این تروپ قبلا در سواحل نورماندی و حومه پاریس نمایشاتی داد و اینك در پاریس بسر میبرد.

در داخل اتوبوس نمایشگر يك کاباره جای دارد که انواع تصنیفها، اشعار، و تئاترهای فانتهزی در آن حکومت میکند.

(زیبای روز) آخرین اثر بونوئل

(لوئی بونوئل) کارگردان اسپانیائی الاصل اظهار داشته است که فیلم (زیبای روز) آخرین فیلم او خواهد بود. اگر چنین باشد باید گفت که او در این آخرین فیلم نیز - گرچه همانند سایر فیلم هایش فلسفی و اجتماعی نیست - جهان تازه ای از زیبایی تصاویر و جسارت مفهوم آفریده است و (زیبای روز) به عنوان نخستین فیلم رنگی (بونوئل) ضمناً حاوی زیبایی های دل انگیزی از دیدگاه سینمائی او است.

بونوئل که اینك ۶۸ سال دارد با فیلم (زیبای روز) ۲۷ فیلم بر جسته به جهان سینما عرضه داشته است آثار وی را به سختی میتوان در سایر طبقه بندی های سینمائی وارد کرد و بهر حال وی شخصاً همیشه و در هر فیلم خویش (موج نو) در سینمای شخصی و فردی جهان بوده است. در (زیبای روز) یکی از موفق ترین چهره های سینمائی فرانسه (کاترین دونوو) بازی میکند. کاترین با آنکه بیش از ۲۴ سال ندارد در بیش از ۲۵ فیلم سینمائی شرکت کرده است و فیلم (زیبای روز) بیست و دومین بازی سینمائی او است.

بونوئل در (زیبای روز) کاترین دونوو را مرکز و تم ظریف خود قرار میدهد. در اینجا اوزنی است شوهر کرده با يك زندگی نسبتاً مرفه و جالب و همه امکانات موجودات قراردادی. با این حال کاترین يك نوع (دلگی) جنسی را ترجیح میدهد و حتی بيك نوع زندگی روسی تن در میدهد. میتوان این (زیبای روز) را به مفاهیم بزرگی تعبیر کرد ولی بهر حال در يك کادر ساده نیز میتواند به عنوان تجزیه و تحلیل دقیق و ظریف زندگی زن امروز مورد بحث قرار گیرد. فلئینی با فیلم (زندگی شیرین) خود حالتی از يك گروه



لوئی بونوئل - کاترین دونوو

خاص اجتماعی را در قرن بیستم بیان کرد و بونوئل با (زیبای روز) حالتی از يك جنس آدم قرن بیستم را ارائه میکند. □

فیلم وسترن تروفو

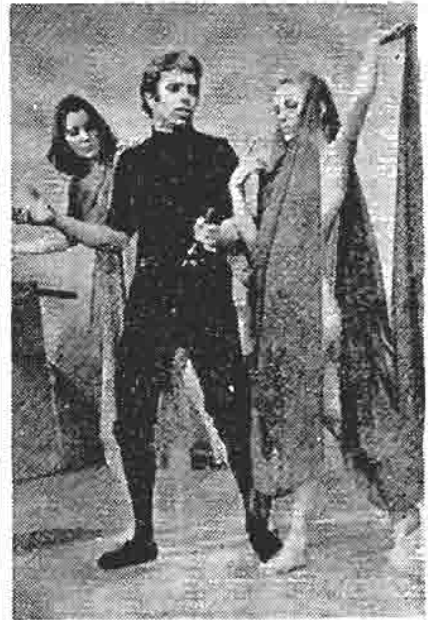
(فرانسواتروفو) فیلم ساز مشهور فرانسوی به گروهی از فیلم سازان این کشور که به تهیه فیلم های وسترن اقدام کرده اند پیوست.

فیلم های نوع (وسترن) نخستین بار در آمریکا و باقتباس از زندگی و اوضاع مغرب آن کشور تهیه شد بعداً بعضی از فیلم سازان اروپائی و ژاپنی آذری در این زمینه پدید آوردند.

فرانسواتروفو در نظر دارد در سپتامبر آینده فیلمی به شیوه فیلم های وسترن بنام (افسونگر رودخانه میسی - سی) یا شرکت (زان پیل بلموندو) و (کاترین دونوو) تهیه کند. □

تام پین (قهرمان آزادی آمریکا) روی صحنه تئاترهای نیویورک

(یل فاستر) نویسنده برجسته و جسور آمریکائی که مدتی به اتهام داشتن تمایلات چپ زندان بود با نوشتن بیوگرافی (تام پین) قهرمان آزادی و استقلال آمریکا مبارزه انسان را با همه زبر و بمها و کتکها و نقاط ضعف و حسن اش عمیقاً بررسی کرده



صحنه ای از نمایش (تام پین)

اینک گروه پیشاز تاتری (لاماما) در آمریکا این بیوگرافی را با شکل موزیکال - کمدی و در اتمسفری بسیار متحرک و پیرانزی به عنوان یک اثر دراماتیک آزاد بروی صحنه آورده است. (تام پین) یک آدم بسیار عادی انگلیسی بود ولی با نوشتن آثار برجسته در باره لزوم استقلال آمریکا و رهایی انسان از قید انسان دیگر و سپس شرکت موثر در جنگهای استقلال آمریکا در تاریخ ایالات متحده مقام بزرگی بدست آورد. تام پین سپس که نتوانست مثل هر انقلابی دیگر با عواقب و نتایج انقلاب آمریکا سازگار شود راهی فرانسه شد و مرحله تازه ای از انقلاب فکری خویش را پیمود. (فاستر) زندگی این مرد عاصی-عاصی نسبت به هر چیز و هر ایده و نظریه را خیلی جالب و دقیق و ظریف تعقیب میکند. (اومبورگان) هنرمند تاتری آمریکانین کوشیده است در مخلوطی از فرمهای ترازدی - کمدی - موزیکال یک نوع (تام پین) جاودانی را ارائه کند. □

صدمین سال تولد (ادموند زستان)

قریب به صد سال پیش ادموند زستان شاعر درام نویسی و تئاتر نویس فرانسوی در شهر ماریس پا بر صحنه وجود نهاد. ادموند زستان در سال ۱۸۹۰ (زن و لگرد) را نوشت و ۴ سال بعد مجموعه «رومانها» را که حاوی یک سری رمان-های افسانه ای و کمدی است خلق نمود. ولی این دواثر وی با موفقیت چندانی روبرو نگردید ادموند زستان پس از نوشتن این دواثر بود که با کمدین معروف فرانسوی «سارابرنارد» آشنا شد و آنگاه «بحاطر وی نمایشنامه (شاهزاده خانمی از سرزمین دور دست) که در آن نبوغ تئاتری خود را به بهترین وجهی نمایان ساخته است خلق نمود.

یکی دیگر از معروفترین آثار (ادموند زستان) را میتوان (سیرانودو برزراک) دانست که نمایشنامه ای است، منظوم و سرشار از طنز و سلحشوری. ادموند زستان در ۲۹ سالگی با وج شهرت و افتخار رسید.

درام شش پرده ای او بنام (عقاب کوچک) که بصورت شعر تنظیم شده است یکی دیگر از آثار معروف ادموند زستان بشمار می آید. قهرمان این درام جوانی تشنه افتخار و شهرت است.

این اثر زستان را میتوان یکی از آثار موفق وی بحساب آورد.

زستان در سال ۱۹۰۷ وارد آکادمی فرانسوی شد. و در سال ۱۹۱۰ آخرین اثر معروف خود را خلق کرد.

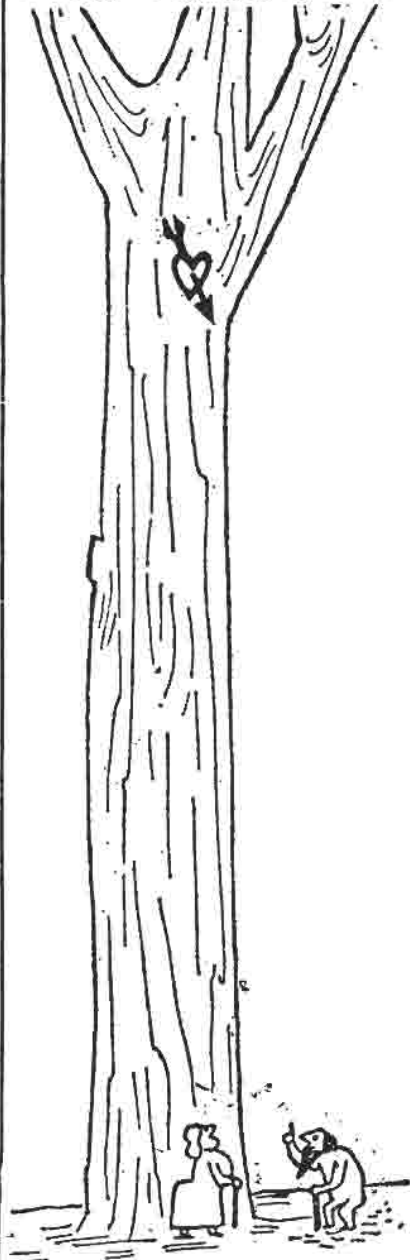
سرانجام ادموند زستان در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۱۸ در ۵۱ سالگی و در زمانی که با وج شهرت و موفقیت رسیده بود در پاریس بدرود حیات گفت. □

* (دونالد دیویسون) شاعر-مورخ و نویسنده و هنرشناس مشهور آمریکائی در هفتاد و چهار سالگی بدرود حیات گفت. دیویسون در دوران حیات خود آثار متعددی در رشته های مختلف ادبی منتشر کرد و مدتی نیز همراه گروهی از شاعران و نویسندگان نوپرداز آمریکائی یک نشریه شعری بنام (فراری) انتشار داد. دیویسون در سالهای آخر عمر خود استادی دانشگاههای آمریکائی را به عهده داشت. □

نوول گالبریت

(جان کنت گالبریت) استاد دانشگاه هاروارد آمریکا و سفیر پیشین آن کشور در کشورهای خارجی نخستین نوول خود را بنام پیروزی منتشر کرد. وی قبلاً کتابهای برجسته ای در زمینه تحقیقات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی نظیر کتابهای (جامعه مرفه) و (وضع جدید صنعتی) منتشر کرده بود.

گالبریت در کتاب تازه خود که یک داستان فانتزی است نیز مسائل اجتماعی جامعه کشور خویش آمریکا را مطرح میکند.



نسبت معکوس:

پیری آدمیزاد و جوانی درخت!
طرح از یک کاربکا نورست فرانسوی

شکوه هنر گوتیک در نمایشگاه لوور

اخیراً نمایشگاه بسیار زنده‌ای از آثار هنری گوتیک اروپا در موزه لوور پاریس توسط (آندره مالرو) وزیر فرهنگ فرانسه گشایش یافت.

در مراسم افتتاح نمایشگاه مذکور نزدیک به ۵۴۸ اثر منحصر بفرد و برجسته هنر گوتیک متعلق به ۱۶ کشور مختلف به معرض نمایش گذاشته شد.

هنر گوتیک که در قرن دوازدهم در فرانسه شکوفان گردید، تحول مهمی در معماری و اصول ساختمانی آن زمان فرانسه پدید آورد و سایر هنرهای دیگر را نیز تحت الشعاع قرار داد.

از آن پس هنر گوتیک در معماری سراسر اروپا راه یافت و ظرف ۲ سال در تمام کشورهای دنیای غرب نیز تجلی کرد.

در نمایشگاه هنر گوتیک آثار نقاشی، مجسمه سازی کتاب‌ها و نسخه‌های دستی، انواع وسائل و اشیاء آنرا متعلق به سالهای ۱۱۵۰ تا ۱۳۵۰ در معرض دید هنردوستان قرار گرفته است.

در میان آثاری که در این نمایشگاه عرضه گردید تأثیر آداب و رسوم مذهبی آن زمان بر روی شاهکارهای هنری بخوبی بچشم میخورد.

تا بلوی حضرت عیسی و سن توماس متعلق به یک کلیسای بزرگ و یک سری پنجره‌های بزرگ متعلق به معماری گوتیک انگلستان، سوئیس و فرانسه باین نمایشگاه آورده شده است.

(آندره مالرو) وزیر فرهنگ فرانسه ضمن گشایش این نمایشگاه گفت جوهر هنر گوتیک در آنست که هنرمند با قالبها و اشکال زمینی به خلق آثار و تجلیات آسمانی و الهی میپردازد. □

هی‌پی‌های عربان در نیویورک

برای نخستین بار نمایشی با شرکت (هی‌پی‌ها) های آمریکا در یک تئاتر برودوی نیویورک بروی صحنه آمد.

هنرمندان جوان هی‌پی آمریکا در این برنامه که یک نمایش موزیکال است عقاید و نظریات خود را در مسائل هنری و اجتماعی با شیوه مخصوص ارائه کردند بدین ترتیب که بازیگران تقریباً بطور عربان بروی صحنه آمدند و کوشیدند نمایش رهائی و آزادی انسان را توأم با برهنگی ابراز کنند.



زندگی بدون راز - پوشش و عذاب!

(جین فوندا) تجسم کامل آن موجود آمریکائی است که گرفتار جذبه و شور زندگی بدون قیداروپائی میشود و باین زندگی با تمام وجود خود روی می‌آورد. (جین) پس از آشنائی با (رژه وادیم) کارگردان سینمائی فرانسه که به تنهایی همه نظریات (فروید) و (کینسی) روانکاوهای بزرگ را جامه عمل می‌پوشاند. به این نوع زندگی که در آن بین زن و مرد هیچگونه رازی وجود ندارد پی برد و اینک همسر و همکار وادیم است.

(جین فوندا) این روزها آخرین فیلم خود را برای وادیم بنام (باربارلا) بازی میکند.

(سربازان) هوخ هوت در نیویورک

نمایشنامه (سربازان) اثر نویسنده آلمانی (رودلف هوخ هوت) که اجرای آن تا کنون در انگلستان منع گردیده است برای نخستین بار در نیویورک بروی صحنه آمد.

در این نمایشنامه که درباره حوادث زمان جنگ جهانی دوم است بعضی از شخصیت‌های سیاسی زمان جنگ انگلستان از جمله چرچیل مورد اتهام قرار گرفته‌اند.

درگذشت هنرمندان و نویسندگان

♦ الکساندر بوروسکی
پیانست مشهور که در اغلب آرکستر-های بزرگ اروپائی و امریکائی شرکت داشت در هفتاد و نه سالگی در ایالت ماساچوست امریکا بدرود حیات گفت.

الکساندر بوروسکی در روسیه زاده شده بود و در سال ۱۹۱۲ از کنسرواتوار سن پترزبورگ فارغ-التحصیل شد.

وی در سال ۱۹۴۱ اقامتگاه دائمی خود را در امریکا قرار داد و در سال ۱۹۵۶ بسمت استاد پیانو در دانشگاه بوستون برگزیده شد. □
★ (هرالد کووتز برگ) هنرمند برجسته باله آلمان در ۶۶ سالگی در شهر برن واقع در سویس بدرود حیات گفت.

کووتز برگ که هم ستاره باله و هم طراح رقص بود در پیشرفت هنر باله آلمان و اروپا نقش مهمی ایفا کرد. □

فیلم زندگی دکتر بارنارد

(آلفرد بینی) تهیه کننده فیلمهای سینمایی ایتالیائی برای تهیه فیلمی از روی زندگی دکتر بارنارد جراح معروف آفریقای جنوبی رهسپار آن کشور شد. تهیه کننده ایتالیائی اظهار داشت که وی در نظر دارد زندگی دکتر بارنارد و اقدامات ستایش انگیز او را در مورد انتقال قلب بصورت یک فیلم کاملاً مستند و واقعی درآورد. ★

سالگرد تولد رابسون

اخیراً بمناسبت هفتادمین سالگرد تولد (پل رابسون) موسیقیدان و خواننده مشهور سیاه پوست امریکا مراسمی در مراکز هنری چند کشور اروپائی و امریکائی اجرا شد.

پل رابسون که از سه سال پیش از فعالیتهای هنری دست برداشته است مدتزمانی یکی از برجسته ترین خوانندگان و نوازندگان تئاترهای برودوی نیویورک بشمار میرفت. ♦

تجلیل از (جرج سولتی)

دولت انگلستان از (جورج سولتی) مدیر اپرای کاونت گاردن در لندن ستایش کرد و نشان فرماندهی افتخاری امپراطوری را به وی تقدیم داشت. در مراسمی که باین مناسبت صورت گرفت مایکل استوارت وزیر خارجه انگلستان اظهار داشت پیشرفت موسیقی انگلستان در سالهای اخیر مرهون خدمات جورج سولتی است.

جورج سولتی که مجارستانی الاصل میباشد از سال ۱۹۶۰ مدیریت اپرای کاونت گاردن لندن را بعهده گرفته است. □

ترانه گفتارهای دو گل

محبوبترین ترانه موسیقی کنونی جوانان فرانسوی ترانه ای است که اغلب اشعار آن بر اساس گفتارهای کوتاه شارل دو گول رئیس جمهوری فرانسه تنظیم شده است. از جمله قسمتهای این ترانه موسیقی این جملات مشهور ژنرال دو گول است که یک مرد بزرگ ریفیقی ندارد چون بادیگران در یک سطح نیست و چگونگی نمیتوان بر کشوری حکومت کرد که دوست و چهل نوع مختلف پنیر در آن فروخته میشود.

اتحاد پراهای جهان

(رودولف بینک) مدیر اپرای (متروپولیتن) نیویورک از پراهای مهم جهان درخواست کرد که برای پیشرفت هنر جهانی اپرایک موافقتنامه بین المللی بایکدیگر امضاء کنند. بینک اظهار داشت چنین موافقتنامه ای میتواند میان گردانندگان اپرای وین-مونیخ-اپرای لاسکالا در میلان و اپرای کاونت گاردن لندن منعقد شود و به پیشرفت همه آنها و مبادله آهنگسازان و نوازندگان و آوازخوانان مشهور جهانی منجر گردد. هشتاد و دومین فصل نمایشی اپرای متروپولیتن نیویورک اینک در حال اتمام است.

ارکستر دوباری در لندن

(ارکستر دوباری) که بتازگی برهبری (شارل مونچ) موسیقیدان برجسته تاسیس شده است نخستین کنسرت خود را در لندن روز ۲۸ ماه ژوئن اجرا خواهد کرد. (ارکستر دوباری) باینکصد و ده نوازنده در ماه ژوئن سال ۱۹۶۷ یکوشش (آندره مالرو) وزیر فرهنگ فرانسه تاسیس شد.

این ارکستر برنامه خود را در لندن در (فستیوال هال) آشهر اجرا خواهد کرد.

فستیوال فیلم در لیننگراد

فستیوال سالانه بین المللی فیلم شوروی که هر سال در مسکو اجراء میشود امسال در لیننگراد یکی دیگر از شهرهای شوروی برپا خواهد شد. فستیوال فیلم لیننگراد که ده روز بطول خواهد آمد انجامید از روز هجدهم ماه مه شروع خواهد شد. در این فستیوال بعضی از شرکت های مختلف فیلمبرداری جهان شرکت میکنند.

مدیر آینده باله سلطنتی انگلستان کیست؟

(سرفردریک آشتون) مدیر باله سلطنتی انگلستان که از بزرگترین استادان باله اروپا بشمار میرود اعلام داشت که در سال ۱۹۷۰ از سمت خود کناره گیری خواهد کرد.

وی که اینک همراه باله سلطنتی انگلستان یک برنامه چهار هفته ای را در نیویورک اجرا میکند اظهار داشت (کنت مک میلن) ستاره و طراح معروف باله انگلستان در سال ۱۹۷۰ جانشین وی در سمت مدیریت باله سلطنتی انگلستان خواهد شد.

ارکستر سمفونی نیک تهران در تالار فردوسی

انجمن فیلامونیک تهران روز شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه جاری یک برنامه موسیقی در تالار فردوسی اجرا خواهد کرد. در این برنامه ارکستر سمفونی نیک تهران برهبری (دوبرتسا تانوسکی) موسیقیدان لهستانی و رهبر میهمان برنامه هائی اجرا خواهد کرد. در برنامه ارکستر سمفونی نیک تهران در تالار فردوسی همچنین (رجینا اسمنجیانکا) نوازنده پیانو و (تادئوش ورونسکی) نوازنده ویلن که از هنرمندان بنام لهستان هستند شرکت دارند.

دختر (فریود) و مسائل نسل جوان

(آنا فریود) دختر (زیگموند فریود) روانکا و بزرگ اینک از آمریکا دیدن میکند.

(زیگموند فریود) ۷۰ سال پیش فرضیه‌های جنسی خود را به جهان عرضه داشت و در آراء و افکار اجتماعی هنری و فلسفی قرن بیستم اثر مهمی بجای گذارد.



آنا فریود

(آنا فریود) که اینک ۷۱ سال دارد بهمین مناسبت در انجمن روانکاوان آمریکا در نیویورک شرکت کرد و در جلسه سالانه آنها نطقی ایراد نمود.

(آنا) ضمن بحث درباره نسل کنونی اظهار داشت مسائل مربوط به این نسل آنچنان مشکل و پیچیده است که به سختی میتوان آنها را حتی با تازم ترین راه‌حل‌ها مقابله کرد.

آنا گفت جوان امروزه تصادم‌های انسانی با نفس خویش علاقمند نیست بلکه وی به برخورد‌های بشری با اجتماع خویش راغب است. تطبیق آدمی با اجتماع خویش مهمترین و آخرین مشکل انسانی است که هیچ چاره‌ای نیز جز سازگاری با اجتماع ندارد. □

تئاتر عروسکی ژاپنی (درپاریس)

یک تئاتر عروسکی مشهور ژاپن بنام مون دراکو در این هفته در تئاتر دوناسیون درپاریس برنامه‌های جالبی اجرا میکند.

اجرای برنامه‌های این تئاتر عروسکی ژاپنی درپاریس از جمله برنامه‌های مختلفی است که گروه‌های هنری جهان در تئاتر دوناسیون در فصل جاری نمایشی آن بروی صحنه می‌آورند. □

جنک (صلح) تولستوی در آمریکا

فیلم بزرگ (جنک و صلح) اقتباس از اثر برجسته (لئون تولستوی) نویسنده بزرگ روسی در آمریکا بنمایش گذاشته شد و مورد تحسین فراوان منتقدان هنری قرار گرفت.

این فیلم که شش ساعت و نیم بطول می‌انجامد طی پنجسال متمادی توسط سرگئی بوندارچوک فیلمساز مشهور شوروی تهیه و کارگردانی شده است. دریک فصل فیلم که به‌تبرد (برودینو) اختصاص داده شده یکصد و بیست هزارتن از سپاهیان شوروی به ایفای نقش می‌پردازند.

سرقت آثار هنری در آمریکا

مدیر یک گالری هنری واشنگتن ضمن گزارش که تسلیم کنکره آمریکا کرد درخواست نمود که برای جلوگیری از سرقت آثار هنری از گالری‌های آمریکائی و همچنین جلوگیری از ضایع شدن این آثار توسط تماشاگران اقدامات جدی صورت گیرد.

وی در گزارش خود یاد آور شد که تعدادی تابلوی نقاشی به ارزش سیصد و سی هزار دلار اخیراً در گالری هنر آزاد موسسه اسمیتسونیان ضایع شده و تعدادی از اشیا هنری آن نیز بسرقت رفته است.

لارنس ویل (درگذشت)

(لارنس ویل) نویسنده و هنرمند مشهور آمریکائی در هفتاد و هفت سالگی در شهر کان واقع در جنوب فرانسه بدور حیات گسبوی با آنکه در پاریس زاده شده بود و بیشتر دوران حیات خود را در فرانسه گذراند ولی تابعیت آمریکائی خود را همچنان حفظ کرد. لارنس ویل داستان‌نویس - نمایشنامه‌نویس - نقاش و بازیگر ماهری بود و آثار وی در هنرمندان نویسندگان معاصر نظیر همیوگویی تأثیر بسزائی گذارد.

اویستراخ (رهبر ارکستر)

دیوید اویستراخ - موسیقیدان و ویلون‌نست) مشهور در این هفته در پاریس برنامه‌های اجرا میکند.

اویستراخ در این برنامه ویلون نخواهد نواخت بلکه رهبری یک ارکستر سمفونی را به عهده خواهد داشت.

وی که در یکسال اخیر بیش از یکصد و پنجاه کنسرت در نیویورک - سانفرانسیسکو - لندن - زاگرب و سایر قسمتهای جهان اجرا کرده است در نظر دارد از این پس بیشتر بر رهبری ارکسترها بپردازد. □

اپرای جدید شوشتا کوویچ

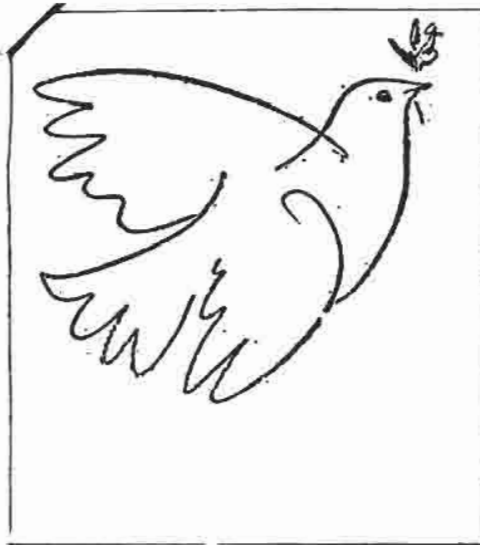
دیمیتری شوشتا کوویچ بزرگترین آهنگ ساز کنونی شوروی اپرائی را که در سالهای جنگ جهانی دوم یکی از شاگردان او آغاز کرده بود پایان رسانید.

(وینامین فلشمن) که پیش از جنگ جهانی دوم از شاگردان برجسته شوشتا کوویچ بشمار میرفت در سال ۱۹۴۰ تهیه اپرائی را از روی یک اثر چخوف نویسنده معروف روسی آغاز کرد و اسی در سال ۱۹۴۱ در جنگ لنین‌گراد کشته شد و این اپرا تماماً اندوخته شوشتا کوویچ اینک با احترام شاگرد هنرمند خود این اپرا را پایان رسانده است و قرار است در لنین‌گراد برای نخستین بار بروی صحنه بیاید. □

آثار (مامولیان)

(ناشنال فیلم تیاتر) لندن فصلی را اختصاص به نمایش برجسته‌ترین فیلم‌هایی که (روبن مامولیان) کارگردان بزرگ سینمای هالیوود تهیه کرده است داد. در این فصل شانزده فیلم سینمائی که طی چهل سال توسط مامولیان تهیه و کارگردانی شده است نمایش داده خواهند شد.

روبن مامولیان از جمله نخستین کارگردانان هالیوود بود که فیلم‌های موزیکال را بطریقه سه رنگی تکنی کالر تهیه کرد.



دنیا در سال ۲۰۰۰ میلادی



مشله موالید سپس کنترل فکریوسيله شیمی و بالاخره هیفتی برای بهبود سلامت یا کشتن مردم.

خبرنگار: آیا ممکن است روی هر یک از نکات توضیح بیشتری بدهید؟

کاهن: تا آنجا که مربوط به توسعه ماشین حساب است، هر سه سال یکبار نوع جدیدی که کاملتر از سابق است عرضه می‌گردد و این امر تا پایان قرن ادامه خواهد داشت. آیا این پیشرفت، حد و مرزی خواهد داشت هیچکس جرئت ثبوت آنرا ندارد و دلیلی نمیتوان یافت که توسعه این ماشینها در حدی متوقف شود. شاید مسئله مهم قرن این مسئله باشد که آیا ماشین حساب الکترونیکی خواهد توانست از انسان تجاوز کند بدین معنی که آیا تأثرات واضطرابات، احساسات، رنجها و اینکه بدانند از آنها بایددوری کنند غریزه حفظ و نگاهداری، ذوق هنری، قریحه اختراع استعداد آفرینش و بالاخره هر گونه احساس در ماشین آفتدر خواهد بود که از انسان بگذرد و فراتر رود؟ پاسخ من در این مورد مثبت است و میگویم، آری، روزی فرا خواهد رسید که ماشین از انسان جلو خواهد افتاد. ولی اعم از اینکه پاسخ باین سؤال مثبت یا منفی باشد، آن لحظه‌ای که ماشین دارای قریحه و استعداد شد، نقطه تلاقی در مسائل فکری و مذهبی بسیار وحشتناک خواهد بود.

دومین دگرگونی در مسئله موالید است ما فعل و انفعالاتی روی موضوع حاملگی وزن باردار انجام خواهیم داد و تا ده سال دیگر انتخاب نوع نوزاد با ما خواهد بود و تا آن موقع خواهیم توانست بمیل خود پس یا دختر بدنیابیاوریم. در این صورت در کشوری مثل هندوستان، ژاپن، آلمان که طبق سنن ملی جنس نر رجحان و مزیت بزرگی برجس ماده دارد، چه اتفاق خواهد افتاد و این کشورها با این پدیده تازه چگونه مواجه خواهند شد؟ آیا چون هر خانواده‌ای پس دوست دارد،

با یکی از آنها شهری را منفجر و نابود کند **خبرنگار: ولی شما در پیشگویی‌هایی که کرده‌اید از این نوع مصائب و فجایع سخنی بیمان نیاورده‌اید و ظاهراً این مسائل را از پیشگویی‌های خودتان خارج کرده‌اید.**

کاهن: بلی، همینطور است ولی دولت‌ها مجبور خواهند بود مراقبت کنند. بایک بمب مینیا توره، هر گانگستری خواهد توانست شهری چون نیویورک را در طرفه العینی منهدم سازد. بنابراین باید یک سازمان پلیس بین-المللی مخصوص بمب‌ها و این قبیل امور نظیر سازمانی که امروزه برای مواد مخدره وجود دارد، تأسیس گردد. بهترین ابزار کار این سازمان در حال حاضر وجود دارد و آن همین مغز الکترونیکی است که اطلاعات را در خود ذخیره میکند. اکنون پایان آزادی فردی فرا رسیده بخاطر اینکه بتوان هیئت اجتماع را حمایت نمود.

هم‌اکنون وقتی شما بخواهید از بانک یا بیمه اعتباری بگیری و یا هر نوع معامله‌ای داشته باشید این مؤسسات اطلاعاتی بهم‌ردو بدل میکنند و تا دوران کودکی شما پیش می‌روند. ناگهان می‌بینید که با واگذاری اعتبار بشما مخالفت میکنند زیرا در نتیجه تحقیق معلوم شده که شما در دوازده سالگی پول یکی از بلیطهای اتوبوس را نپرداخته‌اید و امکان دفاع از خود را ندارید و همه چیز علیه شما گواهی میدهد. کنترل دستگاه دولت در آینده افزایش خواهد یافت و آزادی در تمام زمینه‌ها حتی عبور و مرور اتومبیل، تعلیم و تربیت فرزندان زندگی خصوصی و غیره بطور وحشتناکی محدود خواهد شد.

خبرنگار: آیا مغز الکترونیکی از نظر فنی بنظر شما ابزار و وسیله مهمی برای تغییر شکل و دگرگونی تا سال ۲۰۰۰ است؟

کاهن: چهار رشته بنظر من اهمیت بسیار دارند اول ماشین حساب الکترونیکی بعد

در این روز و روزگار

هرمان کاهن رئیس مؤسسه (هودسن) صاحب نظر در حساب احتمالات و بخصوص در باره آینده جهان است. او در راس گروهی محقق در موسسه هودسن برای دولت آمریکا، (سناریو) فراهم می‌آورد بدین معنی که با تکلیف مدارک و اسنادی که مورد بررسی قرار گرفته در باره حوادث آینده پیشگویی می‌کند. گزارشی که بتازگی کاهن پس از ماهها مطالعه با تفاق گروه علمی خود در باره جهان ۲۰۰۰ میلادی تقدیم مقامات دولتی امریکا نموده یکی از جالبترین و هیجان انگیزترین مطالعاتی است که زیر نظر او انجام گرفته است. بدین مناسبت **خبرنگار (رایته)** مصاحبه‌ای با او در باره سال ۲۰۰۰ انجام داده است که قسمت اول آن در شماره گذشته چاپ شد و اینک قسمت دوم در این حال آخر این مصاحبه:

خبرنگار: قدرت هسته‌ای در سال ۲۰۰۰ بچه میزان خواهد رسید و تا آن موقع چند کشور دارای قدرت هسته‌ای خواهند شد؟

کاهن: تقریباً با نوزده کشور، البته با مقایسه تعداد کشورهایی که امروزه دارای قدرت هسته‌ای هستند، رقم یا نوزده، رقم چشم‌گیری است و با استانداردهای امروزی بنظر خیلی عجیب میرسد ولی باید بر حسب استانداردهای سال ۲۰۰۰ قضاوت شود. روز بروز از قیمت موشکها و اقمار مصنوعی کاسته شده و موشک‌ها بهای بسیار ارزان تمام خواهد شد. دیگر نیازی نیست که به بیمانه‌های ضد انفجار اتمی تجاوز شود. بسیاری از کشورها در زیر زمینهای خود دارای بمبهای هسته‌ای خواهند بود و هر دولتی قادر خواهد بود براحتی با تهیه سیستم‌های موشکی، اقمار صد کیلویی روی مدار قرار دهد... و اما بمبهای «مینیا توره» ما تا سال ۲۰۰۰ در کیفهای دستمان بمب‌هایی خواهیم داشت که شبیه نارنجکهای امروزی بوده و یک مأمور جاسوس قادر خواهد بود

در این روز و روزگار

و یاد دختر را ما به سر شکستگی (هندوستان) می-داند، حال که اختیار تعیین نوع آن بدستش افتاده، صاحب پسر خواهد شد؛ آیا تمام اطفال این کشورها پسر خواهند بود یا اینکه باید بزور تحمیل کرد که یکسال پسر و یکسال دختر بدنیا آورند. خودتان ملاحظه کنید چه شور و آشوبی در اجتماع آن روز که آنقدرها هم دیر نیست، خواهد افتاد. هر بار که روی یک مسئله تکنولوژیکی، پیشرفت تازه ای نصیب بشر میشود، یک کنترل اجتماعی، الزامی میگردد و همین مورد یکی از همان موارد است. برای حفظ تعادل چه باید کرد؟ آیا باید بانکهای «نطفه‌نر» تأسیس نمود و آنها را در پنج‌گانه‌ها و سردخانه‌ها نگاهداری نمود و تازه آیا با این بانکها میتوان جواب «اینشتین» و دو-گل را داد؟ چه کسی سلکسیون طبیعی را متوازن خواهد ساخت؛ همینطور است استعمال روزافزون مواد مخدره، خواب‌آور، «ال-اس»-

«که روی قسمتهای مرکزی منزاتر کرده و فعل و انفعالاتی در آن انجام میدهد و یک قسمت از جامعه را فلج و غیر مفید ساخته و آنها را به افرادی خطرناک و بی‌کاره تبدیل میکند، و اما درباره کشفیات جدیدمانند پیوند قلب و کلیه که ناگهان مسائل اخلاقی و اجتماعی تازه‌ای مطرح میسازد بی آنکه قبلاً درباره آنها فکر شده باشد. تکنیک‌های پیوند اعضا و جوارح بقدری ساده و آسان خواهد شد که میتوان رئیس قبیله ایرادر افریقا در نظر مجسم نمود که به بیماری قلبی دچار شده و بلافاصله همسایه‌اش را بقتل میرساند برای اینکه قلب تازه و گرم برای جراح تهیه کند. در امریکا هنوز کلیه مصنوعی بسیار معدود است و در هر بیمارستانی کمیته‌ای از پزشکان در این باره نظر میدهند این کمیته افرادی را بمرگ محکوم میکند تا افراد دیگری را نجات دهد. همین روش در مورد قلبهای حاضر و آماده بکار خواهد رفت.

اخبر این‌شکلی بمحاکمه دعوت شده بود دادگاه میخواست، در باره عمل پزشک، قضاوت کند. این پزشک فقط یک کلیه در اختیار داشت ولی در مقابل دو بیمار قرار گرفته بود که یکی مهندس و دیگری کشاورز بود. هر دو بیمار وضع مشابهی داشتند و هر دو کلیه آنها بکلی خراب بود. هر دو احتیاج به این کلیه داشتند تا از مرگ مسلم نجات یابند و پزشک فقط یک نفر از ایشان را میتوانست نجات دهد. او تصمیم خود را گرفت و کشاورز را از مرگ نجات داد و مهندس را بحال خود رها کرد تا جان سپرد. وقتی در برابر سؤال رئیس دادگاه قرار گرفت که: «ضابطه شمارد انتخاب یکی و محروم کردن دیگری چه بود؟» در جواب گفته بود: «چون کشاورز دارای بیمه عمر نبود»

دنیای دگر

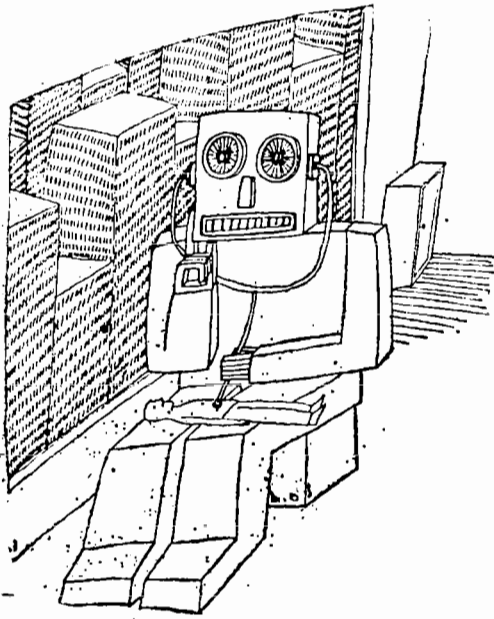
و بیج و مهره

و کلید

و بریز

و سوج

و بدال



مختصات مخصوص بخود. و اما اینکه پرسیدید آیا از نظر سیاسی وحدت پیدا خواهد کرد؟ باید در جواب بگویم که در حال حاضر هم بعلمت عدم فشار خارجی سالهای زیادی راز کف داده است. مسلم است که هرگاه اتحاد شوروی، روی آلمان غربی فشاری وارد آورد و یا کوچکترین اقدامی علیه آن کشور کند، تمام اروپا احساس وحدت سیاسی خواهد کرد.

ولی من انتظار فشاری از این نوع ندارم. امروزه وضع در اروپا رضایت بخش است. شما در اروپا عظمت و بزرگی ندارید ولی راحتی و باصطلاح امروزی «کونفور» دارید و این مسئله بسیار مهم است که انسان راحتی یا «کونفور» داشته باشد. اروپا از نظر اقتصادی قابل زندگی است در آنجا دیگر کسی برای تجارت، احتیاج به یک ارتش ندارد و به کشتی هم نیازمند نیست. البته از نظر تکنولوژی فاصله امروزی که بین اروپا و ایالات متحده و یا بین اروپا و ژاپن وجود دارد، باقی خواهد ماند و اروپا این فاصله را تا پایان قرن پرنخواهد کرد. در آمریکا برای یک زندگی مطبوع و دلخواه باید بسختی کار کرد. در ژاپن برای ادامه حیات باید بشدت فعالیت نمود ولی در اروپا وقتی شما بلند پرواز نباشید چه کسی شمارا مجبور به کار کردن میکند؟

ز این در عرض دهسال از ایتالیا جلو افتاد و تا دهسال دیگر هم از فرانسه و آلمان و تا بیست سال دیگر از تمام اروپا قویتر خواهد شد لیکن اروپا در سال ۲۰۰۰ نقش اقتصادی مهمی که اهمیت آن بمراتب بیش از امروز است، بازی خواهد کرد و البته این بشرطی است که در سیاست همچنان وزنه کوچکی باقی بماند. دنیا در سال

ولی مهندس لااقل یک بیمه عمر خریده بود و پس از مرگش، بازماندگانش میتوانند از بیمه عمر او استفاده کنند و حال آنکه بازماندگان مرد کشاورز، به عسرت و فاقه میافتادند به همین دلیل کشاورز رانجات دادم.» در آینده هر روز با این گونه مسائل و مشکلات مواجه خواهیم بود. آیا عمر دراز برای کسیکه اعضا مصنوعی در بدن دارد، چه معنی خواهد داشت؟

مردی را که ماشین الکترونیکی بجای مغز در کله‌اش نهاده‌اند، و یا کلیه‌های مصنوعی دارد، چگونه میتوان توجیه و توصیف نمود آیا این موجود یک آدم است یا یک آدمک مصنوعی؟

خبرنگار: در زمینه ارتباطات چه تغییراتی، تا سال ۲۰۰۰ رخ خواهد داد؟

کاهن - حمل و نقل هوایی ارزانتر خواهد شد. با دو بیست دلار میتوان دور دنیا را گشت، بلیط مسافرت رفت و برگشت امریکا به اروپا تقریباً صد دلار خواهد شد. مردم یک خانه مسکونی در اروپا و یک خانه مسکونی در امریکا خواهند داشت و تعطیلات آخر هفته را در اروپا خواهند گذرانید و هر هفته به اروپا رفت و آمد خواهند کرد. نه فقط جمعیت دنیا خیلی زیاد خواهد شد بلکه بر تعداد اغنیساو ثروتمندان روز بروز افزوده میگردد؛ این عده بیش از پیش احتیاج به جاومحل خواهند داشت.

خبرنگار: آیا اروپا وحدت سیاسی پیدا خواهد کرد؟ و آیا جامعه‌ای مافوق صنعتی خواهد شد؟

کاهن - بلی، اروپا در اواخر قرن یک جامعه مافوق صنعتی خواهد شد ولی با

۲۰۰۰ داری ثبات است شما می‌توانید بدخواه خود تفریح کنید، بازی کنید، سرگرم شوید...
خبر نگار: ممکن است وضع زندگی رادر جامعه مافوق صنعتی سال ۲۰۰۰ تشریح کنید؟

کاهن- بنظر من وقتی در آمد سرانه به سالی دو بیست دلار برسد، آن جامعه ماقبل صنعتی است و درآمد سرانه سالی پانصد تا هزار دلار در قرن صنعتی است و درآمد پنجهزار تا بیست هزار دلار سالانه مربوط به جامعه مافوق صنعتی است و افراد چنین جامعه‌ای از چنان درآمدی برخوردار خواهند بود. حالا با این مقدمه، بسیاری از مسائل روشن میشود و مشکل اقتصادی دیگری عرض وجود میکند زیرا وقتی درآمد سرانه مافوق پنجهزار دلار باشد مردم بقدر کافی پول خواهند داشت که دنبال هیچ کاری نروند ارزش کار که از سال ۱۹۲۹ روه سقوط نهاده همچنان رو به ضعف و کاهش است. در یک خانواده فقط یک نفر کار خواهد کرد و اینهم تازه موقی است که به پول احتیاج داشته باشد در سال ۲۰۰۰ مردم سه ماه از سال را به تعطیلات خواهند رفت و خواهند دانست که اوقات بیکاری را چگونه بگذرانند طبعاً این امر، عکس العملی مانند آنچه که امروز بنام «هیپی» مشاهده میکنید، ایجاد خواهد کرد. بهترین مثال در این مورد، کشورهای یونان و رم است در اینجا هم فلسفه‌های تازه‌ای با افرادی که خوشگذرانان «دم غنیمت است» را سرلوحه زندگی قرار خواهند داد، پدیدار خواهند شد مردمی که ترجیح میدهند در باغچه خانه خود به درختکاری پردازند تا به زندگی اجتماعی، در مردم شوق و عشق بزنگی اجتماعی و جاه طلبی کشته میشود.

خبر نگار: از یکطرف شما پیش بینی میکنید که در سال ۲۰۰۰ تنوع ذوق و سلیقه روش زندگی، عادات و آداب و در یک کلمه آزادی فردی، جداگانه خواهد رسید از طرف دیگر از کنترل دولت در زندگی خصوصی و محدود کردن آزادیها هراسناکید. این دو نکته را چگونه با هم وفق میدهید؟

کاهن- شاید این دو نکته قابل تلفیق نباشند. من پیش بینی میکنم که مردم در تمام کشورها، از صنعت گریزان خواهند بود و صنعت را که کلید دو قرن اخیر بوده بدور خواهند افکند در کشورهای توسعه نیافته خواهند گفت: «آهسته. آهسته! چه عجله‌ای است! ما که عجله نداریم» در ایالات متحده ارزش شغل و کار، بنفع ارزشهای فردی سقوط خواهد کرد. ولی تمام اینها مویب آن نیست که دولت، حاضر بشود قدرت کنترل خود را محدود نماید. زیر این قدرت بر اثر پیش رفتهای

تکنولوژیکی، فوق‌العاده وحشتناک خواهد شد

خبر نگار: مگر شما به ترقی و پیشرفت انسانی عقیده ندارید؟ آیا فکر نمیکنید که پیشرفت و اکتشافی، باعث بهبود و اصلاح بشر خواهد شد و او را باهوشتر، روشنفکرتر و برای حل مشکلات، لایقتر و ماهرتر خواهد ساخت؟

کاهن- چه عرض کنم. نمیدانم زیرا این موضوع مسلم نیست و من به ترقی و پیشرفت تاریخی معتقد نیستم. □

آیا جای داری بیماری قلبی و تصلب شرایین است؟

در دنیا هیچ ملتی بقدر مردم چین، جای مصرف نمی‌کنند. طبق مطالعاتی که بعمل آمده، معلوم شده چینی‌ها بندرت به بیماری قلب و شرایین مبتلا میشوند. از این رو تصور می‌شود که جای دارای فعل و انفعالات درمانی است و جلوگیری از بسیاری بیماریهای عروق قلبی در اشخاص پنجاه ساله‌ها و پنجاه بی‌الا میکند در حقیقت بمنزله واکسنی علیه بیماریهای قلبی است، این فرضیه با یک سلسله آزمایشهایی که روی خرگوش بعمل آمده، مورد تأیید قرار گرفته است. لیکن هنوز نمیدانند کدامیک از مواد موجود در جای دارای چنین خاصیتی است. □

ماجرای حیرت انگیز موتوسیکلت!

بازار فروش موتوسیکلت در کشورهای نسبتاً فقیر مانند اسپانیا برحسب معمول بسیار گرم است و این وسیله نقلیه در اینگونه کشورها رواج عمده‌ای دارد لیکن همین که سطح زندگی بالا رود و کشورها از حال فقر بیرون آیند (مانند آلمان غربی و فرانسه) موتوسیکلت فوراً جای خود را به اتومبیل می‌دهد و مردم بجای موتورسواری از اتومبیل استفاده میکنند.

اما در این دو سه سال اخیر معلوم شده که وقتی سطح زندگی بالا برود و باز هم بر درآمد مردم افزوده شود، دوباره بسراغ موتوسیکلت می‌روند اما این بار نه بعنوان وسیله نقلیه بلکه بعنوان وسیله تجملی و «لوکس» و این حقیقتی است که در سه سال اخیر در ایالات متحده رخ داده و روز بروز بر تعداد علاقه‌مندان موتوسیکلت در این کشور افزوده می‌شود و جوانان با وجود داشتن اتومبیل، بیشتر

از موتوسیکلت استفاده میکنند و آنرا بعنوان یک وسیله تفننی بکار می‌برند. بهمین دلیل اینک سازندگان موتوسیکلت در دنیا بر قابلیت بایکدیگر بر خاسته اند و از این با ساختن موتوسیکلت‌های «سوزوکی» و «هوندا» و صدور آن بازارهای جهان بررقیابی انگلیسی و ایتالیایی و حتی امریکائی خود پیروز شده است □

گرما در سبیری

بظاهر دیگر مردم شهرهای سبیری از سرما در مضیقه نخواهند بود زیرا زمین-شناسان شوروی هنگامی که ب جستجوی نفت مشغول بودند در غرب سبیری در عمق دو کیلو متری زمین به دریای بزرگی به بزرگی دریای مدیترانه برخورد کرده اند که آب سطح آن ۴۰ تا ۶۰ درجه سانتی‌گراد و آب عمق آن ۱۶۰ درجه سانتی‌گراد حرارت دارد.

این دریای زیر زمینی که از مدیترانه هم بزرگتر است از کوههای اورال تا کوههای سایان از استپهای قرقیزستان تا دایره قطبی گسترده شده است و خبرگزاری تاس این خبر را بتفصیل انتشار داده است، طبق نظر کارشناسان شوروی در فرضیه درباره این اقیانوس زیر زمینی وجود دارد، یک دسته معتقدند که آب آن از دریاهای قدیمی است که هرگز به سطح زمین نرسیده است و دسته دیگر معتقدند که این آب زیر زمینی از انرژی حاصله موقع تشکیل کوهها، گرم شده و چون منفذی بخارج نداشته، بهمان حرارت روز اول باقی مانده است اینک قرار است از این آب جوشان برای گرم کردن شهرهای شوروی و همچنین برای تهیه نیروی برق استفاده کامل بعمل بیاید همچنین املاح معدنی فراوان آن برای امراض جلدی بسیار مفید است و در «تلسبک» مشغول ساختمان یک کارخانه استخراج ید هستند تا ید موجود در این آبها را استخراج کنند، □

خطرات هواپیما و اتومبیل

در سال ۱۹۴۵ که هنوز جت و بوئینگ ساخته نشده بود، میزان تلفات هواپیما ۳ درصد بود یعنی بطور متوسط از هر صد مسافر سه نفر دچار حادثه میشدند در سال ۱۹۵۰ این رقم به ۴ درصد و در سال ۱۹۶۵ به یک در ۲۷۰ هزار نفر رسید. و اما حوادث اتومبیل، در کشور فرانسه به تنهایی در سال ۱۹۶۶ تعداد ۱۲۱۵۸ نفر در حادثه رانندگی کشته شده و ۲۰۹۲۰۹ نفر مجروح گشته‌اند. □

مسئله جوانان

جوانان کیستند

و چه میخواهند ؟

یکسال و نیم پیش «فرانسوا میسوف» وزیر «امور جوانان» در کابینه فرانسه برای پاسخ باین دو سؤال از کلیه جوانان کشور دعوت کرد که باین سئوالات پاسخ گویند و یکسال بعد، پس از مطالعات کافی که روی پاسخهای ارسالی بعمل آورده بود، گزارش جامعی در پانصد صفحه مشتمل بر هشت فصل، تهیه نمود که در پارلمان آن کشور سروصدای فراوانی بپا کرد و چندین جلسه مورد گفتگو و جروبخت نمایندگان قرار گرفت.

هدف اولیه وزیر بدست آوردن مدارک حقیقی بود که متکی به نیازمندیهای واقعی جوانان باشد و برای اینکار بهترین راه را در مراجعه مستقیم به فرد فرد جوانان تشخیص داد و اکتفا به پاسخ های نمایندگان جوانان که معمولاً افراد سالمندی هستند، نکرد. زیرا او مدعی است که جوانان در کارهایی که نمایندگان برای ایشان انجام میدهند، خود را شریک و دخیل نمیدانند و میگویند: «رهبران نهضت جوانان هرگز دارای روحیه و طرز تفکر جوانان نیستند زیرا اکثر قریب باتفاق ایشان را بزرگ سالان و سالمندان تشکیل میدهند. بنا بر این هشتاد درصد جوانان بهیچیک از سازمانهای جوانان تعلق ندارند»

موضوعاتی را که «فرانسوا میسوف» در برگ سئوالات برای جوانان مطرح کرده بود، بسیار متنوع بوده و عموماً مربوط به تعلیم و ترتیب، اوقات بیکاری، اطلاعات حرفه ای، تجهیزات ورزشی و اجتماعی و فرهنگی، زندگی دسته جمعی... و بسیاری مسائل دیگر بود و ضمناً جوانان ذیعلاقه آزاد بودند که هر مسئله دیگری بنظرشان لازم و مفید می رسید، مطرح نموده و بآن جواب گویند. طبیعی است، چنین مراجعه مستقیم بملت سروصدا و خصوصتهای فراوانی ببار می آورد، در این قبیل موارد، عوامن بیان با بیدان میگذارد و برای اغفال و فریب جوانان از هیچگونه عملی خوداری نمیکنند.

طرح سئوالات از طرف وزیر نامبرده و دعوت مستقیم از تمام جوانان نیز همین نتیجه را ببار آورد؛ از سازمانهای جوانان سیل مخالفت و اعتراض بطرف وزارت جوانان سرازیر گشت. حتی ضد دولتیها و افراد مخالف با دولت موقع رامتن شمرده و در مقابل سئوالاتی که «فرانسوا میسوف» طرح کرده بود، یک سلسله «سئوالات متقابل» طرح و منتشر نمودند. کارشناسان مسائل اجتماعی بنحوه عمل «فرانسوا میسوف» عقیده نداشتند

و حتی در هیئت دولت بیم آن میرفت که چنین روش تحقیقاتی، عاری از خواص علمی بوده و ممکن است پاسخهای رسیده «دفتر شکایات» واقعی نباشد در آغاز امر، از صدهزار پرسشنامه ای که برای جوانان فرستاده شده بود بیش از هفت هزار پاسخ نرسیده بود و هیچکس شور و علاقه ای برای پاسخگویی به سئوالات طرح شده نداشت ولی بعداً بر اثر تبلیغات و سروصدائی که در این زمینه براه افتاد مرتباً پاسخهای تازه ای هر روز بدفتر وزارت جوانان میرسد که عیناً در اختیار هیئتی از کارشناسان مسائل جوانان و جامعه شناسان و اعضاء عالی رتبه آن وزارتخانه تحت رهبری و مدیریت «رنه های» معاون آن وزارتخانه که مامور بررسی پاسخهای واصله بودند، قرار گرفت.

پس از آنکه هیئت مزبور پاسخهای واصله را تنظیم و طبقه بندی نمود و پس از آنکه موسسه «ایفوب» به آراء عمومی مراجعه نمود، جدولی تنظیم کردند که تا امروز مورد مطالعه قرار دارد.

در پاسخهای رسیده بعضی از مسائل که برای جوانان بیشتر واجد اهمیت بود مسئله شغل، مشکلات مسکن، بعد مسافت، غیر قابل انطباق بودن تعلیم و تربیت و فقر تجهیزات فرهنگی بود.

در گزارش پانصد صفحه ای جوانان چنین نوشته شده است:

«تمدن امروزی به جوانان حق بیشتری میدهد که در جامعه بزرگسالان شرکت و دخالت کنند، توسعه وسائل ارتباط باز شدن درهای دنیا، طرق جدید زندگی و شاید هم تغییر شکل فیزیولوژیکی سبب شده است که جوانان به سوی «پختگی و پیری» سریعتر گام بردارند و در همین جوانی «پیر» گردند که این خود توقعاتشان را از جامعه بیشتر نموده است. چنین بنظر میرسد که جوانان، برای بیرون آمدن از گمنامی و کسب شهرت، تنها بهمین وسیله متشبث میشوند و با انتظار بیشتری که از جامعه خود دارند، میخواهند خود را از گمنامی بیرون بیاورند. منابع مالی آنان برای اقتناع و ارضاء هزاران تمایلات گوناگون نشان کافی نیست و همین عدم تکافؤ، آنانرا در قید عدم استقلال اقتصادی نگاه داشته است؛ از طول دوران تحصیلی احساس عدم استقلال فکری میکنند؛ خانواده که امروزه بیش از گذشته متفرق و پراکنده است، نقش «میز آرایش» جامعه را کمتر از سابق بازی میکند این گزارش تحقیقی پانصد صفحه ای فقط اکتفا به تشریح مشکلات جوانان نکرده است «فرانسوا میسوف» صریحاً معتقد است که کلید این مشکلات در دست سایر وزیران کابینه از

جمله وزیر آموزش و پرورش، وزیر جنگ، وزیر تدارکات و وزیر امور اجتماعی است و گفته بود:

«یکی از کارهای مهم من در پارلمان و هیئت دولت این است که بعنوان وکیل مدافع جوانان سینه سپر کرده و بحمايت و دفاع از ایشان برخیزم.

و در هیئت دولت بانقشی که بمعهده دارم، مسئولیت بسیار سنگینی بر دوشم نهاده شده است.»

گزارش مزبور بطور کلی مشتمل بر هشت فصل مختلف است که عبارتند از:

- ۱- موضوعهای اقتصادی و آمار.
- ۲- روانشناسی شخصیت جوان
- ۳- عادات و رفتار اجتماعی، روابط جوانان با همدیگر، روابط جوانان با بزرگان سالان.
- ۴- تشکیلات مدرسه ای و حرفه ای.
- ۵- جوانان کارگر.
- ۶- چگونگی گذراندن ساعات بیکاری.
- ۷- جوانان بعنوان اتباع دولت و شهر نشینان؛ زندگی اجتماعی، خدمت نظام.
- ۸- جوانان منحرف

و بالاخره در نتیجه گیری که از آن بعمل آورده سهم دولت، سهم اجتماع، سهم خانواده و بالاخره سهم خود جوانان را در حل مشکلات ایشان بتفصیل و تشریح نموده و یادآور شده است که تا روزیکه جوانان خود برای از بین بردن مشکلات خود برنخیزند، تا روزیکه از مواجهه با مشکلات هراسنا کنند، و بالاخره تا روزیکه خود پیشقدم نشوند و سهم خود را ادا نکنند، نباید از سه عامل اصلی دیگر یعنی دولت و جامعه و خانواده انتظار داشته باشند که به خاطر رفع مشکلات ایشان اقدام موثری بعمل آورند.



جایزه پزشکی سرطان

جایزه پزشکی «اسک» که مخصوص سرطان و به ارزش ده هزار فرانک است. امسال نصیب یک دختر هندی بنام «موهرو منول» گردید. این دختر جوان در دانشگاه بمبئی مشغول تحقیق و تجسس درباره سرطان است.

۱

انجمن مطبوعات هم‌چنان از جمله اخبار دست اول دنیای مطبوعات است، تشکیل انجمن مطبوعات بصورتی که گفتیم امیدهایی را بوجود آورده است که این بار دیگر آزمایش این‌شان بر پایه اصولی مستحکم گردد که احتمالاً بر خوردهای بعدی نتواند موجبات متلاشی شدن مجدد آنرا فراهم سازد. باید قبول کرد که در جامعه مطبوعات همیشه برخوردی است منتها وجود این انجمن اگر بدور از هرگونه دسته بندی صورت گیرد خود میتواند، یک مرجع همیشگی برای رسیدگی باین برخوردها باشد. بطور قطع همه اربابان مطبوعات نمی‌توانند در تمام مسائل باینکدیگر توافق داشته باشند ولی اگر انجمن مطبوعات بوجود آید میتواند لاقلاً بین آنان تفاهم بوجود آورد و همین تفاهم خود عامل بسیار موثری در کار مطبوعات است.

بوجود آمدن چنین انجمنی آنهم با حق رای قاطع و نافذ جز آنکه واقعا همه‌ی مطبوعات لزوم آنرا احساس کنند و بوجود آمدن آن صحنه بگذارند امکان پذیر نیست و کوششی که این روزها از جانب صاحبان روزنامه‌ها و مجلات میشود تنها در این طریق است حال تا چه حد این کوششها به نتیجه مطلوب برسد صددرد بدست خود مطبوعات است

درباره نحوه تلقی دولت که بعضی مطبوعات آنها بدنبال دانستن آن هستند باید گفت دولت از تشکیل انجمن مطبوعات ضرری نمی‌بیند و باز این جامعه مطبوعات است که باید آنچنان انجمنی تشکیل دهد که دولت نیز بوجود آید آن‌گردد بگذارد؛ انجمنی سالم، پخته و کار آمد بدور از همه‌ی دسته‌بندیها و صف‌سازی‌ها.

۲

فته‌نامه تازه‌ای که انتشار یافته است «هفتگی وحید» نام دارد با این نام قبلاً ماهنامه‌ای منتشر می‌شد و اکنون هفته‌نامه‌ای نیز بآن اضافه شده است و حید هفته‌نامه کوچکی است در قطع مجلات و باهشت صفحه که صرفاً به مسائل ادبی و اجتماعی می‌پردازد ولی چون امتیاز آن بنام آقای وحید نیاست که گویا

وکالت یکی از شهرستانهای تابعه اصفهان را نیز دارند در همان قالب ادبی و اجتماعی از رجال دست اندرکار اصفهان نیز یادی دارد. هفتگی وحید مانند ماهنامه آن کاملاً در چهارچوب انجمن‌های ادبی و اشعار کهن سرایان عصر حاضر محاصره شده است و سر سخنان سردشمنی باشعرو دارد و همچنان به نقل شوخی‌های فرات و فی‌البداهه سرائی‌های ایشان مشغول است.

در بیان مخالفت با شعر نو ترکیب‌بندی دارد که هر شماره چاپ می‌کند ترکیب‌بند مذکور چنان موهن سروده شده است که اگر حاوی مضمون جالبی هم برای شعر نو باشد از درجه اعتبار می‌افتد بخصوص که موج شعر نو اکنون زمانی است که از سر زمان گذشته است (البته آن مقدار شعر نو که حرفی دارد و سخنی نه هر هذیان مقطع و دور از احساس)، ترکیب‌بند وحید در باره شعر نو با این دو بیت آغاز شده است:

خیزید و چرس و بنک فراوان بیاورید
می‌بیشتر از آنچه که بتوان بیاورید
جامی سه‌چار باده مرد آزما که عقل
از سر برون برد بدو فنیجان بیاورید
بگذریم! در دو شماره اخیر هفتگی وحید مقالات آقایان پارسا توپس کانی و حسین سعادت نوری جالب و خواندنی است

۳

حیث از هفته‌نامه طرفدار شعر و ادب قدیم و کهن سرایان شد بیاد دفتر تازه‌ای افتادم از روزن... روزن نام یک موسسه چاپ و نشر کتاب است و چنانچه در چند سال اخیر مد شده است هر موسسه‌ای یک دفتر یا جنگ و یا نشریه‌ای بظاها برای نقد کتاب و در باطن برای پر کردن خلاء یک ماهنامه سنگین منتشر می‌سازد روزن نیز دست بنقد چنین مجموعه‌ای آراسته و منتشر کرده است موسسه روزن را آقای ابراهیم گلستان بر اه انداخته و مجله آن نیز با داستانی از ایشان شروع میشود.

از جمله شعرائی که در روزن شعر دارند چند نام بود که معروف‌ترین آنها آقایان شاملو ویدالله رویائی بودند از آقای رویائی در دفتر روزن سه شعر بود بیک نام، «دلتنگی» که گویا کتابی هم باین نام دارند و بزودی «دلتنگی‌ها» در یک مجموعه چاپ میشود. آقای رویائی از اجله نوپردازان هستند و من هر وقت اشعار ایشان را می‌خوانم بیاد حرف دکتر صورتگر می‌افتم که چند سال پیش در

مناظره‌ای از شعرای کهن سرا و نوپرداز رویائی شعر نوی رامی خواند و کتر صورتگر بعد پشت تریبون می‌رود و میگوید تا امروز من به حافظه خود خیلی می‌نازیدم زیرا میتوانستم بکمک وزن و قافیه اشعاری را حفظ کنم اما امروز که آقای رویائی شعر نوی را از حفظ خواندند بایشان ایواله آوردم، زیرا حفظ کردن یک مقدار لذت واقعا کاری است که از دست همه کس ساخته نیست..

یکی از این دلتنگی‌های آقای رویائی را برایتان نقل می‌کنم:

در گفتگوی ما
چشمان تو گوهستانی است
وقتی که بوسه‌های تو نما می‌بخشد
وقتی که بوسه‌های ما نما می‌گیرد
چشمان تو روح‌هندسی‌شانرا
در گوهستان پنهان می‌سازند
چشمان تو روح‌هندسی دارند
وقتی که چشمان تو گوهستانی است
و بوسه که از کنار دست چپ تو می‌افتد
می‌افتد در دهان راست من

که البته دلیل نفهمیدن و عدم درک این شعر فقط و فقط بخاطر جمود فکری است که گریبانگیر بنده و آن عده از خوانندگان که نمی‌فهمند (غیر از آنها که نمی‌فهمند ولی نمی‌گویند) شده است!

چند بنده تکلیف خود را نمیدانم، نه از آن شعرا سازیهای هفتگی و حید لذت می‌برم نه از این نوپردازی بعضی از فحول نوپردازان. حالا این برزخ که مادر آن گرفتار شده‌ایم کجای کار است باز هم نمیدانم!

۴

جدال تازه مطبوعاتی را مثل اینکه آقای دکتر محمدعلی معتمد شروع کرده‌اند، ایشان جوابی دادند بماجراهای مطبوعاتی و برخوردی‌هایی که قبلاً وجود داشت این مقاله آقای دکتر معتمد در هفته‌نامه دیپلمات چاپ شد. مقاله ظاهراً در دفاع از مطبوعات بود ولی باطناً طبق معمول مقالات دو سه سال اخیر آقای دکتر معتمد حاوی حملاتی به پزیشان و دکترها بود که در راس آنها پروفیسور عدل است و ماجرای زخم‌بندی فرزند نا کام دکتر معتمد.

این مقاله بر مهر ایران «ناشر افکار حزب مردم» گران آمد زیرا هر چه باشد پروفیسور عدل دبیر کل حزب است و بخاطر پیوندهای حزبی باید شئون طبیبی ایشان هم از گزند حوادث و حملات مصون بماند. مهر ایران حمله‌دکتر معتمد را ناشی از تحریکات سر لشکر خسرو انسی رئیس تربیت

کارهای درمانی و بهداشتی

بهداشتی کشور است و منظور آن مشاورت در امور بهداشتی و درمانی است.

* بیمارستان مهر نیز که از سالها پیش فعالیت دارد، نظام سازمانی خود را بصورت شرکت سهامی بیرون آورده و بمنظور ادامه توسعه بیمارستان مهر - تأسیس ساختمان و ایجاد هر بیمارستان دیگر و ایجاد قسمت های مختلف کلنیکی و بیمارستانی و ایجاد و اداره آموزش های بهیاری و پرستاری تشکیل شرکت داده است. مؤسسين این شرکت عبارتند از تیمسار سپهبد دکتر عبدالکریم ایادی - دکتر کمال الدین آرمن - دکتر سید مهدی امیر موحدی بر و جردی - دکتر نصرت اله باستان - دکتر عبدالله حبیبی گلپایگانی دکتر محمدعلی صدر - میری صدر - حسن صدر رضا صدر و بهمن صدر.

مشکل نام

بطور کلی این روزها اداره ثبت شرکت ها یکی از شلوغ ترین ادارات دولتی است، یکی از همکاران مطبوعاتی اشاره ای به این وضع کرده بود که در اداره ثبت شرکت ها نام تازه و ثبت نداده خریدار دارد و حقیقت هم همین است زیرا ثبت شرکت ها نمی تواند یک نام را برای هر رشته ای که ثبت داده باشند. به شرکت یا مؤسسه دیگری بدهد و باین کثرت

تا لبین تأسیس شرکت های مختلف آن چیز که کمیاب است اسم تازه و در عین حال جالب است و در بعضی موارد اگر از «جالب» بودن هم صرف نظر شود باز خود اسم وجود ندارد و بدین خاطر بعضی مؤسسات ناچار متوسل به اسمهای ساختگی میشوند.

یکی از این مراجعین میگفت من باده نام خوب که بکمک کتاب لغت گردآوری کرده بودم به ثبت شرکتها رفتم و سرانجام با هزاران زحمت بانام «بوگند» که البته جزو نامهای انتخابی من نبود موافقت کردیم تازه فردای آنروز معلوم شد که چون «بوگند» مرادف و مانند «بوگند» است و باین نام شرکتی داریم «بوگند» هم بما نمیرسد و البته چه بهتر که نرسید!

آقای دیگری میگفت نام «پرگار» را خواستم برای شرکت ساختمانی ثبت بدهم معلوم شد شرکتی بنام «پرگار» داریم و بنا بر این پرگار که نامی مناسب با کارهای ساختمانی است بمناسبت «پرگار» که خبر از خوشبینی مفرط مؤسسين آن میدهد برای همیشه مهذوب - و رالدم و غیر قابل ثبت است، این آقای مراجع ثبت شرکتها تعدادی از اشکال کار این اداره را مربوط بوجود نامهای مرادف و مشابهی دانست.

ولی علیرغم این اشکالات کار ثبت شرکت هم چنان باجدیت ادامه دارد و روزی نیست که چند و چندین شرکت به ثبت نرسد.

فصل چهاردهم صورت اعتبارات عمرانی برنامه چهارم کشور اختصاص به بهداشت و بهداری دارد، در پیش بینی مبلغ سیزده میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون ریالی که باید در امر بهداشت و بهداری خرج شود برای پنج مورد در نظر گرفته شده است: خدمات بهداشتی - خدمات درمانی - خدمات مختلف درمانی و بهداشتی - آموزش و تحقیقات.

بایک نگاه اجمالی بصورت این اعتبارات مبلغ سیزده میلیارد ریال جمماً اختصاص به سه مورد خدمات بهداشتی - خدمات درمانی و خدمات مختلف درمانی و بهداشتی دارد و بدین خاطر توجه بایجاد بیمارستان و اشتغال در رشته خدمات بهداشتی و درمانی مورد توجه قرار گرفته است بخصوص که در هفته گذشته آقای مهندس اصفیا مدیر عامل سازمان برنامه در سخنرانی خود در تالار بانک مرکزی ایران نیز باین نکته اشاره کرد.

مهندس اصفیا گفت در برنامه چهارم به پزشکان وام میدهم تا بیمارستان بسازند و بعد از طریق معرفی بیمار با آنها وام رامستهلك می کنیم.

و بدیهی است که این خود موقعیتی است تا پزشکان بدنبال ایجاد تأسیسات درمانی و بهداشتی بروند - اخیراً سه شرکت باین منظور تأسیس شده است.

* یازده نفر آقایان دکتر حسن هاشمیان دکتر عبدالله مرتضوی - دکتر ابراهیم سمیعی دکتر عبدالله علیخانی - دکتر هادی مؤدب میر فخرائی - دکتر هویک گیورگیان - دکتر دینیارفرین - دکتر پرویز سوری - دکتر تقی منتخب - دکتر حسن فاتح - دکتر حسین رحمتیان شرکتی تشکیل داده اند بنام **شرکت بیمارستان جم**.

موضوع این شرکت بصورتی که در اساس نامه آن آمده است عبارت است از تأسیس بیمارستان و مرکز تحقیقات پزشکی و ایجاد آموزشگاههای بهیاری و درمان بیماران.

این یازده نفر دکتر اکثرأ از پزشکان معروف تهران هستند و در حال حاضر بیشتر با بیمارستان مهر کار می کنند و بدیهی است وقتی بیمارستانی مال خودشان داشتند میتوانند مرضی های خود را باین بیمارستان معرفی نمایند و بعلاوه موضوعی نیز که برای تأسیس شرکت خود در نظر گرفته اند موضوعی است که با تمام مواد بودجه اعتباری برنامه چهارم در فصل بهداشت و بهداری تطبیق دارد...

* شرکت بهداشتی دیگر را آقایان فرامرز دیبا - دکتر صادق قاضی - دکتر حسن بشر و دکتر هوشنگ معین الملکی تشکیل داده اند و نام شرکت، شرکت سهامی مشاور

بدنی دانسته و یک جا با وودکتر سیف الدین نبوی که او هم جزه وای انتشار داده و به پرسور عدل حملاتی کرده بود جواب داده و سر مقاله ای بود. مهر ایران در مقام دفاع از پرسور عدل دکتر نبوی را دامپزشک نامیده و مقاله دکتر معتمد را چنین توجیه کرده است: «عامل محرك دیگری که تازه بر منصب ریاستی تکیه زده و ادعا دارد که گردانندگان سابق سازمان او، لاشخور و ارجنگال تیز خود را در مردار فرو می بردند، احساسات پدری فرزند از دست داده را تحریک می کند تا علیه شخصیتی که واقماً مورد احترام جامعه است و مراتب شاه دوستی و فضل و شرافت و عزت نفس او بر همگان ثابت است مقاله ای بنویسد.»

روزنامه تاج که متعلق بسرشکر خسروانی است در شماره اخیر خود باین مقاله مهر - ایران جواب داد و ضمن شکافتن قضیه و دفاع از دکتر سیف الدین نبوی و دکتر معتمد حمله به خسروانی را «پورش ناگهانی به سربازی که در سخت ترین شرایط حیاتی ایران مردانه جان بر کف نهاده» دانست.

جالب اینجاست مقاله اصلی دکتر معتمد که این جدال تازه مطبوعاتی را ساز کرده است همانطور که گفته شد برای پایان دعوی قبلی مطبوعات نوشته شده بود و دکتر معتمد چنین صلاح اندیشی کرده بود که: «در حال حاضر جرائد وظیفه بزرگتری دارند و با تمام ضغنی که طی سالهای متمادی عمدأ دولت ها برای مطبوعات ایجاد کرده اند باز اگر حساب کنیم آنها با افساء حقایق خدمات بسیار کرده اند و اکنون نیز وظایف خطیری بعهده دارند و درست نیست که بدخواه دیگران یکدیگر را هدف قرار دهند...!»

۵۱

آخرین مطلب اینکه یکی دو سالی است در شهرستانها نیز موج تازه ای براه افتاده است و نویسندگان و شعرا موبطن و مولد خود را نیز بهانه ای برای عرضه کار تازه ای قرار داده اند و جنگ ها و ماهنامه هاست که منتشر میشود و بدنبال جنگ اصفهان و بازار (ماهنامه مخصوص گیلان) و چند ماهانه و نشریه دیگر شهرستانها جنگ مازندران نیز منتشر شد.

گردانندگان این جنگ ها اغلب جوانان وابسته بوجنو شمر و ادب هستند که بکار مجله نویسی بعنوان یک تفنن و نه حرفه علاقه مند هستند اما بخوبی از ابلاهی صفحات آن و بخصوص در «جنگ اصفهان» میتوان استعداد های شکوفا و درخشانی را شناخت که همکاری هر کدامشان برای مطبوعات حرفه ای نیز بطور قطع مغتنم خواهد بود. **ایرج نبوی**

شرکت‌های ساختمانی

* آقایان مهندس ادوارد آسپوریان - کوس شهبازیان و بهرام یوسفی شرکت ساختمانی «راکه» را با سرمایه یک میلیون ریال تشکیل داده‌اند. موضوع این شرکت «شهرسازی-لوله کشی و امثالهم» ذکر شده است.

* اربح نام یک شرکت ساختمانی دیگر است با مدیریت آقایان ارفع رفیعی - محمد حسینی و سید حجتی و سید علی اکبر، سرمایه این شرکت نیز که منظور از آنرا «انجام کلیه امور ساختمانی - راهسازی - اسفالت کاری - پل سازی و عقد هر گونه قرارداد با ادارات و وایرو مؤسسات دولتی» ذکر کرده اند یک میلیون ریال می باشد.

* اما شرکت سهامی ساختمانی آذر ۲۰ میلیون ریال سرمایه دارد و موضوع آن هم مفصل تر است و «کلیه امور ساختمانی و راه سازی - شبکه برق - آب رسانی - فاضل آب و سایر مؤسسات فلزی» ذکر شده، موسسین شرکت آقایان جلال الدین کسروی - مهندس محمود شاد - حسنعلی زندی - مهندس حسین خاتمی و مهندس هومن زندی هستند .

وچند شرکت متفرقه
* یک شرکت مطبوعاتی تشکیل شده است با مدیریت چند نام آشنا، آقایان نجف دریابندری - بهمن فرسی - علی اکبر صدر محلاتی ناصر فخار و محمد سلیمانی...

موضوع این شرکت «چاپ و انتشار و توزیع و فروش کتاب، مجله و خرید و فروش و تهیه کاغذ و وسایل چاپ و کلیشه و گراور سازی و صحافی و تهیه وسائل و لوازم صنعت چاپ مشارکت در تشکیل یا در عملیات سایر مؤسسات یا شرکت‌هایی که دارای هدف مشترک باشند» ذکر شده است، سرمایه آن هم دو میلیون ریال است .

تا آنجا که حافظه یاری میکند آقایان مؤسسين این شرکت مطبوعاتی در حال حاضر در مؤسسه فرانکلین سرگرم کار هستند .

* کانون آگهی زیبا نیز که از سالها پیش سرگرم کارهای تبلیغاتی است اخیراً بمنظور « امور تبلیغاتی و هر گونه معاملات مجاز بازرگانی» بصورت شرکت با مسئولیت محدود بیرون آمده و مؤسسين شرکت نیز آقا و خانم نعمتی هستند منتها با نام شناسنامه‌ای: «حمزه صمیمی نعمتی و بانو شمسای ایران معتمد مقدم»

□ دو شرکت حمل و نقل نیز اخیراً به ثبت داده شده است. شرکت سهامی ایران ترافیک؛ با مدیریت آقایان میرمسعود قرنی - محمد رضا صفاری و عزت‌الدقتری برای انجام کلیه عملیات مجاز صنعتی و تجارتي در امر رانندگی و عبور و مرور و برای وسائط نقلیه بهر شکل و صورت مخصوصاً کامک و تسهیل در امر مسافرت

جها نگردان .

□ شرکت دیگر حمل و نقل شرکت رویان تاکسی است با مدیریت آقایان عباس شریفی غلامعلی موسی‌خان و امیر هوشنگ نادری برای حمل و نقل مسافر و اشخاص با انواع ماشین نمره سفید و کرایه دادن اتومبیل باراننده و بدون راننده ...

کارهای معادن

* در رشته معادن نیز فعالیت‌های زیاد می‌شود ولی بطور کلی چون این خود کارفنی است و صاحبان این شغل به هم‌اران فوت و فن باید وارد باشند اغلب شرکت‌های تازه‌ای نیز که در این زمینه تشکیل میشود اثر انگشتی از سابقه دارهای کار معدن نیز در آن هست،

در کار معدن بیشتر تشکیل شرکت‌های مختلط مورد نظر است جناح داخلی کارهای اصلی آنچه را باید در کار داری انجام شود و بر اهمی کند و جناح خارجی باصل کار می‌پردازد از جمله شرکت‌های جدید التاسیس مختلط معدن شرکت سهامی صنایع مس کرمان است که از یکطرف آقایان محمدعلی مسعودی و برادران رضائی شریک هستند و از طرف دیگر ایرانین سلکشن تراست لیمیتد بنمایندگی آقای ریچارد دانیل پارسوزویازده نفر خارجی دیگر.. موضوع این شرکت ایجاد واحدهای تغلیظ و رسوب مواد معدنی و اکتشافات و استخراج سنگ معدن است با سرمایه دو میلیون ریال...

* شرکت معدنی دیگر، شرکت سهامی اکتشافات و استخراج پلمپ است بمنظور اقدام به کشف معادن و ایجاد تاسیسات بمنظور بهره برداری معادن و فروش و صدور محصولات معادن و تصدی کلیه اموری که مستقیم یا غیر مستقیم مربوط بموضوع شرکت باشد. مدیران این شرکت آقایان ایرج کسرائی عنایت‌الحریت و مهندس پرویز معتمد هستند.

شرکت‌های خارجی

* شرکت‌های خارجی نیز برای کار در ایران جلب شده‌اند، این شرکت‌ها غیر از شرکت‌های سرمایه‌گذار هستند و فقط بعنوان مقاطعه کار فعالیت می‌کنند. از جمله شرکت‌های جدید التاسیس این رشته شرکت سهامی دین اینتر نشنال است برای انواع بسته بندی و آماده کردن کار برای حمل نقل در داخل ایران و خارج، موسسین این شرکت، شرکت دین اینتر نشنال لیمیتد و آقایان ساموئل - ای ساکس - الکس چایل - دانا لالدیم پترز هستند.

* شرکت یوریس کوتر زانیک نیز که یک شرکت پانامائی است در ایران نیز به منظور مقاطعه کاری و امور ساختمانی و نصب و جوشکاری انواع لوله به ثبت داده شده است، این شرکت فقط یک نماینده در ایران دارد که آقای دکتر حسن ستوده است. □

هزار و یک مسئله

مقوله فرار مغزها!

این رسم از قدیم هست که هر چند گاه یکبار اصطلاح، یا موضوعی مدروز میشد و همه مردم میکوشیدند نیت خودشان را زیر لوای اصطلاح و موضوع روز پنهان کنند. و همانطور که میدانید، از آنجا که همه مردم، هنر مند و آرتیست خلق نشده‌اند، اغلب در پنهان کردن اندیشه و نیت خود ناشیکری نشان میدادند و برای مردم نکته بین و باهوش موضوع تفریح خاطر فراهم می‌آوردند. و این رسم و سنت تا امروز همچنان دست نخورده مانده است. با این تفاوت که چون مادر دوران تحول و گسترش و پیشرفت بسرمی‌بیم رسم و سنت هم مثل باقی امور، دستخوش تحول شده است و از شاخه‌های آن بجای یک گل، گلهای متعدد می‌روید. و ما بجای آنکه هر چند یکبار با اصطلاح و موضوع روز تازه رو برو باشیم، در آن واحد با چندین و چندین اصطلاح و موضوع روز طرف هستیم. و از آنجا که ضرورت اجتماعی است باید این اصطلاحات مدرن را بی کمترین تردید، تحویل بگیریم .

یکی از اصطلاحات، مدروز، «فرار مغزها» است که روزا ول که وارد بحث روزانه شد معنا و مفهوم روشنی داشت. و بمرور طوری تغییر ماهیت داده است تا امروز که فقط وسیله و بهانه تامین منافع نورچشمی‌ها، و نازک نارنجی‌ها، و آدم‌های زرنگ شده است. و شما، توی پارلمان، در اظهارات مقامات رسمی، در شکایت اولیاء نورچشمی‌های از فرنگ برگشته، و در گزارش مدیر عامل سازمان برنامه می‌بینید، اصطلاح فرار مغزها، یکدفعه و غافلگیر، مثل «واحد عمود» عرب به فرق سر تان خورد، گیج تان کرد، و محکم تر از منطق ارسطو که دو هزار سال بند پای تمقل و تفکر آدمی شده بود، زبان شمار بست و تا بخود آئید نظرهای خاص در سایه و پشت سر این ضربت. اعمال شده و پیش رفته است. راستی مغزها چگونه فرار میکنند؟ هر گز باین مطلب فکر کرده‌اید؟ چرا فرار میکنند و برای بازگرداندن آنها چه باید کرد؟ بحث درباره جزئیات این مطالب، کاری است که وقت لازم دارد و آدمی میخواهد مثل دکتر احسان الله خان نراقی، که چند سال صرف وقت کند و برای سازمان ملل و برای دولت ایران

درباره موضوع شرح کشف بنویسد و سرانجام معلوم نشود که آیا حرف اصلی را در باره اینکه چرا و چگونه مغزها از يك کشور فرار میکنند، بزبان قلم و گزارش آورده است یا نه. اما من همین اندازه میدانم که طبع موجود زنده خواستار محیطی است که بتواند در آن احساس امن و آرامش بکند. در آبی که زیاد دستخوش امواج است، ماهی قرار نمیگیرد. و درختی که گربه با آن دست درازی کند، گنجشکها از روی شاخهها پایش پرواز میکنند. طبع انسان از دیگر جانوران حساس تر است. و به محیطی که در آن زندگی میکند بیش از ماهی و گنجشک میاندیشد.

اما این قانون اصلی طبیعت زنده بر روی مستولی است که در بی محیط امن باشد و فرار مغزها هم چیزی از این مقوله است. تا محیط امن را از نظر «مغز»ها چه تعبیر کنیم؟

حال این بحث پیش میآید که از يك موضوع اصلی بعد از آنکه مدروز محافل «انتلکتول» شد چگونه بهره برداری میکنند. آقای مینویسد چرا دنبال بازگرداندن مغزها میروند، بیایند مغزهای موجود را حفظ کنند و شرح میدهند که خواهر زادههایش در آلمان قابلكی خواندهاند و به تهران آمدهاند و اینجا تحصیلات آنها را از دیپلم کمتری می شناسند. و انتظار دارد بخاطر آنکه خواهر زادههایش مدتی در آلمان بسر بردهاند ارزش قابلكی آنها لیسانس و فوق لیسانس شناخته شود. کسانی که وارد معرکه هستند میدانند که در آلمان بادیکن يك دوره ششماهه، کسانی که مدرک سوم متوسطه دارند میتوانند قابله بشوند و با آنها مدرک قابلكی میدهند، و سازمانهای فرهنگی و دانشگاهی ایران در تشخیص خود زیاد بیراه نرفته اند. فقط چون دوران رواج جلب مغزها و جلوگیری از «فرار مغزها» ست، دم گاوی دست دانی پر خروش دختر خانم ها افتاده است و اینجا و آنجا اول کن معامله نیست!

تلقى پارلمان دست کمی از تلقی این «خان دانی محترم» ندارد. يك نماینده خوش فکر سروصداراه می اندازد که باید جلو فرار مغزها را گرفت. شما چرا به يك طبيب در شهرستانها هشتصد و پنجاه تومان حقوق میدید. وقتی که به يك طبيب جوان برای خدمت در شهرستان هشتصد و پنجاه تومان دادید،

تصمیم میگیرد مملکت را بگذارد و بخارج برود. و متاسفانه در مجلس، کسی هم جواب نمیدهد که: آن ماهانه و سالانه که يك طبيب جوان برای خدمت در شهرستانها میگیرد، خیلی از این مبلغ که وی عنوان کرده بیشتر است. و رقم حقوقی که ماهانه شپرو خورشید سرخ به پزشک مقیم يك شهرستان دور را فتنده میدهد به سه هزار تومان میرسد و این غیر از درآمد مطب آقای دکتر است. و در شهرستانی که او خدمت میکند و به درآمد سالانه ای کمتر از چند هزار تومان قانع نیست، مردم عادی متوسط درآمد سالانه شان به دوهزار تومان هم نمیرسد.

نصف آن اندازه درآمد هم برای يك «مغز» به نسبت محیطی که در آن زندگی میکند، رقم بزرگی است.

بعد از پارلمان بد نیست با تلقی سازمان برنامه آشنا بشویم؛ هفته پیش آقای مهندس اصفیادری تالار بانك مرکزی برای تشریح اصول برنامه چهارم سخنرانی مفصلی کرد. و از جمله روزنامهها از ایشان نقل کردند که: برای جلوگیری از فرار مغزها هم فکری کرده ایم. به پزشکان برای تأسیس بیمارستان مجهز سرمایه میدهم و برای استهلاک آن، مریض به بیمارستان آنها معرفی میکنیم می بینید چقدر افاق فکرها از اصل موضوع دور است! برای آنکه مغزها فرار نکنند، سازمان برنامه به پزشکان و لابرد پزشکان معروف سرمایه میدهد تا بیمارستان بسازند. و بعد با آنها بیمار معرفی میکند تا خرج بیمارستان در آید. و شما میدانید، که در میان «صاحبان مغز» وطن ما پزشکان مرفه ترین گروه هستند. و دوازده تنگ نظری، در بالای شهر، مطبی که کمتر از روزی دوهزار تومان کاربند وجود ندارد. و این گروه که از روی طبع باید همانها باشند که هزینه تأسیس بیمارستان را از سازمان برنامه بگیرند، غیر از مطب فعال، چند و چندین شغل را در مؤسسات مختلف يدك میکنند.

بعد از اینهمه تفصیل، راستی مقوله دیگری هم هست که فراموش شده است، بعضی از نازک نارنجیها و نور چشمیها که برای بازگرداندن نشان، اینهمه معرکه پیا میکنند، اغلب کسانی هستند که حاضرند در

غربت بهر کاری تن در دهند ولی نوبت وطن که میرسد، از بس «عرق ملی» در آنها قوی است، میخواهند، پیشاپیش پست و زارت و معاونت و مدیر کلی و مشاور عالی برای آنها خالی شود و اتومبیل و سکر تر و پول توجیبی مجلس شبزنده داری در پایتخت و سالی چند ماه سفر خارج بنا همشان نوشته شود. و هر چه از این کمتر با ایشان وعده داده شود آن را نشان حق ناشناسی ملت ایران میدانند، و فریاد محرومیت بر میدارند که وطن، آنها را درك نمی کند *** باور کنید مقوله «فرار مغزها» از مقوله جلب و تحمیل نور چشمیها به ملت و مملکت یکباره جداست و به مصلحت نیست که زیر شعارهای فریبنده، عده بی سیر سیرتر شوند و گره مشکل «فرار مغزها» هم هرگز باز نشود. □ «رامین»

شهر سازی

برنامه برای صدسال دیگر

در نشریه شهرداریها که از طرف اتحادیه شهرداریهای کشور منتشر میشود و تاریخ انتشارش فروردین ۱۴۴۷ است یعنی صدسال دیگر .. اعلام شده است که در اصفهان ساختن خانههای مدرن ممنوع شد چون دستور رسیده که:

«... از این پس از صدور پروانه های ساختمانی برای ساختمانهای بی قواره و مدرن که با ساختمانهای قدیمی شهر اصفهان هماهنگی ندارند خودداری کنند و فقط به ساختمانهای پروانه داده شود که سبک زمان صفوی باشد...»

در این نشریه اضافه شده که:

برای تهیه نقشه قدیم و جدید اصفهان از بزرگترین و معروفترین مهندس شهرساز فرانسوی بنام «بودوئن» که رئیس اتحادیه مهندسان شهرساز است و تز خود را ۳۲ سال پیش درباره شهر اصفهان نوشت استفاده میشود این مهندس فرانسوی اکنون ۷۰ سال دارد.

بنظر می آید که با تلفیق این دو خبر و اینکه تاریخ انتشار نشریه هم سال ۱۴۴۷ است این برنامه را اتحادیه شهرداریها برای صدسال دیگر پیش بینی کرده ولی برای اینکه در جریان انقلاب اداری از موسسات دولتی عقب نماند يك جهش صدساله را بکار مداوم ترجیح داده است! نکته سنج



اسرار فاش نشده‌ای از يك
حادثه تاريخی معاصر

«انشلوس» يا اسرار الحاق اطريش به آلمان

«کتابی که اخیراً یکی از مورخين معاصر در باره حادثه تاريخی معاصر بنام «انشلوس» انتشار داده حاوی يك سله استاد و مدارك تاريخی است. نویسنده در این کتاب پرده از روی حقایق برداشته که تاکنون مجهول مانده بود! این حادثه رادر سه مرحله تشریح نموده که مرحله اول آن مذاکرات هیتلر و صدر اعظم اطريش «شوشنيك» در کاخ ویلاقی هیتلر واقع در برجستان است که به (آشیا نه عقاب) مشهور بود. در اینجا هیتلر اطريش تمام نیات و خواسته‌هايش را بر صدر اعظم تحمیل نمود و در شماره گذشته ما به نقل این حادثه تاريخی پرداختيم اينک مرحله دوم آن آخرين تلاش ملت اطريش برای حفظ استقلال است .

این کتاب به اکثر زبانهای زنده دنیا ترجمه شده و ما در اینجا نکات جالب و مهم آنرا نقل میکنيم :

ترجمه: رضا عقيلي

«انشلوس» یا اسرار الحاق اتریش به آلمان



بار مطرح ساخت و تشکیلات یک‌فراندم‌ها اعلام نمود. بقدری این موضوع ناگهانی و غیرمنتظره بود که حتی وزیرانش از آن اطلاع نداشتند.

چهار روز بعد، اتریشی‌های بیست و چهار ساله بی‌لا میبایستی باین سؤال پاسخ می‌دادند:

«آیا شما طرفدار یک اتریش آزاد، آلمانی، مستقل، سوسیال، مسیحی و متحد هستید؟» افکار عمومی میبایستی باین سؤال پاسخ میداد. شوشنیک با گنجاندن و اختلاط کلمات «آلمانی»، «سوسیال» و «مسیحی» در آن واحد تمام رأی‌دهندگان را با افکار و اندیشه‌های «پان‌زمانیک» نزدیکی داشتند و هوأخواهان نزدیکی معتدل بارایش سوم و همچنین سوسیالیست‌ها و کاتولیک‌ها و بعبارت اخیری کلیه فرقه‌های سیاسی اتریش بجز اقلیت معدود نازی را ارضاء کرده بود.

برای پیروزی درمرأجمه به آراء عمومی اتحاد سوسیالیست‌ها بسیار درخور اهمیت بود. حزب سوسیالیست که حزب بزرگی در اتریش بود، و با «انشلوس» یعنی نوعی الحاق اتریش به آلمان موافق بود، از موقعیکه هیتلر روی کار آمده بود، تمیز روش داده بود. این امر مانع آن نبود که سوسیالیست‌ها از نظر سیاست داخلی با چنین الحاقی مخالف باشند. حتی از موقعیکه حزب سوسیالیست به دنبال شورش و اعصاب کارگران در فوریه ۱۹۳۴ غیرقانونی اعلام شد و از آن پس به فعالیت زیرزمینی پرداخت بصراحت با هر نوع الحاق اتریش به آلمان مخالفت مینمود و اکنون که این حزب خود را بر سر یک دو راهی میدید که یک راه منجر به مهلکه اتحاد با آلمان و راه دیگر به اتحاد با شوشنیک، منتهی میشد، تردید و تأمل را جایز ندانسته و راه دوم را انتخاب میکرد... همینطور هم شد: حزب سوسیالیست، به‌خواه‌ای از شوشنیک برخاست زیرا صلاح و نفع خود را در اینکار تشخیص داده بود.

اولین عکس‌العمل خارجی این‌فراندم عکس‌العمل موسولینی صدراعظم ایتالیا بود صدراعظم اتریش من غیر مستقیم بوسیله سرهنگ «لایبیتسکی» وابسته نظامی اتریش در رم با موسولینی تماس گرفته بود و دیدکتا تور ایتالیا گفته بود:

— این یک اشتباه است!

«بود که بانطق آتشین خود ابتدا به «کسانی که در اتریش، از ناسیونال سوسیالیسم، مذهب ساخته‌اند»، شدیداً حمله کرد و در عین حال بوفاداری «ناسیونال سوسیالیسم اتریش به جامعه آلمانی» اعتراض نمود. او در برابر «کلیه مقامات مسئول کشور اظهار داشت «که موافقتنامه «برچسگادن» مرز غیر قابل عبوری برای امتیازاتش تشکیل داده و اراده ملت اتریش بر اینست «که «آزاد و مستقل» زندگی کند. و با «هیجان افزود،

«ملت اتریش برچم سرخ- سفید-سرخ را تا دم مرگ حفظ خواهد کرد. این «برچم «سمبول» آزادی و استقلال این «کشور است. زنده باد اتریش مستقل! «پاینده باد برچم ملی سرنگ سرخ- سفید سرخ تا دم مرگ.»

و با این جمله به سخنرانی آتشین و موثر خود پایان داد.

چند لحظه بعد، فن پاپن به خبرنگاران گفت:

— شوشنیک برای اولین بار در زندگی و وجه ملی کسب نمود...»

آثار و نتایج این سخنرانی فوراً آشکار گردید؛ اتریشی‌های هوادار استقلال بدور هم جمع شدند و صف متحدی تشکیل دادند. «شوشنیک» با بیانی مؤثر و شیوا در قلب‌هم وطنانش رخنه کرده بود و تخم امید را در دل آنان بارور ساخت؛ نیروئی خارق‌العاده در کالبدشان دمید. حتی در خارج از اتریش اثرات این سخنرانی محسوس بود. از جمله در فرانسه، «ایون دلبو» وزیر امور خارجه روز ۲۵ فوریه یعنی فردای آن‌روز که شوشنیک آن نطق را ایراد کرد، در مجلس نمایندگان اظهار داشت:

— «استقلال اتریش برای تعادل اروپا از واجبات است. بنظر من اگر اتریش استقلال خود را از دست بدهد، بی‌نظمی و عدم تعادل در تمام اروپا بوجود خواهد آمد...» دو هفته بعد یعنی روز جمعه نهم مارس «شوشنیک» بصدای بلند، اراده خود را که مقاومت در برابر جاه‌طلبی‌ها و بلندپروازی‌های آلمان نازی بود، اعلام نمود؛ آن‌روز او در پایان یکی از میتینگ‌های میهن پرستانه خود در «اینسروک» واقع در ایالت تیرول موضوع مراجعه به افکار عمومی را برای اولین

بار وجود صدور اعلامیه صدراعظم. ملت اتریش هنوز کاملاً از کم و کیف وقایع برچسگادن مطلع نشده بود. «جبهه میهن پرستان» و مخالفین الحاق اتریش به آلمان در برابر سوسیال-دموکرات‌ها صف متحدی تشکیل داده بودند. روز بیست و چهارم فوریه در دو یوار کوجه‌ها و خیابانهای «وین» رأزمین به پرچم‌های ملی سه رنگ سرخ- سفید- سرخ کرده بودند. آن روز صدراعظم میخواست در برابر مجلس فدرال نطق مهمی ایراد کند. افکار عمومی ملت و جهانیان در انتظار روشن شدن حوادثی بود که در «برچسگادن» اتفاق افتاده بود و می‌خواستند از جزئیات گفتگوهای دو صدراعظم آگاه گردند. روزنامه نگاران از اقصی نقاط جهان، برای کسب خبر در «وین» جمع شده بودند. آن‌روزها وین آبستن حوادثی بود که سیل خبر نگاران را بسوی خود سرازیر کرده بود و پایتخت اتریش بسبب قرب جوار با آلمان و وقوع حوادثی که همه جهانیان انتظارش را داشتند، مرکز خبر شده بود، «فردریک سوندرن» روزنامه نگار امریکائی این صحنه فراموش نشدنی را هنوز از یاد نبرده است. در آن موقع او این خبر را برای روزنامه خود مجابره کرده بود:

«گروهی از اشخاص سرشناس و افراد مهم رژیم، قضای خالی نیمدایره‌ای شکل مجلس را که در دوران مجدو عظمت اتریش، افتخارات بزرگی بخود دیده «سویاستمداران ناموری را در خود جمع کرده بود، پرمیساخت جایگاه مطبوعات «مملو از خبرنگاران خارجی بود «بطوریکه بیش از پنج شش خبرنگار اتریشی بچشم نمیخورد. روزنامه‌های «خارجی با کمال بیصبری منتظر وصول «خبرهای تازه از طرف خبرنگاران اعزامی «خود به وین بودند... در این لحظه «شوشنیک» صدراعظم کاتولیک مذهب اتریش داخل شد. شوشنیک بود که «بزحمت شناخته میشد، یک شوشنیک «تازه بود، ریخت و قیافه‌اش بکلی عوض شده بود، او آن شوشنیک چند روز قبل که سپیده دم با قیافه‌ای زار و پریشان «ورنگ و روی پریده از ترن پیاده شده «بود، نبود؛ او دیگر قدمهایش را بزمین «نمیکشید؛ آری، با قدمهای فرزند چاکل «داخل مجلس شد. آدمی بود، مصمم، «محکم با اراده‌ای آهنین؛ سخنرانی



«انشلوس» یا اسرار الحاق اتریش به آلمان

این شکل افکار و نفی از طرف موسولینی برای صدراعظم اتریش ضربه‌ای وخیم بود زیرا موسولینی از روزی که بقدرت رسیده بود از استقلال اتریش جانبداری میکرد و دقیقه‌ای از حفظ استقلال این کشور فروگذار نکرده بود.

موقعیکه صدراعظم دلفوس را بقتل رسانیدند. موسولینی بلافاصله دستور داد دسته‌های نظامی در «برن» ، مرز اتریش و ایتالیا مجتمع و بحال آماده باش درآمدند تا اگر خطر احتمالی اتریش را تهدید کند ، یکمکشی بشتابند. البته در چنین شرائطی «شوشنیک» مایل نبود عکس‌العمل منفی از طرف موسولینی ابراز گردد و بهر قیمتی بود میکوشید رضایت خاطر او فراهم گردد. لذا از اینکه موسولینی عمل او را يك «اشتباه» تلقی کرده بود، گوئی ضربه‌ای بود که بر او وارد آمده بود.

از طرفی هیتلر بیکار ننشسته بود و پیدا بود که در برابر تصمیم شوشنیک عکس‌العمل شدیدی از خود نشان خواهد داد . او انتظار چنین پیشامدی را داشت. استحکام و استواری شوشنیک و اتخاذ «روش جدید» از جانب وی ناگهان جوش و خروش و هیجان هموطنانش را در سراسر کشور بحرکت درآورد . از روزیکه اعلام رفراندوم کرد، در تمام نقاط کشور سازمانها و اجتماعاتی بوجود آمد و هر روز تظاهراتی از طرف مردم صورت میگرفت.

رهبر سوسیالیست‌ها ، «کارل میتلر» که تا کنون در خفا زندگی میکرد، اکنون اوضاع و احوال و مقتضیات ایجاب کرده بود که از مخفی گاهی که پنهان شده بود، بیرون آید . سوسیالیست‌ها بدو ترس و ولع می نمودند هم مجتمع شده و هر روز تظاهراتی نموده و فریاد های استقلال طلبانه در همه جای کشور سردادند ساعت بساعت بر شور و هیجان این تظاهرات افزوده میشد .

اسقف کاتولیکهای «وین» که نفوذ فراوانی در میان مردم کاتولیک داشت و کاتولیکها عموماً از او شنوائی داشتند بنام عالیجناب اینی ترز با دکت «فریدمن» رهبر جامعه یهودیان اتریش و سرننگ «ولف» رهبر هواداران بازگشت سلطنت‌ها بسورگ‌ها جبهه ملی واحدی تشکیل داده و از صدراعظم جانبداری نمودند. موقعیکه شوشنیک پس از پایان متینک و تظاهراتی که در اینسبورگ برپا شده بود ، با قاطار راه آهن مونیخ به «وین» بازگشت ،

این شهر را دگرگون یافت ؛ اوضاع پایتخت بکلی عوض شده بود . بدرود یووار شهر عکس «دلفوس» را چسبانده بودند. ملت اتریش صدراعظم قنید را پس از مرگ بعنوان مظهر استقلال کشور انتخاب نموده و او را «سمبول» ملیت و قومیت خویش میدانستند. هزاران نفر از مردم پایتخت در کوچه‌ها و خیابانها با فریاد های «زنده باد شوشنیک» ، «زنده باد آزادی» «زنده باد استقلال» ، «زنده باد اتریش» رژه میرفتند. صدای فریادشان در فضا طنین انداز شده و در دیوارهای شهر را بلرزه درآورده بود؛ شهر باستانی وین یکپارچه شور و احساسات شده بود و چنین اتحاد و اتفاق دست جمعی در تاریخ این کشور سابقه نداشت. این آخرین تلاش ملت برای عقب نشاندن هیتلر و حفظ آزادی و استقلال کشورشان بود. احساسات وطن پرستانه مردم بقدری پر شور و اعجاب انگیز بود که صدراعظم را بحیرت انداخته بود و حتی تصور این مطلب را نمی کرد که مردم در صف واحدی مجتمع گشته و بطرفداری او و آزادی این چنین مردانه قیام نمایند .

او فکر می کرد که از این احساسات بی شائبه و پر شور ملت برای مواجهه با ارباب و مالک الرقاب رایش سوم باید بخوبی استفاده شود و از فشار او بکاهد.

لیکن آیا این بیداری و تلاش مذبحخانه که دیگر خیلی دیر شده بود، کافی بود تصمیم هیتلر را متوقف ساخته یا در آن تغییری دهد؛ صدراعظم اتریش دست به قمار خطرناک زده بود

خبر «رفراندوم» در دیرگاه در شب چهارشنبه، به برلن رسید. هیتلر این خبر را از دستگاہهای گیرنده کاخ صدارت عظمی که آنرا از يك فرستنده اختصاصی رادیو اتریش، گرفته بودند، شنید و چنان خشمگین شد و مشت روی میز تحریر اطاق کارش کوبید که محتویات میز درهم و برهم بزمین ریخت او از عصبانیت سرخ شده بود و بر خود می پیچید خود را بدرود یووار میزد، پاهایش را بزمین میکوبید دهانش کف کرده بود. بلند بلند سخنانی ناسزا و تهدید آمیز بر زبان میآورد. در همان حال «گورینگ» را نزد خود احضار نمود. مهلتی را که هیتلر برای شروع عملیات قائل شد، سه روز بود که میبایستی قبل از آنکه «شوشنیک» به آراء عمومی مراجعه کند، کار اتریش یکسره گردد .

آنروز «گابریل بوئو» سفیر کبیر فرانسه

در اتریش به وزارت خارجه فرانسه چنین گزارش داد.

«... پیشوا از مراجعه صدراعظم به آراء عمومی سخت عصبانی شده و دستور داد که هیچ قیمتی نباید رفراندوم انجام گیرد زیرا میدانند اینکار به ضرر اوست و نتیجه نامطلوبی برای او خواهد داشت...»

از طرفی هیتلر نمیتوانست به نازیهای اتریش که تنها گروه مخالف را در «رفراندوم» تشکیل میدادند. متکی باشد. تمام احزاب و دسته‌های سیاسی اتریش بجز نازیها در رفراندوم رای مثبت میدادند و از این راه بر جهانیان ثابت میشد که آلمانها در اتریش چندین هواخواهانی تدارک و موضوع «الحاق اتریش به آلمان» علی‌الخصوص بعد از زمامداری هیتلر، شایعه‌ایست که اقلیت معدودی آنرا بزرگ کرده‌اند

از طرف دیگر ، نازیهای اتریش در رفراندوم نمیتوانستند کاری از پیش ببرند زیرا اساساً نوجوانان و اطفال چهارده و پانزده ساله در حزب نازی ثبت نام میکردند و اکثر اعضا این حزب از بیست سال کمتر داشتند و حال آنکه طبق قانون انتخابات اتریش کسانی حق رای داشتند که لااقل بیست و چهار سال داشته باشند. از سوی دیگر مجموع اعضا حزب نازی در «وین» که مرکز حزب بود از پنج هزار نفر تجاوز نمی کرد و این عده که اکثریشان هم بعلمت صفر سن حق رای نداشتند، در برابر یک میلیون و هشتصد هزار نفر جمعیت پایتخت بقدری ناچیز و بی اهمیت بودند که اصولاً بحساب نمیآمدند.

در شب نهم مارس جوش و خروش و فعالیت فراوانی در کاخ صدارت عظمی رایش بجم میخورد. چراغهای عمارت تا صبح روشن بود هر کس از مقابل کاخ میگذشت، حدس میزد که آنشب برخلاف سایر شبها، اوضاع عادی نیست و حوادثی در شرف وقوع است. اما هیچکس بدرستی چیزی از آن نمیدانست . ساعت نو نیم صبح روز بعد، هیتلر سرفرماندهی ارتش آلمان، «ژنرال کایتل» را بدفتر کار خود احضار نمود و باو گفت،

« ما باید برای عداخه نظامی در اتریش آماده باشیم! این بدیده گوئی غیر مترقبه و بی سابقه هیتلر، ارتشی دقیق و با انضباطی چون



اسرار فاش نشده‌ای از يك حادثه تاريخی معاصر

«اشتهای من» یا اسرار الحاق اطریش به آلمان

«کایتل» را غرق حیرت نمود. مداخله نظامی در کشور همایه مستلزم نقشه و مقدماتی است که نمی‌توان در یک ساعت و یک روز و یک هفته، طرح آنرا ریخت. عقیده خود را با پیشوای درمیان نهاد و با او گفت:

— حرکت دادن یک نیروی نظامی مستلزم طرح یک نقشه و مطالعه جزئیات آنست که باید...

«هیتلر» بدترشی سختی او را پدید و بالحن آمرانه گفت:

— کایتل، اینکار حتما لازم است و باید فوراً انجام شود. هنوز آفتاب در زدهم مارس غروب نکرده بود. چندین لشکر آلمانی آماده ورود به خاک اطریش بود. در سپیده دم جمعه یازدهم مارس، «شوشنیک» از بسته شدن مرز اطلاع پیدا کرده و بلافاصله «اسکوبل» وزیر امنیت ملی را که مستقیماً ریاست پلیس را نیز به عهده داشت، نزد خود خواند. صدراعظم بدلائل زیادی که از آن جمله فشار هیتلر در بر چسکادن برای وزارت «سیس انکار» وزیر کشور بود، بوی اعتماد نداشت و حق نیز با او بود او چگونه میتواند بوزیر کشوری که هیتلر بر او تحمیل کرده بود در چنین موقعیتی اعتماد کند؟

«شوشنیک» از وزیر امنیت پرسید: — آیا میتوان به نیروی انتظامی پلیس وزاندارم اعتماد داشت؟

وزیر امنیت در جواب گفت:

— افسوس، من نمیتوانم در این باره قولی

بدهم

— پس میخواهید بگوئید که دولت نمیتواند به نیروی پلیس و انضباط بی قید و شرط آن اعتماد کند؟

— عالیجناب، در موقعیت فعلی همینطور است که میفرمائید!

واقعا جای تاسف است که دولتی نتواند به نیروی انتظامی خود اطمینان داشته باشد. «شوشنیک» دچار چنین موقعیتی شده بود. نیروهای پلیس کانون و مرکز اصلی نازیهای اطریش بود که آنها نیز از برلین پول می گرفتند همه ماهه پول بی حسابی از برلین حواله میشد و بین افراد نازی تقسیم میگشت و طبعا افراد پلیس از این خوان گسترده بی نصیب نبودند.

بنابراین یگانه نقطه اتکالی که برای صدر اعظم و ملت اطریش باقی مانده بود، ارتش بود و ارتش اعتماد کامل داشت و برای او مثل روز روشن بود. که ارتش مانند سدهای آهنگین پشت سر او خواهد

ایستاد و از او حمایت خواهد کرد. لیکن وقتی آلمانها با ارتش نیرومند خود به خاک اطریش، حمله ور گردیدند، از ارتش ضعیف این کشور چه کاری ساخته است؟ مهمتر آنکه در صورت حمله آلمانها، تشتت آراء بین افسران ارتش خواهد افتاد و آندسته از افسران و سربازان که طرفدار «جامعه آلمانی» هستند، با دسته‌ای که هوا-خواه استقلال اطریشند، در یک صف نخواهند ایستاد و دوئیت و اختلاف بین آنها خواهد افتاد.

شوشنیک از این نکات غافل نبود و از مدتها پیش تمام این مسائل را مورد مطالعه و بررسی قرار داده وضع کلی را ارزیابی کرده بود.

و اما دولت؛ نقش دولت در این میان چه خواهد بود؟ در صورت حمله آلمانها، در هیئت دولت تشتت ایجاد نخواهد شد؛ همانند جلسه هیئت دولت را تشکیل داد و کلیه وزرایش را به مقر صدارت عظمی فراخواند. وقتی همه وزیران به تسالار مخصوص هیئت دولت وارد شدند و سر جای خود نشستند، دو صندلی را خالی یافتند. این دو صندلی به «انکار» و «هورستو» دو وزیر «آلمانوفیل» که بنا بتوصیه یابهنر بگوئیم، بدستور هیتلر یستهای وزارت دارائی و کشور را اشغال کرده بودند، تعلق داشت که آنروز بظاهر «برحسب تصادف» غیبت کرده بودند هیچکدام در منزل و وزارتخانه خود نبودند و بهر کجا که احتمال میرفت رفته باشند، تلفن کردند کوچکترین اثری از ایشان نبود گوئی آب شده بزمین فرو رفته بودند... بهر حال جلسه هیئت دولت بدون حضور ایشان تشکیل گردید و به بررسی اوضاع روز و گفتگو در باره آن پرداختند.

در حدود ساعت ده ناگهان در میان بهت و حیرت صدراعظم، سروکله آندو در دفتر صدارت عظمی ظاهر شد. حیرت صدراعظم موقعی فزونی گرفت که دو وزیر اطریشی حامل پیام شفاهی از طرف هیتلر به وی بودند.

«سیس انکار» بر همکارش پیشدستی کرد و خطاب به «شوشنیک» گفت:

— پیشوا میخواهد که شما از مراجعه به آراء عمومی که تاریختی را پس فردا تعیین کرده‌اید، صرف نظر کنید، مادون فرما موریت داریم که این مطلب را بشما گوشزد نمائیم. ضمناً باید بدانید که دولت اطریش برای الغاء فراندوم فقط دو ساعت مهلت دارد و باید

در این فاصله، دستور لغو فراندوم را صادر نماید...

بعداً معلوم شد که «گلز هورستو» محرمانه به برلن رفته بود و پیامی از هیتلر دریافت کرده بود که ماموریت داشت آنرا در معیت «سیس انکار» به «شوشنیک» برساند. همانند که وارد دفتر صدارت عظمی شده بود، تازه از راه رسیده بود و بی آنکه به خانه یا وزارتخانه سر بزنند، یکسر به کاخ صدارت عظمی آمده بود...

شورای وزیران تا پایان روز در حضور پریزیدنت «میکلاس» رئیس جمهوری اطریش بی آنکه تنفس داده شود، در محیطی اضطراب انگیز یکسر ادامه داشت. مردانی چون «گیدو زراتو» رهبر «جبهه میهن پرستان» که یکی از طرفداران یسروپا قرص و تزلزل ناپذیر استقلال بود، عقیده داشتند که باید در برابر آنها مقاومت نمود و این فکر را لاینقطع تبلیغ مینمودند. آنها به صدراعظم تلقین میکردند که باید در مقابل فشار آلمانها سر فرود نیاورد و بایستی خود در راس افراد جای گیرد و جلوی نیروی آلمان سینه سپر کند تا دیگر افراد ملت تشجیع شده و بدینوسیله مانعی در سر راه مهاجمین ایجاد کند. استدلال او چنین بود.

— ارتش آلمان در برابر افکار عمومی جهان جرأت ندارد برای اشغال کشور ما از روی اجساد سربازان اطریشی عبور کند. اگر بخواهد دست بکشتار دسته جمعی بزند، دنیا را بطرفیت خود بر خواهد انگیخت و دیگر مسئله اطریش، بصورت یک مسئله بین المللی جلوه گر خواهد شد. بنابراین آقای صدراعظم فرماندهان ارتش را احضار کنید و بایشان دستور دهید ارتش را بسیج کرده و حرکت کنند. ما تا آخرین نفس مقاومت خواهیم کرد. دنیا را بکمک بطلبید و از پاریس و لندن استمداد کنید، از آنان یاری بجوئید جامعه ملل را بشهادت بطلبید و از او بخواهید که در اینکار دخالت و میانجیگری کند. یقین داریم سربازان و افراد ملت حاضرند تا آخرین قطره خون خود را در راه آزادی و استقلال کشور نثار کنند. بملت اعتماد کنید و باخیزید این دقائق گرانها را تلف نکنید و وقت را از دست ندهید. تأخیر در اینکار موجب پشیمانی است. شما در برابر نسل امروزی و نسلهای آینده این کشور مسئولید. مسئولیت شما سنگین است. شما در سیریح تاریخ قرار

«انشلوس» یا اسرار الحاق اطریش به آلمان



«پاریس» میانجی شدم ولی هیچ نشانه امید بخشی از «که دورسی» در یافت نکردم .

در لندن ، وضع بدترو باور نکردنی تر از این بود . چمبرلین نخست وزیر انگلستان ولردها لیفاکس وزیر خارجه آن کشور با «رین تروپ» در باره آینده وصلح و این قبیل مسائل وارد مذاکره شده بودند و تنها موضوعی که در مذاکراتشان کوچکترین اشاره ای بدان نشده بود . موضوع اطریش بود ! البته باید گفت که وقتی چمبرلین و لردها لیفاکس بوسیله وزیر مختارشان در اطریش ، از اوضاع و جریان بسته شدن مرز و آماده گئی حمله آلمان به اطریش و این قبیل مسائل مطلع شدند ، تنها عکس العملی که از خود نشان دادند این بود که دیگر با نماینده پیشوا ، صرف جای وصحانه راقطع کردند و از آن لحظه ببیند دیگر با او جای نخوردند و تنها به چند جمله افلاطونی برسید اعتراض که فقط جنبه تشریفاتی داشت ، و متضمن هیچگونه ضمانت اجرائی نبود . اکتفا کردند . □

از سال ۱۹۱۸ بعد ، هرگز در اطریش احساسات ملی وجود نداشت با پایان جنگ اول جهانی و شکست این کشور و تقسیم آن گوئی احساسات ملی در این ملت محو و نابود شد . فقط کم و بیش ، سلطنت طلبان به بازگشت سلطنت و فسادار مانده و در روزی اطریش بزرگ دوران پادشاهی هابسبورگها بسر میبردند . پان زرمانیست ها از چپ و راست بر تعدادشان افزوده میشد و تعدادشان نامحدود بود در میان آنها نازی ها می وجود داشتند که ماهر تر به اهمیت آنها فکر نمی کردیم و کمترین حدسی نمی زدیم که روزی این دسته ، قدرتی پیدا کنند سر نوشت اطریش را بدست بگیرند .

«کابریل یوئو» سفیر کبیر وقت فرانسه در اطریش ، نیز مانند دیگران نسبت با اوضاع خوشبین نبود . او هنوز ساعات پراضطراب آنروز را از یاد نبرده است و عقیده دارد که پردلهره ترین لحظات عمرش ، همان دقایقی بود که آنروز در سفارتخانه میگذرانید . وی بعدها درباره آنروز چنین می گفت :

ساعت شش و ربع تلفون اطاق خوابم زنگ زد . گوشه را برداشتم معلوم شد «تئودور فرن هورنی بوستل» مدیر کل سیاسی کابینه صدر اعظم است . با صدائی لرزان بمن اطلاع داد که مرز بسته شده و از من خواهش کرد که فوراً به «بالهاوس پلاتز» بملاقاتش بروم .

بلافاصله لباس پوشیدم و بدانجا رفتم . بگرمی از من استقبال کرد . هنوز روی صندلی نشسته بودم که همکارم «مایکل پالره» وزیر مختار بریتانیا از در وارد شد . مدیر کل مارا در جریان اوضاع گذاشت و در پایان سخنانش گفت : «از پاریس برسید که با این اوضاع چه خواهند کرد .» من مجبور بودم آب پاکی را روی دستش بریزم و در جوابش گفتم : «در فرانسه فعلاً دولتی بر سر کار نیست و در حال حاضر کشور ما فاقد دولت است .»

شب قبل رئیس الوزرای فرانسه «کلمی شوتان» بملت مخالفتی که نمایندگان سوسیالیست در مجلس ، در خصوص مسائل مالی و اقتصادی کرده بودند ، استعفا داده بود ، دولت او که مانند تمام دولت های آتواته عمر و زودگذر جمهوری سوم ، سقوط کرده بود یکصد و سومین دولت جمهوری سوم بشمار می آمد .

«کابریل یوئو» بدنبال سخنان خویش افزود :

در طول روز چندین بار با پاریس تماس گرفتم و در باره حوادث اطریش میان «وین»

گرفته اید . راهتان معلوم است ، اگر یک قدم منحرف شوید ، نه فقط بدنامی برای خود خریدارید بلکه ملت و کشور را به فنا و نیستی سوق خواهید داد . برخیزید و فرصت را از دست ندهید .»

او با التهاب و هیجان سخن می گفت ؛ چنان شوری در کلامش بود که حاضران در جلسه هیئت دولت را تحت تاثیر قرار داده بود . البته دو وزیر دست نشانده هیتلر در این جلسه حضور نداشتند . رئیس جمهور «میکلاس» نیز طرفدار مقاومت بود و عقیده داشت که به هیچ قیمت نباید تسلیم شد ، بنظر می رسید که افکار عمومی دولت او را تأیید میکند و دولتش از اعتماد قاطبه ملت برخوردار است . «فردریک سوندرن» خبرنگار آمریکائی که قبلاً ذکری از او بمیان آمد ، درباره آنروز تاریخی ، خبری مخابره کرده بود که عیناً نقل میشود :

«در کوچه ها و خیابانهای پایتخت ، افراد جهل میهن پرستان ، دسته دسته در حجر کنند صدها جوان اطریشی با فریادهای «هایل شوشنیگ» در معابر و میدانها رژه میروند و فریادشان در دیوار شهرها بلرزه در آورده است . شهر وین مبدل به طوفانی از شور و احساسات شده است . احساساتی پاک و قابل ستایش احساساتی که اگر از آن خوب بهره برداری شود ، نتایجی عالی بیار خواهد آورد . پاسبانها در کنار گروههای پارتیزانی ساکت و آرام در حرکتند و جرئت ندارند از کسانی که عکسهای هیتلر را از بعضی نقاط کنده و پاره میکنند ، جلوگیری نمایند . اما پیداست که برای ایشان خط و نشان میکنند . یکی از بنکاهای مسافری که با طوق نازیها و افراد هواخواه آلمان است ، و دیوارهای مزین به تصاویر هیتلر است ، از ترس اینکه مبادا مورد حمله میهن پرستان قرار گیرد ، تعطیل کرده است . بهیچ زبانی قادر بتوصیف احساسات واقعی مردم نیستم همینقدر میگویم «وین» مبدل به یک پارچه شور و احساسات شده است .»

لیکن در سفارتخانه های خارجی اوضاع بنحود دیگری بود ، همه را حالت بهت و نگرانی فرا گرفته بود و در انتظار آمیخته با اضطراب بسر میبردند . «پیردلو» که در حال حاضر سفیر کبیر فرانسه در الجزایر است و در آن موقع در سفارت فرانسه در اطریش سمت دبیر سومی داشت ، بعدها در این باره تعریف می کرد .

در شماره آینده قسمت سوم و پایان ماجری

بنام نامی شاهنشاه آریامهر کنفرانس مهم آب و برق کشور با حضور آقای مهندس روحانی وزیر آب و برق در ساحل رود ارس تشکیل شد

ساختمان سدهای مهاباد-زرینه رود و سد بزرگ

ارس با سرعت ادامه دارد

در ساعت يك و نیم بعد از ظهر روز ۲۹/۱۲/۴۷ آقای مهندس روحانی وزیر آب و برق با تفاق آقایان مهندس بیانی و مهندس صالحی معاونین آن وزارتخانه برای شرکت در کنفرانس مشترک مدیران عامل سازمانهای آب و برق و شرکتهای برق منطقه ای کشور که قرار بود در محل سدارس (قرل قشلاق) تشکیل یابد با هوای پیمای وارد تبریز شده و مورد استقبال مقامات مربوط قرار گرفتند.

آقای وزیر آب و برق و همراهان پس از ورود به تبریز و شرکت در ضیافت ناهار باشکوه راه آهن آذربایجان در ساعت سه و نیم بعد از ظهر با اتومبیل بطرف قرل قشلاق محل ایجاد سدارس (مشترک ایران و شوروی) حرکت نمودند.

آقای وزیر آب و برق و همراهان پس از ورود به محل سدارس مورد استقبال قرار گرفتند. آنگاه پس از تماشای يك حلقه فیلم در سینمای کمپ سد ارس در ضیافت شامی که از طرف سازمان طرح ارس ترتیب داده شده بود شرکت نمودند. در ساعت هشت و نیم صبح روز ۳۰/۱۲/۴۷ اولین جلسه مشترک آقایان مدیران عامل سازمانهای آب و برق و شرکتهای برق منطقه ای کشور تشکیل گردید.

قبل از آغاز این جلسه در يك مصاحبه آقای مهندس روحانی وزیر آب و برق اظهار داشت: منظور از تشکیل جلسه مجمع مشترك که هر چند مدت يك بار در نقطه ای از مملکت تشکیل می یابد اینست که ما بتوانیم در انجام کارهایمان هماهنگی بوجود آورده و با این هماهنگی و صمیمیت بتوانیم طرحها و اقدامات مشترکی را بنحو احسن بشمارسانیم. مطلب مهم دیگری که در این جلسه مطرح خواهد شد بررسی اعتبارات برنامه چهارم

است که از سال ۴۷ شروع بکار آن مینمائیم.

آقای وزیر افزود: اعتبارات موجود در بخشهای برق و آب تقسیم خواهد شد.



آقای مهندس روحانی در مورد کارهای سد عظیم ارس گفتند ما پیشرفت محسوسی در انجام کارهایمان در این محل نموده ایم و مقدمات ساختمان سد با تمام رسیده و از عملیات ساختمانی خود سد نیز در طرف ایران تا يك و نیم متر بالا آمده است. ضمناً کلیه تاسیسات موقتی و سازمانی و کار ساختمانی تعمیرگاه و جاده با تمام رسیده و تمام عوامل اجرایی و مواد اولیه لازم برای ساختن سد هم آماده گردیده است.

آقای وزیر اضافه نمود: طبق قرارداد مشترک ایران و شوروی در سال ۱۳۴۹ یعنی آوریل سال ۱۹۷۰ کار ساختمانی سد ارس با تمام رسیده و بهره برداری از آن آغاز خواهد شد.

در این موقع آقای وزیر آب و برق مجمع عمومی مشترك آب و برق کشور را بنام نامی شاهنشاه آریامهر گشوده و

طی بیاناتی اظهار داشت...

خیلی خوشوقتم که در آغاز سال نو اولین مجمع مشترك را در ساحل هرمزی ارس شروع میکنیم. آقایان محترم باید بگویم که فعالیتهای شما از آغاز برنامه سوم تا پایان آن رضایت بخش بوده و من از پیشرفتی که همکارانم در انجام کارهای محوله انجام داده بودند خورسند و مفتخرم چون قدر مسلم اینست که با عواطف انسانی که در نهاد ما وجود دارد شاید امکان موفقیت بیش از این وجود نداشت.

فعالیت ما در برنامه چهارم در زمینه نوع کشت و صنعت خواهد بود که بایستی از هر جهت گسترش پیدا کند. ما باید در برنامه چهارم کارهایی را انجام دهیم که نیازمندیهای مردم مملکت را در کارهای صنعتی و کشاورزی برآورده نماید. ما باید کاری کنیم که مردم ایران بیش از پیش بدستگاه ما احترام قائل شوند.

آقای وزیر آب و برق گفت: در مورد آب ما نتوانسته ایم کار توسعه کشاورزی را جلو بیندازیم این را قبول دارم که کار شبکه آبی کشور کار مشکلی میباشد معذرت نماید از آن غافل بود. باید حداکثر فعالیت را در جهت توسعه کشاورزی و صنعتی کشور انجام دهیم بطور خلاصه ما باید در برنامه چهارم بدون اینکه اعتبار بیشتری داشته باشیم با تلاش پیگیر کارهای بیشتری را انجام و تحویل دهیم. در سال جدید ما باید برای برآورد نیات بلند شاهنشاه آریامهر از حداکثر نیروی انسانی و وسایل موجود استفاده کنیم: بخواسته شخص اول مملکت ما باید دستمزد بیشتری بکارگران زحمتکش ساده بدیم تا از هر جهت آسوده و راحت زندگی کنند. نباید تفاوت فاحشی بین يك مهندس

و کارگر بوجود آید. ما باید در کلیه کارهای خود حداکثر صرفه جویی را داشته باشیم چون دستگاهی که اعتبار زیاد داشته باشد روحیه کارکنان آن خراب میشود، بنظر من زندگی و کار کردن در زیر یک چادر بهتر است از زندگی در یک ساختمان لوکس. و اما در مورد هماهنگی بین شرکتها امیدوارم این ارتباط بین شماها بیشتر گردد تا در انجام وظایف محوله موفق بشویم.

پس از سخنان آقای زیر آب و برق جلسه مجمع بدو قسمت آب و برق تقسیم شد و بکار خود آغاز کرد. جلسات مشترک مجمع مقارن ساعت دوازده و نیم ظهر به پایان رسید و در پایان اعلام شد که این تصمیمات در آن اتخاذ گردیده است.

اعتبار لازم برای برنامه چهارم کشور در بخش آب ۴۸ میلیارد ریال و در بخش برق ۴۵ میلیارد ریال در نظر گرفته شد.

اعتبارات سال ۴۷ نیز در قسمت آب ۶۸۵ میلیارد ریال و در قسمت برق ۵۳ میلیارد ریال بوده که بر اساس اولویت طرحهای آب و برق کشور تقسیم گردید.

ضمناً لازم بتوضیح است که اعتبار برنامه چهارم نسبت به برنامه سوم دو برابر افزایش یافته است.

شرکت کنندگان در جلسه مجمع مشترک عبارت بودند از آقایان: مهندس روحانی وزیر آب و برق - مهندس بیانی معاون فنی و مهندس صالحی معاون اداری و مهندس دیلمقانی مشاور عالی فنی و سرمد مشاور عالی حقوقی وزارت آب و برق - دکتر وحیدی مدیر عامل سازمان آب و برق خوزستان - مهندس کهکشان مدیر عامل آب و برق منطقه تهران - مهندس جالینوس مدیر عامل برق منطقه تهران مهندس عفیفی رئیس کمیته آبیاری سازمان برنامه - مهندس رزاقی رئیس گروه برنامه منابع آب سازمان برنامه - مهندس بیرشک رئیس دفتر اعتبارات طرحها در سازمان برنامه - مهندس اقتصاد مدیر کل طرح - های فنی آب و وزارت آب و برق - مهندس شاهقلی مدیر عامل شرکت ساختمانی سایبر مهندس توانا مدیر عامل سازمان آب و

برق سفیدرود - مهندس مرعشی مدیر عامل سازمان آب فارس - مهندس وطنیان نماینده سازمان برنامه - مهندس بزرگنیا مشاور عالی وزارتخانه - مهندس مرندی مدیر عامل آب بلوچستان و سیستان - مهندس فزونی مدیر عامل سازمان آب اصفهان - مهندس نصرت الله روحانی مدیر عامل برق اصفهان - مهندس شهرستانی مدیر عامل برق خراسان - مهندس مسعود انصاری رئیس اداره طرحهای اجرایی برق - شهیدی مدیر عامل برق کرمانشاهان - خبیری مدیر عامل برق مازندران - رحمانی مدیر عامل برق فارس - مهندس قاضی طباطبائی مدیر عامل برق آذربایجان - مهندس تسمه چی مدیر عامل برق سفیدرود - مهندس ابراهیمی مدیر عامل برق کرمان - مهندس بهنیا ذیحساب وزارتخانه - سققی ذیحساب وزارتخانه - رجیبانی مشاور حقوقی - مهندس صوفی مدیر عامل سازمان آب و برق آذربایجان - مهندس مالک معاون سازمان آب و برق آذربایجان - مهندس پورسردار رئیس دفتر فنی آب و برق آذربایجان - مهندس کفائی رئیس دفتر سازمان آب و برق تبریز. پس از پایان

جلسه مشترك مجمع آقای وزیر آب و برق و همراهان در ضیافت ناهار سازمان آب و برق آذربایجان که در محل کمپ سد ارس ترتیب یافته بود شرکت کردند در این ضیافت آقای دکتر کیاپور استان دار آذربایجان غربی - فرماندار شهرستان ماکو و عده ای دیگر از روسای سازمانهای اداری استان آذربایجان غربی نیز حضور داشتند از ساعت دو و نیم بعد از ظهر همان روز آقای وزیر آب و برق و همراهان از تاسیسات کمپ کارگاههای ساختمانی سد ارس بازدید کردند این بازدید تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه داشت و پس از بازدید آقای مهندس روحانی وزیر آب و برق و همراهان در مراسم کوکتلی که در محوطه مشترك ایران و شوروی ترتیب یافته بود شرکت نمودند آقای وزیر آب و برق و همراهان پس از اقامت در کمپ سد ارس بامداد روز شنبه ۱۳۱۳۱۳۷۱ از قزل قشلاق به تبریز حرکت کرده و پس از صرف ناهار در باشگاه شهر تبریز در ساعت ۲ بعد از ظهر با هواپیما تبریز را بقصد تهران ترك نمودند.

همه میخوانند بداند در فضا چه خبر است؟

مجله فضا

برای دادن پاسخ باین پرسش منتشر میشود.

مجله فضا اول هر ماه

قابل توجه

درشرفکران و دستداران کتاب

موسسه انتشارات امیر کبیر

بمنظور تسهیل در کار شما ترتیبی داده که بتوانید کتابهای مورد نیاز خود را بوسیله تلفن سفارش بدهید و در مدت کمی بدون اتلاف وقت در منزل یا محل کار خود دریافت دارید.

هیچگونه هزینه ای بابت ارسال کتاب از شما دریافت نخواهد شد. تلفن ۳۳۶۹۳۵ از ساعت هشت و نیم صبح الی هشت شب در اختیار شماست

توجه داد و طلبان را به تغییر تاریخ توزیع کارت و تاریخ امتحان جلب می نماید

دانشگاه پهلوی

آگهی ثبت نام برای مسابقه ورودی سال تحصیلی

۱۳۴۷-۴۸

۴- سه قطعه عکس ۴ در ۶ سانتی متر که اسم داوطلب پشت همه نوشته شده باشد.

۵- فیش ب مبلغ هشتصد ریال که بحساب شماره ۲۵۱۶۸ دانشگاه پهلوی در یکی از شعب بانک ملی ایران پرداخت شده باشد.

دیپلمه‌ها و دانش آموزان هر رشته فقط می توانند در امتحان تخصصی آن رشته شرکت کنند.

از همه داوطلبان امتحان هوش و زبان فارسی و زبان انگلیسی بعمل خواهد آمد.

امتحان اختصاصی رشته طبیعی عبارت است از فیزیک، شیمی طبیعی و ریاضی در حد و بر نامه طبیعی، امتحان اختصاصی رشته ریاضی عبارت است از فیزیک، شیمی، ریاضی، امتحان اختصاصی رشته ادبی عبارت است از تاریخ ادبیات، تاریخ و جغرافیا، عربی و فلسفه و منطق قابل توجه:

دانش آموزان سال ششم دبیرستانها که در مسابقه ورودی دانشگاه پهلوی قبول شوند در صورتی می توانند در دانشگاه ثبت نام کنند که در امتحانات نهائی خردادماه ۱۳۴۷ قبول شده باشند. وجه حق الثبت و مدارک داوطلب در صورت شرکت نکردن در امتحان یا قبول نشدن در آن بهیچوجه مسترد نمی شود. از داوطلبان تقاضا میشود از فرستادن اصل مدارک خودداری کنند. داوطلبان فقط می توانند در حوزه امتحانی که درخواست کرده اند شرکت کنند و بعداً نمی توانند حوزه امتحانی خود را تغییر دهند. به مدارک ناقص هیچگونه ترتیب اثر داده نخواهد شد. تاریخ توزیع کارت شرکت در امتحان روزهای چهارم و پنجم تیرماه ۱۳۴۷ در تهران و شیراز خواهد بود.

تاریخ امتحان ورودی روزهای پنجشنبه ششم و جمعه هفتم تیر ماه ۱۳۴۷ در تهران و شیراز خواهد بود.

محل توزیع کارت و محل امتحان و ساعت امتحان برای هر رشته بعداً آگهی خواهد شد.

دانشگاه پهلوی برای سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ از میان دارندگان گواهینامه دوره کامل دبیرستان در رشته های ریاضی و طبیعی و ادبی از طریق مسابقه ورودی که در دو مرکز شیراز و تهران بعمل خواهد آمد دانشجو میپذیرد

دانش آموزان فعلی کلاسهای ششم درسه رشته فوق نهمی توانند در مسابقه ورودی شرکت کنند. در صورت قبول شدن در مسابقه ثبت نام آنها در دانشگاه پهلوی موقوفه بارانه برك قبولی در امتحانات نهائی خردادماه ۴۷ خواهد بود

رشته های تحصیلی دانشگاه پهلوی از قرار زیر است.

۱- زبان و ادبیات فارسی ۲- زبان و ادبیات انگلیسی ۳- زبان های جدید «فرانسو و آلمانی» ۴- تاریخ ۵- روانشناسی و آموزش و پرورش ۶- عمران ملی ۷- اقتصاد ۸- زمین شناسی ۹- زیست شناسی ۱۰- شیمی ۱۱- فیزیک ۱۲- ریاضی ۱۳- کشاورزی ۱۴- پزشکی ۱۵- مهندسی شیمی ۱۶- مهندسی راه و ساختمان ۱۷- مهندسی برق و الکترونیک ۱۸- مهندسی میکائیک ۱۹- تکنولوژی پزشکی

دیپلمه‌ها و دانش آموزان کلاسهای ششم ریاضی و طبیعی می توانند برای تحصیل در هر یکی از رشته های فوق داوطلب شوند. دیپلمه‌ها و دانش آموزان رشته ادبی فقط می توانند داوطلب تحصیل در رشته های زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی، تاریخ و زبان های جدید «آلمانی و فرانسو» بشوند.

برای ثبت نام داوطلبان باید مدارک زیر را با پست سفارشی به اداره کل پذیرش دانشگاه پهلوی شیراز بفرستند. درخواست و مدارک باید منتهی تا تاریخ سی و یکم اردیبهشت ۱۳۴۷ به اداره پست داده باشند.

۱- برك درخواست تکمیل و امضاء شده زیر
۲- رونوشت مصدق یافته کپی گواهی نامه دوره کامل دبیرستان یا گواهی اشتغال به تحصیل از دبیرستان مبنی بر اینکه داوطلب فعلاً در سال ششم (با ذکر رشته) مشغول تحصیل است.
۳- يك نسخه رونوشت مصدق شناسنامه

دانشگاه پهلوی

برگ درخواست شرکت در مسابقه ورودی سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷

اینجانب (نام خانوادگی) نام فرزند
متولد سال دارنده شناسنامه شماره صادره از
الف - دارنده گواهینامه ششم دبیرستان در رشته سال از دبیرستان شهر
ب - دانش آموز سال ششم دبیرستان در رشته در دبیرستان شهر

(فقط یکی از سوالات الف یا ب که بشما مربوط می شود جواب دهید)

داوطلبم در مسابقه ورودی دانشگاه پهلوی ثبت نام کنم و بضمیمه مدارک زیر را می فرستم

۱- رونوشت مصدق یا (فتوکپی) گواهینامه ششم دبیرستان یا گواهینامه اشتغال به تحصیل در سال ششم دبیرستان

۲- سه قطعه عکس ۳- رونوشت شناسنامه ۴- فیش بانک

ومی خواهم در حوزه امتحانی شهر (تعیین کنید شیراز یا تهران) شرکت کنم.

نشانی کامل من این است

تاریخ محل امضاء.....

(این برگ و مدارک را با پست سفارشی منتهی تا تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ به نشانی اداره کل

پذیرش دانشگاه پهلوی شیراز بفرستید) .

(لطفا خوانا و درشت بنویسید)

مقایسه دو خط

منحنی

دنیای امروز دنیای ارقام و آمار است و تنها باتکیه به ارقام و آماریتوان بعلل منطقی مشکلات دست یافت و در پناه آن بجل و فصل آن همت گماشت. مسئله یاب و ذهاب در شهر یکی از آن مسائلی است که با همه سروکار پیدا میکنند بهمین جهت آشنائی با مشکلات و نارسائیهای این دستگاه بنظر من برای هر فردی امری ضروری است چه این آشنائی حداقل سبب میشود که بی جهت به قضاوت ننشینیم و حق را ناحق نکنیم. قبل از تشکیل شرکت واحد اتوبوسرانی وضع ایاب و ذهاب در شهر تهران واقعاً ناراحت کننده و رقت بار بود. اتوبوسها ایستگاه نداشتند. مردم صف نمی بستند و اکثراً بچهها و پیرزنها ساعتها زیر آفتاب و باران بایستی تاوان ضعف خود را می پرداختند.

از وقتی شرکت واحد جای وضع نابسامان گذشته را گرفت الحاق و الانصاف این مشکلات حل شدند نهایت با زهم مردم از کمی اتوبوس و معطلی در ایستگاهها و مسائلی از این قبیل گله داشتند و دارند که بهر حال برای آدم کنجکاوای چون من در علل آن جذبه و فریبندگی خاصی داشت. برای این منظور پیش خود گفتم بهترین راه تکیه به ارقام و آمار است باید به بینیم این شرکت چه امکاناتی داشته و حالا چه امکاناتی دارد.

در گذشته در روز چند نفر مسافر می برده و حالا چند نفر میبرد. تا از این راه بتوان در باره کار این شرکت و این موسسه بی ریا و غرض بقضاوت نشست.

در سال ۱۳۳۵ شرکت واحد دارای ۲۴۰ دستگاه اتوبوس و در روز ۱۲۰ هزار مسافر را جابجا میکرده است در اینجا باید توضیح دهم که معمولاً در شهرهای بزرگ به نسبت هر ۵۰۰ مسافر یک اتوبوس در نظر میگیرند در اینصورت باید قبول کرد که در سال ۳۵ شرکت واحد از نظر وسیله در مضیقه نبوده و به نسبت هر پانصد مسافر یک وسیله نقلیه در اختیار داشته است.

از سال ۳۵ تا سال ۴۶ منحنی نمایش مسافر مرتباً رو به بالا میرود و هر سال بطور متوسط ۲۰۰ هزار مسافر بر تعداد مسافران سال قبل افزوده گشته است. در حالیکه منحنی نمایش اتوبوسها کماکان ثابت است. بعبارت دیگر اول سال ۴۶ این شرکت با داشتن ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار مسافر در روز باز همان تعداد وسائط نقلیه قبلی را داشته است در حالیکه بر مبنای فورمول هر پانصد مسافر یک اتوبوس بایستی ۴۴۰۰ اتوبوس داشته باشد.

تنها در سال ۴۶ است که ششصد دستگاه اتوبوس جدید وارد خطوط شده که اگر بفرض اتوبوسهای گذشته را سالم و قابل استفاده بدانیم با زهم رقم ۸۴۰ دستگاه بدست می آید. حالا برای اینکه این بحث را خاتمه دهیم از شما میخواهیم که فقط دو رقم ۸۴۰ و ۴۴۰۰ را در کنار هم قرار دهید و از خود سوال کنید که: آیا شرکتی که ۴۴۰۰ وسیله نقلیه لازم دارد و حد اکثر ۸۴۰ دستگاه در اختیار دارد شوق القمر میکند یا نه؟

خریدار هوشمند محصولی را انتخاب می کند که از بوتله امتحان سر بلند بیرون آمده باشد.



نخستین و بزرگترین واحد صنعتی تولید کننده کولر در کشور ماست و استقبالی که در سالهای اخیر از کولر ارج بعمل آمده نشان دهنده این حقیقت است که مردم با اعتماد به سابقه و تجارب سی و دو ساله ارج برای آسودن از گزند گرمای تابستان کولر ارج را برگزیده اند. مدل های هفت گانه کولر ارج محیط های مختلف را که از ۲۳ متر مکعب تا ۱۱۱۰ متر مکعب وسعت دارند بنحو مطلوبی خنک می کند، با فیلترهای مخصوص هوا را صاف و تمیز میسازد، حرارت هوا را ۲۱ تا ۱۰ درجه سانتی گراد پائین میآورد و رطوبت را حدود ۳۵ تا ۳۰ درصد بالا میبرد با بهترین تیب کولر ارج همان طراوت و لطافتی را بخاله و محل کار شما می آورد که در بیلاق احساس می کنید، بیلاقی که هوای خنک آن همراه با رطوبت حدود ۴۰ درصد است.

رنگار کولر ارج با رنگی بااستایل و آزاد است.



مدل ۲۵۲



مدل ۲۴۴



مدل ۲۷۲



مدل ۲۷۴



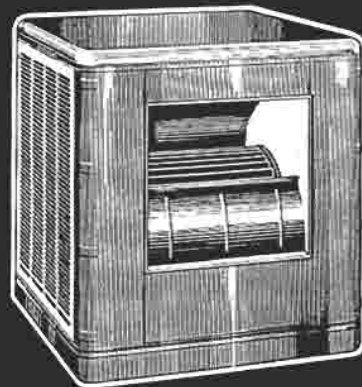
مدل ۲۸۲



مدل ۲۸۴



مدل ۲۹۲



ایرانول

● در انواع البرز

● الوند

● الموت

از فرآورده های شرکت ملی نفت ایران